ندون

۱۳۶۰ ـ ۷ـ نوامبر ۱۹۸۱





دافغا نستان د خلك دمو كراتيك گوند دمركزی كميټی عمومی منشی اودانقلابی شورا رئيس ببرك كارمل كله چې دمالی او حسابی چ
سيمينار برخه وال يې منلي او دهغوی سره خبری كوی .

اخبار وقايع مهم هفته

د افغانستان د دمو كراتيـــــك
جمهوريت د انقلا بی شورا رئيسه
هيات دعقرب په۳ نيټه لهغرمی وروسته
افغا نستان د خلك د دمو كراتيك
گوند د مركزی كميټی د عمومی منشی
د انقلا بی شورا د رئيسه هيات
د ببرك كار مل په مشری دانقلابی
شورا په مقر كی غونډه وكړه .

* * *

با پيام ببرك كار مل منشی عمومی
كميته مركزی حزب دموكراتيك خلق
افغانستان ورئيس شورای انقلا بـی
جمهوری دمو كراتيك افغانستان كه
از طـر يـق راديـو و تلويزيـون
نشر يافت سی و ششمين سالگرد
مؤسسه ملل متحد روز ۲ عقرب در
سرا سر كشور تجليل شد .

* * *

د افغا نستان د خلك دمو كرا تيك
گوند د مركزی كميټی د عمومی منشی
او د افغانستان ددموكراتيك جمهوريت
د انقلابی شورا د رئيس ببرك كار مل
پيامه دهند د صدرا عظمی ميرمن

سراسر هند و عضو هيات اجرائيه
شورای مر كزی حزب كمو نست و
رئيس فركسيون پار لمانی هنـــدو
مهندرا سكرتر جنرال اتحاديه های
كار گری ايالت اندرا پرد يش و
عضو كميته كار اتحاديه‌های كارگری
سراسر هند را برای ملاقات در مقر
شورای انقلابی پذيرفتند .

* * *

د افغا نستان د خلك دمو كراتيك
گوند د مركزی كميټی عمومی منشی
او د انقلابی شورا رئيس ببرك كارمل
دعقرب په ۱۲ نيټه ماښام د ولايتی،
ښاری مالی اواداری چارو د مسوولينو
ددولتی اطلاعاتو دخدماتو ،څارندوی
او وسله وال پوځ د ما لی مسوولينو
دلومړی سيمينار بر خه وال دانقلابی
شورا مقرد گلخانی په ماڼی كی ومنل
اودملگر تيا په فضا كی يی له هغوی
سره خبری وكړی .

دملگرو ملتو د جوړيدو دشپـــږ
ديرشمی كاليزی د ۱۹۸۱ كال د
اكتوبر د ۲٤ له امله د افغا نستان د
خلك دمو كراتيك گوند د مركز ی
كميټی د عمومی منشی اود افغانستان
ددمو كراتيك جمهوريت د انقلا بی
شورا د رئيس ببرك كار مل پيغام د
عقرب په ۱ نيټه شپه دوزيرانو شورا
دمرستيال او داطلاعا تو ا و كلتور
دوزير عبدالمجيد سر بلند لخوا پـه
راډيو او تلويزيون كی ولو ستـــــل
شو .

* * *

دافغا نستان د خلك د مو كراتيك
گوند د مركز ی كميټی عمو مـــــی
منشی د افغا نستان د دموكرا تيك
جمهو ريت د انقلا بی شورا رئيس
ببرك كارمل دعقرب په۱۲ نيټه مازيگر
دبلغاريا د كمو نست گوند د مركزی

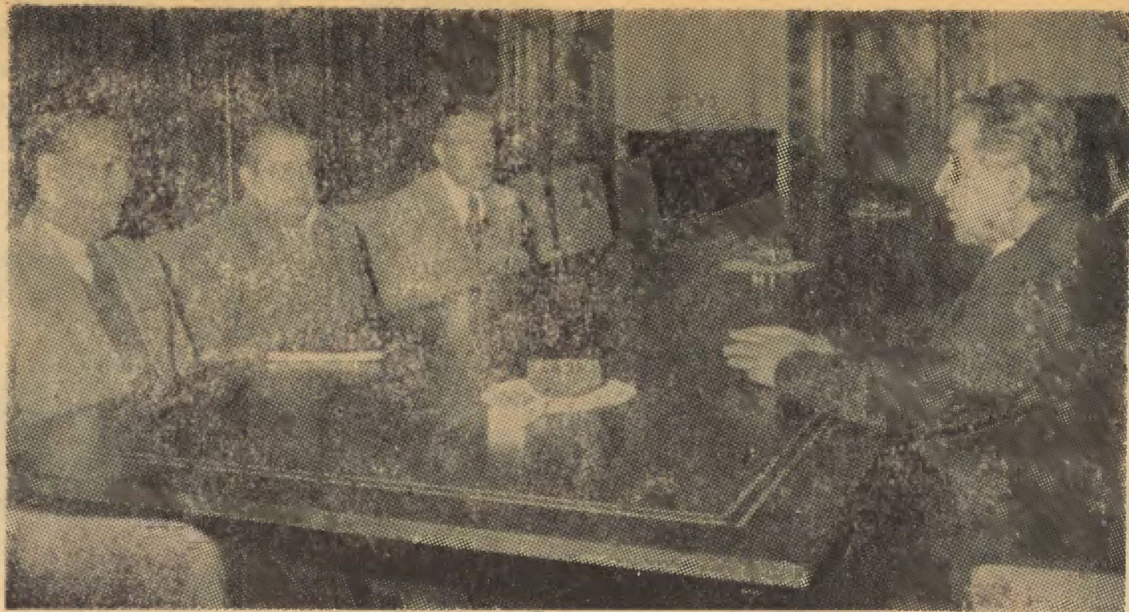
كميټـــی د ارگان نيچسـ
پيال پيتر بو چوكوف
... دانقلابی شورا په مقر

* * *

دافغانستان د خلك د د
گوند د مركزی كميټی دعم
اودافغا نستان ددمو كراتيك
دانقلابی شورا د رئيس ب
لخوا د ملگرو ملتو د ساز
يدو د شپږ ديرشمی كالي
نيو يارك ته ددغه سازمان
ډاكتر كورت والد هايم
مبار كی تيلگرام مخا بره

* * *

سلامهای گرم ببرك كار
عمومی كميته مركزی حزب
خلق افـــغانستان و رئيس
انقلابی جمهور ی دمو كر
نستان روز ۱۳ عقرب تو
جنرال گل آقا رئيس عمو
سياسی قوای مسلح بـــ
خورد ضا بطان وسر بازان
قوای عسكری هرات و پيلو
قوای هوايی آن ولايت رس
شد.



کارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغا نستان و رئیس شورای ا نـقلابـی
دمـو کراتیـك افغا نستان‌اندراجیت گوپتا و مهندرا را برای‌ملاقات پزیرفتند .



وطنجار ،عبدالرشید آرین‌اوشاه محمد دوست دبو نیف پـــه‌هغه میلمستیا کی‌چی دم.م دموسسی
بدو د شپږ دیرشمی کالیزی‌د نمانځنی له امله جوړه شوی وه‌د خبرو په حال کی لیدل کیږی .

د افغا نستان د پلار وطنی
جبهی دکابل‌ښارښاری کمیته‌دعق
په۷نیټه په‌هغه درنده اوستره‌جر
کی چی د پلار وطنی ملی جبهی‌د
کمیتی په مقر کی وشوه جوړه‌شو
د پلار وطنی ملی جبهی د ښا
کمیتی دجوړ یدو د لومړی جر
کار دعقرب په ۷نیټه دسهار پ
بجود کلام الله مجید دځو آیتو
لوستلو وروسته‌دافغا نستان دد
کراتیك جمهوریت د ملی سرود
خپر یدو سره پیل شو او په هغ
دافغانستان د خلك د دمو کرا
گوند د مرکزی کمیتی د سیا
بیرو غړی او منشی او د پلار و
ملی جبهی د ملی کمیتی رئیس‌دا
صالح محمد زیری د جر گی اسا
وینا ولو ستله چی د حاضرینو
چکچکو سره بدر گه شوه .

* * *

د ملگرو ملتو د موسسی دجوړ
شپږ دیرشمه کالیزه په کابل کـ
دیوی غرمنی میلمستیا په ترځ ک
افغانستان کی د هغی موسسی
پرمختیا یی پروگرامونودادارى ل
ولمانځل شو ه .

* * *

ورکشاپ مطالعات قبل از سر
گذاری پروژه های‌صنعتی‌به مساع
اداره پروگرام های انکشا فی مل
متحد در کابل ۱۳ عقرب در وزا
معادن و صنا یع گشا یش یافت

* * *

فضل الرحیم مومند وزیر زراع
اصلا حات ارضی در راس هیا
برای اشتراك در جلسات بیست
یکمین کنفرانس عمومی م و س
مواد خورا که و زراعت جهان روز
عقرب عازم ایتا لیا شد .

پیک ژوندون

شنبه ۱٦ عقرب ۱۳٦۰ – ۷ – نوامبر ۱۹۸۱

جوانان آگاه کشور

باگذشت زمان پس از اجـرای هروظیفهٔ تاریخی، هم برتوان شما افزود می گردد و هم وظایف سنگین تری بدوش شما سپرده میشوداجرای همه وظایف مستلزم کار ومبارزهٔ پیگیر وهمه جانبه کـه درراه آن باید تمام نیروی‌سرشار شمابمثابهٔ مشت فولادین متشکل‌گردد، می باشد .

روزعاشورا

ـانزدهم عقرب مصادف به دهم‌محرم ـز عاشورا بوده همهٔ مسلمانان جهان ـ را منحیث تراژیدی عالم اسلام ـ شهادت بر گزیده ترین نواســـه ـکرم (ص)تجلیل نموده و درسوگ ـ .

ـشورا روزی است که درآن در حدود ـ پس از ظهور دین مقدس اسلام ـ حق و حقیقت تحت رهبری حضرت ـ (رض) نواسه پیا مبر خـدا (ج) ـ و یزیدیان به نبرد بـرخاستند و ـع از حق و عدالت خون های پاك ـ میدان سوزان‌کربلا ریختند ودلیرانه ـنه‌جام شهادت نوشیدند .

ـخونین کربلا در آوانی رخ میدهدکه ـت اسلام بعداز خلیفه چهارم به ـیرسد و امور خلافت که قبلاانتخابی ـبراثی تبدیل می‌گردد وامرای وقت ـ مقام ودر بار ساخته و مغرور از ـکت در بار در تنعم و تعیش غرق ـ شیوهٔ ستمگـرانه وجابرانه دربرابر ـر مینمایند جای صلـح وسلــم ـ ـساوات انسانیت وشرافت را ظلم، ـبالت وفساد می گیرد .

ـ اوضاع واحوالی حضرت امام‌حسین این پاسدار حـق و عدالت نمی تواندکه تحت سلطه چنین نظام جابروشیوه های غیرانسانی یزیدیان که اصول و موازین قانون اسلام را زیر پا نموده و در زیر نقاب اسلام بر توده های مردم حکمرانی می‌کردند و ظلم‌وستم را بر آنها روا میداشتند زندگی نماید بنا بخاطر دفاع از حق و عدالت وایجاد یــك زندگی انسانی در برابر این بیعدالتی وجبر وستم یزیدیان قیام کرد ودر میدان کربــلا با پیروان خود در یك جنگ نابرابر ازدست لشکریان یزید جام شهادت نوشید وتراژیدی عالم اسلام بوجود آمد .

از آنزمان تا کنون دهم محرم یا روز عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جهان تجلیل می‌گردد و مسلمانان در سوگ آن می نشینند و خاطرهٔ آنرا گرامی میدارند .

مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی و اهمیتی که دارد بحیث یك سنت تاریخی طی مراسم خاصی در تکیه خانه هابرگزار می‌نمایند امسال چنین محافل سو گواری مذهبی مردم متدین ما در شرایطی تدویرو بر گزار می‌گردد که دشمنان مردم‌و انقلاب ما در زیر پرده دفا ع از اسلام مرتکب‌اعمال ننگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم مسلمان‌ماگردیده وضداسلام‌واسلامیت، انسان و انسانیت‌عمل میکننددست به‌قتل وکشتارهزارها طفل‌وزن‌ومردبی‌گناه می‌زنند بناها وموسسات عامه از قبیل مکاتب – مساجد –پل هاوعمارت راتخریب می‌کنند –می سوزانند و چنان ظلم وقساوت وجهالتی را علیه مردم مسلمان‌ما انجام میدهند که یزیدیان می‌کردند در حالیکه مردم متدین ما بخوبی‌درك‌کرده‌اندکه‌حزب ودولت انقلابی ما زمینهٔ هر گونه اجرای مراسم دینی و مذهبی را برای‌مردم مسلمان ما آماده‌ساخته وبه آئین و عقاید دینی مردم احترام عمیق دارد چنانچه در مادهٔ پنجم اصول اساسی ج۰د۰ا۰ چنین می خوانیم : در جمهوری دموـ کراتیك افغا نستان احترام ، رعایت و حفظ دین مبین اسلام تامین می‌شود واجرای‌مراسم دینی و مذهبی برای تمام مسلمانان تضمین می‌گردد . دولت به فعالیت های وطنپرستانه روحانیون و علمای دینی در اجرای وظایف و مکلفیت های شان کمك و مساعدت مینماید.

مادر حالیکه مقدم این روز مبارك راگرامی میداریم وبه ارواح‌پاك شهدای کربلای معلا درود و تحیات فراوان می‌فرستیم امیدواریم که مردم مسلمان ما از برکت این روز فرخنده از شر این یزیدیان تیپ جدید که ماسك دروغین دفاع از اسلام را برخ کشیده وعلیه منافع مردم میهن و انقلاب ما عمل می‌کنند یکسره نجات یابند ودست های کثیـف دشمنان انقلاب ثور از دامان پاك وطن محبوب ما قطع گردد وزحمتکشان ما در صلح وامنیت بسر برند .

در این شمار



تبصره

انقلاب ثور

درس هایی از انقلاب اکتوبر

کبیر سو سیا-
آغا ز فصل
ر یت ورویداد
ی در تما میت
این انقلا ب
مربو ط به
ن سر زمین
ستر گیست در
سا نی ، تاریخ
فصلی نو ینی
صادی،اجتماعی
همه مرد ما ن
ست که مرد م
را در تجلیل
ت و چهار مین
یداد تاریخ
کبیر سوسیا -
هیم میدانند .
آن گو نه‌دیگر
ی وتاریخ‌زندگی
شود به‌سادگی
رخداد ها ی
منظره ا شی

اید یا لوژیک وتشکیلا تی احزا ب کارگری طرازنوین، بسط واستحکام جنبش راه صلح ودمو کرا سی‌و ترقی اجتما عی ، از هم پاشیدن‌اندام مستعمراتی امپریا لیزم ، رشد و انسجا م جنبش ها ی رها یی بخش ملی، بیدار ی ملل خاور زمین رشد شعور سیاسی و طبقاتی زحمتکشان جهان ، تقو یت ایما ن به پیروز ی‌در نبرد علیه تما م سیستم های برده‌کننده ، اعم از اقتصاد ی ،اجتماعی سیاسی وفر هنگی پالا یش درکها ودریافت ها از محیط پیرامون‌همه و همه از مظا هر انقلاب کبیر سوسیا-لیستی اکتوبر یعنی هما ن رو یداد عظیمی است که تاریخ قر ن بیستم شنا سنا مه خود را در آن جستجو کرده‌است .

((با انقلاب اکتوبر بشر شروع کرد بدورا ن جبر اجتما عی ،خاتمه دادن حکم معرو فی است : اختیار جبر شناخته شده است ، انسان باکشف ودریا فت قوانین میکانیک نظر ی وعملی غلبه بر جبر اجتماعی است . باانقلاب اکتو بر بشر دست به تغییر نظا م اجتما عی وآفرنیش آگاهانه جا معه نو ینی زد که با آرمان های دیر ینه بشر ی و آرزو های امروز ی او توافق دارد . این امر از جمله پیروز ی عظیم دا نش های فلسفی واجتما عی وانقلا بی یک واقعه بی مانند در سرا سر سر گذشت پر هیجان بشر ی بود. این آزما یشی بود درمقیاس‌تاریخو انسانیت . آرزو ی بنیا ن گزار اندیشه متر قی که می گفت : ((فلا-سفه تاکنو ن جها ن را تو صیف‌می کردند واینک باید دست به کار تغییر آن زنند عملی شده)).

البته این سخنا ن به معنی آن نیست که اگر پیروز ی انقلاب‌سو-سیالیستی اکتوبر نبود . در جهان یا محدود تر بگو ییم در ارو پا یا مثلا در آسیا هیچ جنبش حق طلبانه جوانه نمی زد . یاهیچ فریاد ی به رسم اعترا ض بلند نمیشد ، ولی ملی، مساله صلح، دمو کرا سی و غیره به گونه ایکه اکنو ن هستند، نمی بود .

انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبر ثبیت نمود که بدو ن سازما ن انقلابی وحزب طرا ز نو ینی که سلاح تیوریک آن اندیشه متر قی باشد بتواند با بررسی واقعیا ت جاز ی استرا تیژی و تکتیک نیرو های محرکهٔ انقلاب را تعیین وباپیش کشید ن شعار ها و رهنمود ها ی منطبق باوضع ، جنبش را به جلو رهنمو ن شود ، هیچ قیا م و عصیانی نمیتواند به پیروز ی برسد .مضافا در نمونه ها ی در هم شکستن سیستم تزار ی وبعدا غلبه بر فا-شیزم این مطلب را که نمیتوا ن ارادهٔ توده ها ی مرد م و حز ب رهبر ی کنندهٔ آنها را در امر غلبه بر اقشار و طبقا ت مر تجع بدو ن داشتن دولت‌طرازنوین به منصه‌اجرا گذارد ، نیز قویا به اثبا ت‌رساند.



شمله ورکتون کانون دیگری برای تربیه
وپرورش اطفال زحمتکشان کشور

گزارش از : ر ـ جرمی

بعد از پیروزی انقلاب نجات بخش ثور و بخصوص مرحلهٔ نوین و تکاملی آن حزب و دولت انقلابی ما در جهت بهبود حیات زحمتکشان کشور شامل همه اقوام قبایل و ملیت های مختلف ساکن میهن محبوب‌ودوست داشتنی ما افغا نستان آزاد ، مستقل و سربلند ودر راه رفاه وآرامش هر چه بیشتر هموطنان عذاب دیدهٔ ما هم از پیران ، جوانان واطفال کشور این مردان‌وزنان آیندهٔ وطن به برداشت قدم های موثری فایق آمده است ودر آینده نیز در این راه شریفانه توجه هر چه‌مزیدی مبذول خواهد داشت .

حزب و دولت انقلابی ما در شرایط کنونی به امر تربیت و پرورش اطفال کشور این وارثان حقیقی میهن‌ارزش خاصی قابل می‌باشد وسعی می نماید تا این نو نهالان باغ آرزو های جامعه ما طوری تربیت و پرورش یابند که در آینده بتوانند بخواست هاو نیاز های وطن وجامعه جواب مثبت ارائه بدارندووظایفی راکه وطن وجامعه بدوش آن هامی نهد بوجه احسن انجام بدهند .

ماده بیست و ششم اصول اساسی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان (که در شرایط کنونی حیثیت قانون اساسی کشور را دارا می‌باشد) چنین حکم می‌کند : «خانواده ،مادر وطفل تحت حمایهٔ خاص دولت قرار می‌گیرد، دولت در مورد صحت مادر وطفل توجه خاصی مبذول می دارد و جهت ایجاد شرایط وسیع برای زن در تحصیل ، کسب مسلك و تدارك کار تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید .

ارگان های دولتی ، سازمان های اجتماعی و مکاتب موظف اند در تربیه اطفال بخانواده ها کمك کنند .»

آری ! باتوجه به ارزشمندی تربیت درست و پرورش سالم اولاد کشور است که حزب ودولت انقلابی مابه ایجاد کودکستان هاو مراکز تربیت و پرورش اطفال اهمیت زیادی قایل گردیده می‌کوشند تا ساحهٔ این چنین مراکز تربیوی را وسعت بخشیده از راه تربیت وپرورش سالم اطفال خدمت بزرگی را بـــه هموطنان ما انجام دهد .

شمله وړکتون که اخیرا در چوکات سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان پابه عرصهٔ وجود

مدیره کودکستان
وشنود به پاسخ‌این
این کـودکستان «شم
چنین روشنی انداخت
شمله نام نامی یک
مربوط سازمان دمو
است که در ولایت
اشتغال داشت او ک
سازمان دموکراتیك ز
آشتی ناپذیری خودر
ونو کران حلقه بگوش
درراه مبارزه برضداین
دوران ما لحظه یی
بتاریخ ده میزان ۵۹
بجان مردم افغا نستا
بخش ثور در ادارهٔ
رسید و نام جاودان

وی گفت :

حزب دمو کراتیك





...ذر استعداد افشانده میشود، می بینید که کودکان باشوق وعلاقمندی پیکره‌های دلخواه خودرا می سازند .

...ور و بخصوص مرحله ...ادی های زیادی را برای ... بر آن ها زمینه این ... که دوش بدوش پدران ... کار خانه ها، مکاتب ، ...نند و در امر اعتلاو ... خود را اداء نمایند.

... که زنان آزادهٔ میهن‌مابه ... اشتغال ورزیده ودر ...باشند نمی‌توانند ازعهده ... خود که بحق مردان ... تشکیل می‌دهند بدر ...ت جمهوری دمو کراتیک ... ساری پلان انکشافی ...وددرجهت رفع مشکلات ...شان کشور وسعت و ...دارا روی دست گرفته ...ه‌ل بودکه کودکستان ...ال جاری افتتاح گردید ...شور در این کانون‌جدید ...ت تربیت وپرورش‌سالم ... دیگر مادران و پدران ... در یك فضای آرام و ...ی از ناحیه‌ی اولاد داری بکار و بار روز مره خویش بپردازند و از این طریق مشکلی دامن گیر آن ها نباشد .

محترمه نور پیکی در برابر این پرسش‌که شمله وړکتون اصلا ظرفیت پذیرش چندطفل را دارد و در شرایط کنونی بچه تعداد اطفال کشور را بخود جذب کرده است اینطور اظهار داشت :

اصلا در تشکیل عمومی کودکستان شمله پذیرش دو صد و پنجاه‌تن‌از اطفال زحمتکشان کشور مدنظر گرفته شده است ولی از آن جائیکه اکنون مادر آغاز کار خود قرار داریم ودر شرایط فعلی عمارت مربوط گنجایش نود طفل را دارا می باشد ما عجالتا به پذیرش همین نود طفل اکتفامی نمائیم که تاکنون به تعداد پنجاه و پنج نفر از اولاد کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور در شمله وړکتون جذب شده‌اند . قرار است درآینده بسیار نزدیك بخش شیر خوار گاه ایـــن کودکستان در یکی از نقاط‌مساعد شهر تاسیس شود و در آن به تعداد پنجاه تن از اولاد زحمتکشان افغا نستان پذیرفته شوند ، در صورت تهیه عمارت بزرگی که گنجایش‌همه اطفال شامل تشکیل این کودکستان را ادشته باشد ما همهٔ بخشهای مربوط رابدان جاانتقال خواهیم دادو به‌تعداد دوصد وپنجاه طفل رادرآن جذب خواهیم کرد .

وی گفت : از جمله اطفالی که قرار است در آینده نزدیك در کودکستان شمله جذب شوند بیست وپنج نفر آن را اطفال مربوطه کار گران فابریکه‌ی بگرامی شش طفل کارمندان وزیر اکبر خان روغنون و شش طفل کارمندان تعلیمات صحی تشکیل می‌دهند که این عده اطفال کسانی اندکه نهایت مستحق تشخیص داده شده اند .

مدیره کودکستان شمله‌در مورد نحوه‌مراجعه وپذیرش اطفال دراین کانون تربیتی وپرورشی اولاد کشور چنین بیان داشت :

آغوش این موسسه برای پذیرش اولادهمهٔ اقشار وطبقات زحمتکش کشور همیشه باز می‌باشد ، هـر گاه یکی از وطنداران شریف ما بخواهد طفل خودرا در این موسسه‌شامل سازد بدفتر کودکستان در خواستی‌می‌دهدواز طرف اداره کودکستان برای شخص موصوف ورقهٔ استعلام داده میشود تا از مراجعیکه‌خود و خانم وی کار می‌نمایند تصدیق مصروفیت واندازه معاش خودرا حاضر نمایند تاازرویت آن در قسمت اخذ فیس ازوی اقدام صورت پذیرد . وی علاوه کرد :

هر گاه معاش والدین اطفال از چهار هزار افغانی زیاد باشد از مجموع معاش پدر و مادر ماهانه سه فیصد «در صورت پذیرش اولین طفل» فیس اخذ میگردد .

ودر صورتیکه‌والدین‌بخواهندطفل دوم وسوم شان را نیز دراین کودکستان شامل سازند مکلف‌اندبرای‌هر طفل‌خویش ماهانه‌دوفیصدمعاش خودرا به کودکستان بپردازند و به مقدارهمین دو فیصد تا آخرین طفل از آن ها اخذ خواهد شد .

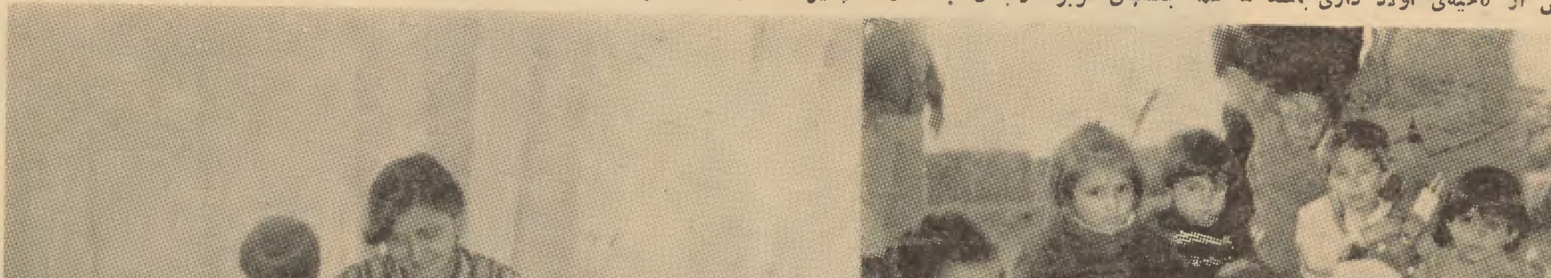
از اولاد آن عدهٔقهرمانانی که در راه‌پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و حفظ دست آورد های دوران ساز آن جان های شیرین خودرا از دست داده اند در صورتیکه معاش والدین‌آن هااز چهار هزار افغانی زیاد باشد ماهانه دو فیصد واگر از چهار هزار افغانی پائین ترباشد ماهانه یك فیصد معاش آن هـــا اخذمیگرددو از سایری اشخاصیکه از چهار هزار افغانی کمتر معاش دارند«زن‌و شوهر» ماهانه دوفیصد معاش در بدل شمول هر طفل آن ها دراین کودکستان از نزد ایشان اخذ میگردد .

مدیره کودکستان شمله راجع به بخشهاو پروگرام های‌فعلی‌شمله وړکتون چنین‌معلومات ارائه داشت :

اساسا شمله وړکتون دارای دو بخش می‌باشد یعنی بخش شیر خوار گاه و بخش کودکستان که برای فعلا بخش شیر خوار گاه ها فعال نیست ودر آینده نزدیك بکار خود شروع خواهد کرد .

ودر مورد پروگرام‌های کار بخش کودکستان یعنی کار آن عده اطفالی که بین سنین سه سالگی تا شش سالگی قرار دارند «اطفالیکه بین سنین سه‌ماهگی الی سه سالگی‌قرارداشته باشند در شیر خوارگاه تحت تربیت قـــرار می‌گیرند » بایدگفت از آن جائیکه کودکستان جاه آماده گی برای آغاز درس مکتب است‌که باید اطفال را قبل از شمولیت به مکاتب کشور به اساسات تعلیم وتربیه آشنا سازدمادراین

بقیه درصفحه ۵۱



گرد آور نده : داکتر عبدالسبحان‌هاتفی

غذاواهمیت آن در وجو



سوء تغذی چه تا ثیر اتی بالای عضو یت د



غذا یی مصا ب هستند که اکثــرا در ممالك روبه انکشا ف زیست‌می نمایند .

احصائیه مرگ و میر مخصوصا اطفا ل در مما لك انکشاف یا فته نسبت به ممالك روبه‌انکشاف بخاطر سو ی تغذی و محیط ناسالم زیست زیاد میباشد .

طور مثال اطفالی که به صورت درست تغذی شده با شند . بسیاری از امرا ض سار ی از قبیل‌سرخکان دیفتر ی ، سیاه سر فه محر قــه اکثرا سبب مر گ شده نمیتواند. که گا هی حتی این اطفا ل بعد از چند روز بیدو ن تداوی شفا یا ب میشو ند . بر عکس آن عده‌اطفالیکه به سوء تغذی مصا ب باشند بــا وصف تداوی باز هم جوا ب‌قنا عت بخش حاصل نگردیده نه تنهامریض شفا نمی یابد بلکه در چنگا ل بی رحم مرگ جان شیرین خود را از دست میدهند.

احصائیه دست داشته نشا ن‌می دهد که در سن پا یین تر ازیکساله یکصدو هشتاد فی هزار وازا۱ــ۵ ساله دو صد و هفتاد فی هزا رطفل به مرگ محکو م می گردند .

بناء گفته می توانیم از جملــه هزار طفل دو صد و هفتاد طفل‌قبل از آنکه به سن پنج سالگی بر سند بنا بر علتی نابود میشو ند و یااگر بعضی هم از ین مرا حل خطر ناك جان به سلامت بر ند ، به‌تشوشات عقلی واز نگاه ذکا نا قص ــی باشند وبار دو ش جامعه میشو ند .

در وطن ما افغانستا ن مشــکل تغذی بیشتر به ملاحظه میر ســد ازینکه اطفا ل در سنین کم رشــد ونمو سریع دارند مــبر هن اســت که کمبود مواد غذایی و مصا ب‌شدن به امرا ض گونا گو ن اثرا ت سوء وناگوار ی که بر آنها بجا میگذارد.

اگر شخصی برا ی مد ت درازی ویا به طور پیوسته با یك غذا کــه

عدم توجه به ح
حالت را بوجود می

دارا ی مواد وانر ژ
زندگی کند ویا این
گردد در زیر چنین
برد شخصی مذکور
شده به عصبا نیت
میشود وبا لاخره ب
تغذی نا مند دو چ
در ین حا لت عضو
بو ها ید ریت خود
می رساند پس ذخا
استفاده قرار مید ه
توان عقل خود را



درجهان کنو نی تغذ ی مشکلــی عظیمی را بوجود آورده است .زیرا از دیاد نفو س ، تغیروضع جو ی، سو یه اقتصاد ، عادا ت غذا یی ، رسم ورواج ها فکتور ها ی اندکه افرا ط یا تفریط تغذی را بار مــی آورد .

فرط تغذی سبب امرا ض ما نند دیا بت یا مر ض شکر و امرا ضــ قلبی شده ودر کسا نی زیاد تــر دیده میشود که وضع اقتصادخوب داشته وعمو ما در مما لك انکشاف

...هان ما امروز زیادتر از ۴۰۰ ملیون نفر بکمبود مواد غذایی دچار اند.



...بنده مینگرد ومی‌اندیشد

...لت دو م که چا قی می
...مما لك عقب ما نده‌عامل
...ذی کمبود موادپروتینی
...ء تغذی به شکل تفریط
... کند .
...ر مما لك متر قی چا قی
... مرد م می باشد که‌این
...را ی صحت مفید نیست.
...ت عمو م سو ء تغذ ی

خوردن ناکا فی آن بوجود می‌آید

کمبود مواد غذا یی ثانو نی :

درین قسمت آن امراضی شا مل است که فقدا ن مواد مغذی ازسبب دیگر فکتور ها بوجود آمده با شد نه غذا .

سوء تغذی یا آنقدر خفیف مـی باشد که اعرا ض کلینکی نشا ن‌نمی دهد وتنها توسط معاینا ت لابرا ـ توار ی تعیین شده میتواند ویااینکه بقدر ی کا فی بیشتر فته واعرا ض وعلایم کلینکی را بوجود می آورد .

درین جا بهتر است کـه رو ل سوء تغذی رادر بروز امرا ض‌شرح نماییم .

۱ ـ عنا صر معا فیت دهنده‌یا انتی باد ی محا فظو ی را کم‌میسازد یا زود از بین می برد .

۲ ـ حالت غذا یی خرا ب انتانات خاموشی را فعا ل ساخته ودرنتیجه مرضـ بروز مـی‌کند طـور مثـال تربر کلوز .

۳ـ عکس العمل نسجی رادر مقابل حا لات التها بی کم میسازد.

٤ ـ فکر می شود که غذا یی‌خوب قدرت مقاو مت عـضو یـــت رادر مقابل انتا ن یا مکرو ب بلند برده و عضو یت را آماده میسازد که‌عامل مرض را تخریب کند ، مگر درسوء تغذی این حا لت صور ت نگر فته مرض بوجود می آید .

اسباب سوء تغذی :

در حالات ذیل مواد مغذی‌و مقادیر ضرور ی آن به عضو یـــت نرسیده در نتیجه عضو یت به‌فقدان مواد غذایی مصاب میشود :

۱ـ در غذای روزانه یامواد‌مغذی هیچ موجود نبوده ویا هم احتیا ج روزانه را تکافو کرده نتواند .

۵ ـ بعضی عملیا ت ها خصوصا (یك قسمت معده کشیده‌شده‌باشد) امتصاص مواد غذایی را مختل‌مـی سازد .

٦ ـ بعضی امرا ض احتـــیا ج مشخصی مواد غذایی را از یاد می بحشد اگر تکا فو نشود سوء تغذی ظهور می کند .

۷ـ در قحطی های دوام‌ـدار عضویت احتیا ج غذا یی خود راپوره کردد نمیتواند .

۸ـ عادات خراب غذایی وطریقه‌های ناقص پختن که در آن مواد مغذ ی از بین میرود .

غـــذا :

غذا به آن مواد اطلاق میشودکه دارا ی عنا صر ی مثل پرو تین‌شحم کار بو ها ید ریت یا قند وو یتامین وغیره باشد وانسا ن آنرا بمنظور تولید انرژی ، نمو، ترمیم انساج، توالد وتناسل و مقاو مت درمقا بل امراض استعما ل مینما یند .

اهمیت غذا :

غذای خوب برای تا مین صحت بهتر لازم و ضرور ی است زیـرا غذا برای نمو، انکشاف ، توالـدو وتناسل ، تولید انر ژی عضو یت وبرا ی بهبود فزیکی و دما غی تاثیر مستقیم دارد وبه این اسا س‌غذانسبت به هر فکتور حفظ الصحو ی دیگر با لای صحت زیاد موثر است .

اینکه غذا در وجود چه وظایف را انجا م مید هد باید گفت که غذا



در وجود بصورت عمده سه وظیفه‌را را اجراء می نما یـــد . وازهمین سبب غذا به سه گرو پ تقسیـــم میشود :

الف ـ آن عده مواد غذا یی که برای نمو به کار میرود و منا بـع حیوانی ونباتی‌دارد. منابع‌حیوانی‌آن شامل گوشت ، شیر وتما م‌محصو ـ لات که از شیر ساخته میشود وتخم میباشد .

ومنابع نباتی آن را لوبیا، نخود، دال ، ماش ، مومپلی ، زرد لـ ،، کدو ترب وز، خر بوزه ، جلغوزه، بادام، چار مغز وغیره تشکیل مید هد .

ب ـ آنعده مواد غذا یی که به وجود قو ت کار مید هد و عبار ت‌از تمام خوردنی ها ی شیرین مثل‌شیر ینی با ب ، نیشکر ، لبلبو .گندم، برنج ، کچالو وغله جات .

همچنان تما م شمیا ت ماننددنبه مسکه ، قیما ق ورو غن درین گروپ شامل اند .

ج ـ آن عده مواد غذا یی که‌فعا ـ لیت ها ی وجود را تنظیم می کندو در حفظ سلامتی بد ن رول دارد . که عبار ت از تمام میوه جا ت‌خشك





طفلیکه به کمبود غذا یاسوء تغذی مصاب است

وتازه وتما م انوا ع سبزیجا ت‌می باشد .

پس غذا از نظر ترکیب به سه جز عمده تقسیم شده که عبار ت انداز :

مواد قندی ، مواد روغنی ، مواد پرو تینی .

کار بو ها یدریت یا موادقندی :

که وظیفه عمده آن عبار ت از ذخیره انر ژی میبا شد یك گرام کار بو ها یدریت دارا ی چارکالوری انرژی می باشد کار بو هاید ریت ها از طریق مواد غذا یی گر فته‌می شود که منابع آن عبار ت از شیر ، نیشکر ، لبلبو ، گندم ، برنج ، کچالو و عصاره میوه جا ت مـی باشد .

چار مغز ،بادا م و خسته با ب.دیگر گل آ فتاب پر ست، پنبه دا نه ، شرشم ، کنجد ، ،زغر وغیره مـی باشد .

شحم رژیم غذا یی با کا لور ی وشحم عضو یت باچا قی ارتبا ط دارد در ممالك که ما شین جا ی کار های دستی را گر فته اگر مرد م‌آنجا در غذای خود شحمیا ت وکالور ی مجمو عی را محدود نسا زد چا قی د ر آنجا مشکلا ت صحی را بوجود خوا هد آورد . بـر علاوه ارتبا ط بین زیاد گر فتن‌شحمیات خصو صا شحم حیوا نی و مر ض اتیرو سکلرو س موجود است‌در افغانستا ن که تما م کار هاتوسط دست صور ت‌می‌پذیردبناءموجودیت

استعما ل میشود .

ویتامین ها :

ویتامین از جمله مر کبا ت‌عضوی بوده که عضو یت خود شا ن آنرا ساخته نمیتواند وبا ید که ازخار ج عضویت تکا فو گردد . زیرا برا ی تامین صحت ضرور ی می‌باشند .

ویتا مین ها بدو گرو پ عمده تقسیم شده یکی منحل در شحم که عبار ت از ویتا مین ها ی‌آ، دی، ای ، وکا میباشد . ودیگر ی‌منحل درآب است که شامل ویتامین‌سی‌و انوا ع ویتامین بی میباشد . ناگفته نباید گذاشت که ویتا مین ها ی منحل در شحم در جگر ذخیره می شود و گر فتن زیاد آن آنقدر مفید نبوده مگر ویتامین های منحل‌درآب در عضو یت ذخیره نگردیده بلکه مقدار اضا فی آن را عضو یت‌اطراح می نما یند .

حال به تشریح مختصر هریك از ویتامین ها می پردازیم.

ویتامین آ :

این ویتا مین جهت رشدونمو ی اطفا ل ارزش حیا تی دارد زیرا این ویتا مین درساختما ن یك قسمت مهم چشم نقش اساسی دا شته وبه واسطه آن تعا دل بینا یی خود را حفظ می کند . کمی ویتا مین (آ) باعث ضعیف شد ن قوه دید وفقدان آن ممکن سبب کور ی چشم گردد. یك خاصیت مهم دیگر این ویتا مین تامین وافزا یش مقاو مت طبعی‌بدن مقابل مکرو ب ها ست اشخاصیکه دچار کمبود ویتا مین (آ) هستند . بیشتر به امرا ض مجرا ی تنفسی وبولی مبتلا میشو ند این ویتا مین جلد بد ن را سالم نگهدا شته در بهبود استخوا ن و دندا نهاوشنوایی نیز تاثیر دارد . جوانا ن روزا نه به سه صد مایکرو گرا م ویتامین (آ) ضرور ت دارد .

سست شد ن دندانها
همچنان بو جود آمد
کبود رو ی پوست ، پ
وکم خونی از جمله ا
مهم آناست .

میوه جات تازه
منابع غنی این ویتا می
کچالو جوش داده دارا
این ویتا میـن است
آور شد که غذا های ح
سی نباید زیاد حرار
در غیر آن ویتا مین م
خود را از دست مید ه
میخوا هید سبزیجا ت
پس باحرارت کم و آ
ظر ف سر بسته به
کنید .

خرد خرد کرد ن و قرا
یجا ت در معر ض هو
رفتن ویتا مین سی م
خوردخوردنمودن‌بیش
پشت چمچه نمود ن
مفید نبوده و نیز باید
سبزی جلو گیر ی به
غذا ی که در دیگ مس
ویتامین سی آن از بی
همچنا ن علاوه کرد ن
بای کار بو ینت سب
ویتامین سی میشود

علایم کمبود این و
خصو ص در نزد اطف
منابع مهم آن نارنج
بادنجا ن رو می و غی

ویتا مین دی :

این ویتا مین که و
نیز نامیده میشود
بسیار مو ثر بوده از
پایا ن دوره بلو غ د
بدن نقش تعیین کنن
مواقع بار دار ی و ش

تاسیس وایجاد پرورشگاه وطن

قدم بزرگی درراه پرورش اطفال بی سرپرست وطن

از: نیکخو

مرد می را می توا ن سا یل انسا نی و بشر ن شنا خت که هرقدمی ا ه و سعا د ت مرد م و هر اقدا می رابرا ی بود ها ی جا معه و رشد و رو حی اطفا ل آ ن رند . جامعه ا فغا نی ما یك نظا م ملی ، مترقی خور دار است و تحقق ی انقلاب مرد می آن مشکلات امرو زوتا مین ا د ت فر دای جا معه از داشتن چنین نظا می د و باید هم ببا لدزیرا انقلاب ثور و به‌صورت له نو ین و تکا ملی آن سود مند ی به نفع و سیع ز حمتکشا ن ت گرفته و پلان های دست حز ب و دولت ا میبا شد که یکی پی اکثر یت عظیم و توده دهقانا ن ، کار گرا ن متکشا ن به منصه اجرا شود وو طن محبو ب شگو فانی و تر قی کشاند .

تر قی و سعاد ت مردم که سالیا ن دراز ی رنج تود ه های و سیع ی بلعیدند با پیرو ز ی و مر حله نو ین‌تکا ملی پا گند های ناروا برضد ز کردند وبا آنهم اکتفا

گری های عنا صر ضد انقلا ب باعث و یرا نی خانه ها، مسا جد تا سیسات عام المنفعه و غارت نمود ن دارا یی های مرد م شد ه و بسا اطفا ل و زنا ن را بی سر-

پرست گردانید ند که این جنایا ت ضد انقلاب و بادا ران امپریالیستی شان هر گز فرا موش خلق کشور نخواهد شد .

جمهور ی دمو کرا تیك افغا -
نستا ن که خد مت به تود ه های وسیع کشور و رفا ه و سعا د ت مرد م از اهدا ف بز رگ آن می باشد دست بیك اقدا م بی‌سابقه‌ای در کشور زد ه و پرورشگاه و طن رابخا طر تر بیت نمود ن اطفا ل بی سرپر ست تا سیس نمود ه‌نو باو ه گا ن امروز و طن که زنا ن ومردا ن بز رگ و دورا ن سا ز فردای جا معه ما ن میبا شند به تر بیت سا لم جسمی و رو حی

کا مل نیاز دارند که باید این نیاز مند ی اطفا ل امروز به خاطر هر چه بیشتر شگو فا نی جا معه فر دا بر آو رد ه گردد ، بخصوص آن‌عد ه اطفا لیکه یا در اثرمرگ طبیعی پدرا ن خویش بی سر - پرست شده اند و یا پدرا ن آنها جان خود را در راه دفا ع‌از میهن و انقلاب از دست داد ه اند ، به سرپر ستی و یا مر جع امید ی که آنها را بتواند تعلیم و تر بیت دهدو بزرگ سازد اشد ضرور ت داشتند که با تاسیس پرورشگا ه وطن این نیاز مبر م اطفا ل بی سر پر ست بر آورده شد ه و در دا ما ن پرورشگا ه وطن از نعمت تعلیم‌و تربیت جسمی و رو حی بر خور دار می شو ند .

در پرورشگاه وطن که به روی فرزندا ن بی سر پر ست و طن آغوش باز دارد و همهٔ اطفال بی سر پرست را تحت شر ایط معین

شمو ل می پذیرد بر علاو ه اینکه اطفا ل اعا شه و ابا ته می شو ند بلکه و سایل تر بیتی و سا یل سرگر می و سا مان باز ی‌وو رزش نیز برا ی آنها میها بود ه و با در نظر داشت سن و سا ل آنها در تربیه ذهن آنها موافق به ایجا بات عصر ما اقدا مات سود مند ی ا ز طرف مربیا ن پرور شگا ه‌صور ت می گیرد و اطفا ل بسو ی یک زندگی بهتر و آیند ه شگو فا ن نیك رهبری‌ور هنمایی می‌شو ند .

هرگاه به اهدا ف عا لی پرورشگا ه و طن عمیق با ندیشیم وخد ما ت انسا نی آنرا نیك بنگریم بدر ستی در می یابیمکه پرورشگا ه و طن یك مو سسه عام المنفعه است و بهمه مردم تعلق دارد که هر فرد ی‌از افرا د کشور که توان مالی داشته باشد می توا ند در تقو یه پرور شگاه و طن سهم گیرد و آنرا بیشتر نیرو و توانا یی بخشند تابتوانند تعداد ز یادی از اطفا ل سرا سر کشور را جذب نماید .

دولت انقلابی ما با و سعت نظری که دارد همه اطفا ل وطن را که بی سر پر ست شده اند اگر فر زندا ن را هیا ن راه انقلا ب اند و یا دشمنا ن انقلاب یکسا ن در پرورشگا ه و طن می پذ یرد و یکسا ن در تعلیم و تربیت آنها همت می گمارد زیرا عنا صر ضد انقلاب و یافریب خورد گا ن را نابود ی را خود برای خو یشر



گردهم آیی های اختصاصی ژوندو

مسایل: سیاسی، اجتماعی وخانواد

وفرهنگ وهنر

دربوتهٔ نقد وانتقاد

راه‌های رشد وباروری تجارت م

در کشور

آیا تجارت ما دچار رکود شده است؟

طرح و تنظیم : رووف راصع
حکـم : راحله راسخ خرمی

در این جـدل :
۱ ـ انجنیر محمد عزیز رئیس عمومی ارزاق
۲ ـ مهـر چنـد ورما رئیس عمومی اتاقهای تجارت
۳ ـ انجنیـر شاهیـن رئیس افغان کارت
٤ ـ انجنیـر لمر احمـد لمر رئیس عمومی مواد نفتی و شکـر
٥ ـ انجنیر مسکین مل رئیس انکشاف زراعت

رئیس انکشا ف صا درا ت :
یکی از وظا یف عمده واسا سی وزار ت تجا ر ت در سطح تجا رت خار جی جلب اسعار قو ی است که

در سال شصت بـه مقا یسه سال پنجا ه‌و نوو درسا ل پنجا ه ونوٌ به مقایسه سا ل پنجا ه و هشـــت افزا یشس یا فته است .

ارا ئه داد ه با شیم که تجار ت ما رشد یابند ه‌است به‌ذکرارقـــام صادرا تی وواردا تی ربع او ل سال شصت به مقا یسه همین ربع سا ل پنجا ه ونو می پر داز م :

مجمو ع صا درا ت ربع اول‌سال گذ شته یکصدو سی و نو میلیون دالر بود ه است در حا لیکه‌مجمو ع صا درا ت در همین ربع ســـا ل جار ی به یکصد و هشتاد میلیو ن دالر میرسد همچنین مجمو ع‌واردات در ربع او ل سا ل گذ شتـــــه یکصد و شش میلیو ن دالر و از همین مد ت درسا ل جار ی‌یکصدو سی و چار میلیو ن دالر بـــو د ه است .

همچنین کمك های
سر مایه گذارا ن ملی
گرفته تا تجار ت صا د
یابد که در این شمار
یابی برای امتعه افغا
های خارجی ،جلو گیر
نر خگیر ی مر تب م
در سطح بین المللی و
دیگر .

ریاست انکشا ف ص
منظور توسعه خد ما
برای تجار سکتور خص
نمایشگا هی که از امت
بازا ر های خار جی تد
از تجا ر انفراد ی برا
دعو ت به عمل آورد ه

مو می اتا ق هـــا ی

گفته های محترم رئیس
ما درا ت نکته یی که
ی میباشد این است‌که
دورا ن امین در امور
صادرا تی‌با مشکلا تی
که بعد از پیرو ز ی
ی و تکاملی انقلا ب
ی آن‌مشکلات خاتمه‌داده
وا ن مثا ل تا جرا ن
کار صادرا تی مو ظف
اس فیصله یی که به
ود بیست در صد مازاد
ب وزار ت ما لیه
د ، اما بعد از پیروزی
و تکاملی انقلاب‌ثورنه
ست فیصد گشتا نده
ه آنچه هم که‌گشتانده
پس به تاجرا ن ملی
ید و همچنین رسم
در برای تجار تور ید
عا ف گردید .

صع:

یس انکشا ف‌صادرات
سخنا ن خود اشاره‌یی
ضو ع داشتند که
اقدا ما ت ار گا ن‌های
رنه‌تنها هیچ کمبودی‌در
او لی و ضرو ر ی
در بازار های کشوربه
رد بلکه از صعود قیم
ی شده است که من
گفته های ایشا ن ر ا
دو م یعنی بالا نر فتن
رد میکنم ، برای این
یل فراوا ن در دست
ا ن مثا ل صابو نی که
س و یا سال های قبل
افغا نی قیمت داشت
س از بیست افغا نی
کرم ریش که سی
ش داشت حا لا قیمت
ه افغا نی رسیده است
های پو شا کی که

صعود قیمت ها بیشتر از این جلو گیر ی کنیم ر حد اقل قیم را د ر سطح مو جود ثابت نهگداریم ؟

رئیس عمو می اتا ق هـــا ی تجار ت :

عد م استقرا ر قیم در بازارهای کشور ما بیشتر از آنکه زاد ه شرایط دا خلی باشد و ابسته به شرایط و ضوابط اقتصا دی بین - المللی است و از همه بیشتر به نر خ اسعا ر وابسته میباشد .

در سا ل ۵۸ نر خ دالر ا ز چهل وچار افغا نی تجاو ز نمیکرد اما در سا ل ها ی گذ شته و سال جار ی قیمت دالر به پنجا ه و هشت افغا نی افزا یش یا فت .

عا مل دیگر بلند ر فتن قیمت ها گرا ن شد ن نر خ نفت‌در سطح جها نی است ، تورید مواد مصرفی به ترانسپور ت احتیا ج دارد و ترانسپورت به مواد سو ختی نفتی که پیدا ست و قتی قیمت نفت بلند رود قیمت ترا نسپو ر ت نیز بلند میرود و در نتیجه صعود قیم را موجب میگردد .

سو مین عا مل گرا نی هم این است که قیمت ها به خاطر عوامل گو ناگو ن در همه کشور ها ی جها ن بلند ر فته و در اصل خرید به مقا یسه سا ل های پیشس گران تر صورت میگیرد بنا صعود قیم امر ی کا ملا طبیعی است ،در پهلو ی این مسایل باید در نظر بگیریم که با وصف قرار داد شتن درشرایط انقلا بی ومشکلات فراوان ترانسپور تی ما توا نستیم تما م مواد مورد ضرور ت مرد م را د ر بازار ها عر ضه داریم .

رووف راصع :

با تو جه به کا هش روز افزو ن قد ر ت خرید ، پایین بود ن سطح عاید عمو می‌ومشکلات کسا نی که عاید ثابت دارند باتوجه به صعود قیم باید ار گا ن ها ی مسوو ل خد ما ت اجتما عی‌مقداری ضرر اقتصا د ی را به خاطر رفا ه



گوشه یی از میز گرد ژوندون کـــه پیرامون مسایل تجارتی کشور دایر گردیده بود

یا خیر :

رئیس افغان کارت:

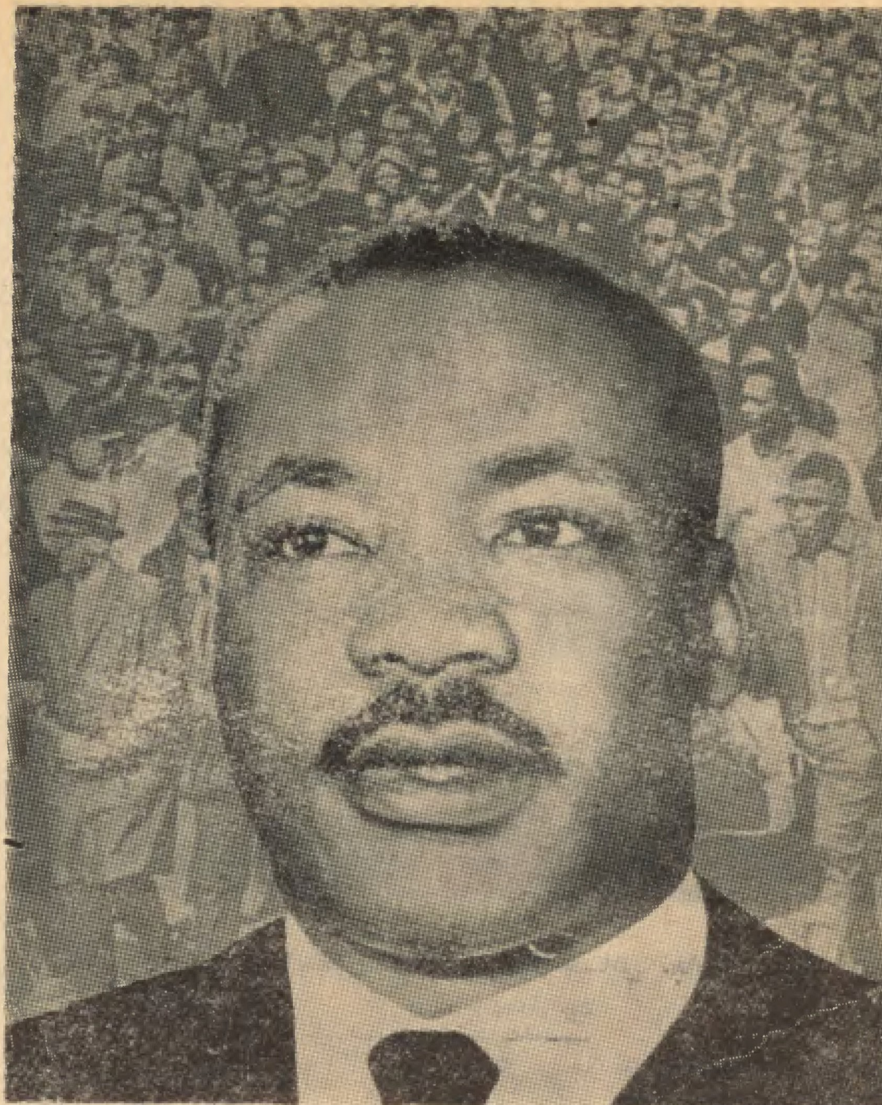
به اجاز ه شما پیشس از اینکه به پاسخ پر سشس مشخص شما بپر داز م می پر داز م به یادآوری چندنکته در زمینه استقرار قیم :

در سطح جهانی نظر به خرا بی او ضاع ایران قیمت نفت این کشور بلند ر فته است و این گرا نی خود به خود رو ی نر خ ترانسپور تی تا ثیر میگذ ارد ،از سو ی دیگر نو سا ن نر خ اسعا ر درسطح جهانی رو ی قیمت هاتاثیر میگذارد و از استقرار آن جلوگیری میگردد به عنوا ن مثا ل دالر که چند ما ه پیشس چهل افغا نی قیمت داشت اکنو ن پنجا ه افغا نی‌قیمت دارد ، از این هاگذ شته یك عامل دیگر صعود قیمت ها و عدم استقرار آ ن ما ند ن ز یاد اموا ل

سالار ی در جا معه ما به چشم میخورد که در نتیجه پیروزی‌کامل انقلاب و از میا ن ر فتن همه ضوابط فیو دا لی از میان میرود .

در پر سشس شما آنچه مربو ط به شر کت افغا ن کار ت میگر دد پاسخ آن این است که این شرکت برای جلو گیر ی از صعو د قیم کار ها یی را به انجا م آو رد ه است به عنوا ن مثا ل قیمت شیر که یکی از اقلام مورد ضرو ر ت همگا نی میبا شد بعد از آنکه رو به افزا یشس گذ اشت افغا ن کار ت مقا دیر فراوا ن آن را از کشور دو ست اتحاد شورو ی وارد کرد و با افزا یشس عر ضه به مقدا ر بیشتر از تقا ضا موفق گردید قیمت آنرا به کنترو ل آورد .

اکنو ن نیز شرکت افغان کارت اقلام وارداتـی خود را به قیمت‌تمام



مارتین لوتر کینگ

ترجمهٔ قاسم «سرمد»

پیوسته بگذشته

من هم یک انسانم

* * *

مارتین لوتر کنگ رهبر سیاهان چگونه بقتل رسید؟

هر گاه شاگردان نو سرود پوهنتون رادر ذهن نمی سپردند سر آنهارا می تراشیدند و یابا لباس زیر (شاور) میگرفتند •

کنگ رشته سوسیولوژی (علم اجتماع) را انتخاب وبدرس آغاز کرد • فضای درس برایش دلچسپ بود و برای اولین بار عملا درمباحثات غیر عادلانه بودن تبعیض نژادی حصه گرفت قبل برین هرگز در صفت نشنیده بود که قانون تجربه غلط و غیرانسانی بوده وباید لغوگردد•

پوهنتون مور هوس یك پوهنتون خصوصی بود و مصارف آن ازطرف ریاست جورجیا ویا شهر اتلانتا پرداخته نمیشد استدلال مالی باعث آزادی گفتار و غیرعادلانه تلقی نمودن تبعیض نژادی میگردید • مکاتب دیگری که مار تین در آن ها درس خوانده بود از دولت بودجه در یافت میداشتند واین یکی از دلایلی بود که استادان نمی‌توانستند بصورت آزادانه در باره قانون جدا سازی سخن گویند •

کنگ که شاگرد ممتاز بود در کلب آواز می‌خواند وعضویت کمیته انضباط پوهنتون را حاصل کرده بود • در رقابت های نظامی حصه میگرفت واستعدادش را بیشتر از پیش پرورش میداد . در صنعت دوم در مسابقات نطاقـــی شرکت جست و مقام دوم را بدست آورد•

مارتین در شورای مشترك پوهنتون های سیاه وسفید اتلانتا هم‌عضویت داشت . مقصد این شورا را تقویه دوستی بین پوهنتون هاو حل پروبلم های مشترك محصلین تشکیل‌میداد کنگ برای اولین بار به صفت عضـو مساوی الحقوق شورا با سفید ها بمذاکره نشست• تجاربیکه در این شورا آموخت ویرا متقـاعد ساخت که درجامعه سفید پوست هاهم اشخاصی پیدا میشود که از نگروها طرفداری میکنند • قبلا کنگ از تمام سفید پوست ها اظهار تنفر می‌نمود •

مارتین میخواست حقوق دان ویا داکتر طب شود ولی به تحصیل در رشته الهیات علاقه بیشتر داشت • پدرش باین تصمیم او موافق بود . مکیل اولاد هایش رابسیاردوست داشت ودر حالیکه همه به سن بلوغ رسیده بودند بازهم آنها را هدایت ورهنمائی میکـــرد و در تصامیم آنها شریك میشد ونصیحت به‌هرکدام بصورت جدا گانه می پرداخت •

فرزندان در مقابل پدر عکس العمل های مختلف نشان میدادند کریس دختر وظیفه شناس نصایح پدر راازدل و جان گوش میکرد

بسیار خـــوش شـــد وکنگ
نمو دتادرادامه تحصیلاتش مساع
بیشتر به خرچ دهد •

طوریکه قبلا تذکر داده‌ایم‌مار
های تابستانی کار میکرد ود
رابه مشکلات سیاهان آشنایی س
که‌پدرش در بین سیاه پوست
بود می توانست بهترین کار
تهیه کند ولی او در عوض به
شکن دست می‌زد دریکی‌ازتابس
سریع‌السیرریل به‌حمالی پرداخ
دیگر در فابریکه دوشك سازی
مشاهده کرد که ثقلت کار بر
یکسان بود ولی یك فرق بزر
این فرق پرداخت پول کمتر
کاربه سیاهان به مقایسه سفید
تصور نمود تا زمانیکه پرداخت
موجود باشد نگرو ها به همان
خواهند ماند• درینوقت گفته‌پر
لوژی که «پول نه تنها وسیله
هاست بلکه ریشه تبعیض نژ
بیاد کنگ آمد و آنچه را که
بود در عمل مشاهده کرد •

مارتین در تابستان ۱۹٤۸ یع
پوهنتون مضمون در باره تعلی
اخبار پوهنتون به نشر سپر
«هدف‌تعلیم وتربیه » بود وی
اظهار عقیده کرده بودکه‌منظور
نباید صرف آماده نمودن جو
باشد و نباید یك شاگرد را
مشخص تربیه کرد . تعلیم و
خدمت علمی و منطقی افراد
تفهیم نماید راست را از غلط
رویا تشخیص نماید . شخص
حقیقت وراستی را اختیار نما
شخص با منطق این نظریه ر
نژاد دیگر مافوق است وجـد
کنگ‌درجون۱۹٤۸از پوهنتون

به استثنای یك‌کورس فرانسو
دیگر نمره های خوب حاصل

کنگ در خزان سال‌مذکور
منطقه سر سبز و مقبول بو
مختلط آنجاشامل شد دربین ی
نفری صرف شش نفر سیاه

مارتین تبصره‌ها وقضاوت

ردید • مارتین در مکتب تاریخ
ت وکارنامه‌های پیامبران ،روحیات
واخلاقیات می آموخت .
تب به درس و تفکر محدود نبود
شوخی هاییبین هم می‌پرداختند
وخی ها یکی این بود که شاگردان
صنفی‌هادراتاق آنها داخل و تمام
ود در اتاق را سر چپه میکردند
مله آوران باتاق ها گاهگاهی کنگ
گرفت •
وهی باتاق یکی از متعلمین که
ضی اوقات«سیاه گك» صدا میکرد
بودند صاحب اتاق وقتی فرنیچر
در هم وبر هم یافت مستقیما نزد-
واورا متهم نمود که با تاقش داخل
تصادفا کنگ در گروپ حمله‌آوران
نبود و موضوع که به شاگرد
ر نموده بود شاگرد مذکور حرف
ر نکرد و کنگ را با تفنگ تهدید
وع به حکمیت شاگردان گذاشته
این امر حاضر نه شد و مساله
رید •
متعلم مذکور به حقیقت موضوع
پیش همه‌ازمارتین معذرت خواست•
ن مکتب شاگرد ممتاز بود • وی‌به
مره صنف خود به صنف رشیل
سلین مکتب انتخاب شد• کنگ
الب ایراد میکرد وروز بروز به
افزوده می‌شد •
پهلوی دروس مکتب یك تعداد
فلسفه رادر پوهنتون پنسلوانیا
کتاب های فلسفی را یکی بعد

دیگر مطالعه می نمود و همیشه در جستجوی افکار و عقاید یك بزرگان و فلاسفه بودو میخواست با استفاده از عقایدو افکار آنهابه جنگ علیه بیعدالتی ها در جامعه امریکا برود و زمینه را برای این مبارزه آماده سازد •

کنگ آثار(تارو) نویسنده‌قرن (۱۹) رامطالعه کرده بود (تارو) عقیده داشت که هیچکس‌نباید از قوانین غیر عادلانه طرفداری و حمایت کند یعنی وقتی یك شخص‌واقعااحساس کند که‌یك قانون غیر عادلانه در جامعه تدوین شده‌است از آن نباید اطاعت نمود وافراد در شکستن آن باید خطر اتی را قبول دار شود •

وقتی قوانین غیر عالانه دریك جامعه تدوین میگردد بهترین ماوا برای افراد صالح محبس می‌باشد •

از نگاه مارتین گفتار (تارو) در مورد قانون تجرید صدق میکرد چه این قانون نه تنها غیر عادلانه بود • بلکه بر ضد قانون اساسی آن کشور هم بود •

مفکوره مقاومت و عدم تشدد (مقاومت منفی) (تارو) مفکوره خوبتری به شمار می‌آمد •مارتین به مطالعه آثار فلسفی ادامه میداد ودر صدد بود اساسات برادری و دوستی را به حیث یك عامل عمده بر ضد بیعدالتی بکار بندد •

کنگ با جانسن رئیس پوهنتون (هوارد) که در جهت پایان دادن تبعیض نژادی از راه دوستی و برادری مبارزه میکردو از هندوستان بر گشته بود نیز ملاقات و دیدار کرده بود• وی در هند استفاده از محبت‌به‌همنوع را که‌به حیث یك وسیله موثر از آن کار گرفته شده بود به چشم سر مشاهده کرده بود • جانسن گاندی را به مردم خود شناساند •



پولیس ب‍رمینگهام داکتر لوترکینگ را به‌اتهام شرکت در مظاهرات دستگیرنموده‌است

کنگ تمام کتاب هایی را که درباره گاندی بود جمع آوری و مطالعه کرد وباین نتیجه‌رسید که دوستی وبرادری باعث پیروزی میگردد•

کلمه دوستی را که گاندی بکار می‌برد به منزله و معنی دوستی یك طفل ، یك معشوق پدرو مادر و غیره نبود بلکه به معنای احترام ورعایت حقوق همنوع بود •

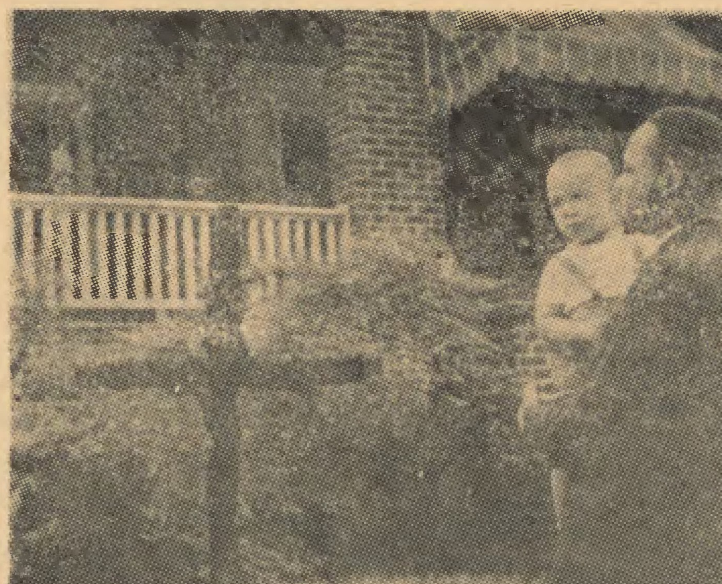
گاندی بر علیه حکمفرمائی انگلستان مبارزه نمود از دادن تکس به مقامات انگلیسی اباء ورزید • به ساختن دستگاه بافندگی دستی برای تولید پارچه های مورد نیاز مردم خود اقدام نمود و میخواست هموطنان خودرا از وابستگی به تولیدات نساجی بر تانیه بی‌نیاز سازد •

گاندی وطنداران خویش رابه‌طرف بحرهدایت کرد تانمك جمع کنند وانزجار شانرا بر ضد تکس برنمك باشغالگران نشان دهند •

وقتی اورا به محبس می‌بردند بدون اعتراض به سوی محبس روان شد • گاندی هم آثار (تارو) را خوانده بود •

گاندی از ابراز تنفر بر علیه انگلیسها که‌در حق هندی ها از منتهای بی عدالتی کارمیگرفتند احتراز کرد وآنهاراهم نوع خود خطاب می نمود وبر ضد آنها نه دست خودرابالاکردو نه صدای خودرا بلند نمود ودر مقابل زجرو آزار آنها رفتار دوستانه داشت و عاقبت پیروز شد•

رادر یکی از پوهنتون هابه‌اتمام برساند. کن
پوهنتون بوستون را انتخاب کرد •
کنگ درپوهنتون بوستون برای اخذدوکتو
ای فلسفه بدرس آغاز نمود •
وی بایکی از هم‌صنفی های دوران پوهن
مورهوس که در پوهنتون(تفتس) درس میخو
یك اپاراتمان را بکرایه گرفت ، آنها بات
هم یك کلوب‌فلسفی هفته وار را افتتاح کرد
فارغ التحصیلان سیاه پوست‌پوهنتون بوس
برای مباحثات فلسفی به کلوب می‌آمدند
کلوب مقالات مختلف فلسفی قرائت و حاضر
نظرات خودرا مبنی بر تائید ویا رد آن اب
میکردند • کلوب‌در محافل علمی شهرت زیا
کسب نمود وشاگردان سفید پوست هـم
جلسات آن اشتراك می‌نمودند •
کنگ بعداز چند ماه اقامت در بوست
باکورتیا اسکات شاگرد کنسرواتوار موزیـ
آشنا شد کورتیا میخواست سر اینده کانسر
شود کنگ مجذوب وی شد وکورتیا هم کن
را مرد خواستنی یافت آنها درسال ۱۹۵۳ با
ازدواج کردند •
مارتین کورس خود را در بوستون تمام‌ک
و تحقیقات را برای نوشتن (تیزس) داکتر
شروع نمود • موضوع‌تیزس اورا خاتمه دا
به اختلاف فلسفی دو نفر فیلسوف (که یک
آلمانی و دیگری امریکائی بود) که‌از (
سال باین طرف لاینحل مانده بود تشکیل



برای شما برگزیده ایم :

هر هفته یکداستان از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات یوگوسلاوی

فیل در دوسیه

از: برانسیلاونو

بر انسیلا و نو شیچ از نو - بسندگا ن به شهر ت رسید ه اواخر قرن نزد هم یو گوسلا و یا است که قصه هایش بیشتر ر نگی از طنز اجتما عی داردو با دید ی نقا دانه به تحلیل او ضا ع اجتما عی زما ن خود و سا د گی و بی شا یبه گی بر خی از انسا ن ها یی می پر دازد که در زیر ضوابط غیر انسا نی بیرو کرا تیك فشر د ه شد ه و به علت جو یی نیز پرداخته نمیتوا نند ، آد م ها و کر کتر های این نویسند ه که آثار ش به بیشتر ز با ن های زند ه دنیابه چا پ رسید ه است نمو نه وا قعی ازانسا ن های جا معه یی میباشندکه در آ ن همه چیز در بیهود گی غرق است .او اعما ق جا معه را میکاود و با دید ی ژرف و عمیق به خلق تیپ ها یی می پر دازد که همه خصو صیت های عینی جامعه در و جود آنا ن انعکاس یا فته است .

«فیل در دوسیه» یکی از آثار طنز آمیز او ست که به و سیله

دو بازار ،بود که‌در این اواخر یك باغ وحش‌نیز به‌آن‌افزوده شده بود.

باآنکه آقای «پا یا» شخصیت بر جسته شهر عقید ه‌داشت که با نبود ن این با غو حشں باز هم‌شهر به اندازه کافی حیوان دارد بار هم متصد ی سیر ك سیار حیوانات ناچار بود برای تر تیب نمایشں به شهر بیاید زیرا در غیر آن حتی یك پو ل هم برای ادا مه‌سفر خود نداشت .

باورود سیر ك به شهر «ساوا»ی بقال مقدار ی تخته و میخ نسیه به صا حب آن فرو خت « نیچکو » ی صابو ن پز هم مقدار ی گو شت‌برای حیوانا ت او قر ض داد و به این ترتیب سیر کچی مهربا ن موفق گردید در مد ت یکرو ز خیمه اش رابر پا دارد و سحر گا ه روز بعد هم دایر ه ز نگدا ر ش را به دست گیرد و به جار زدن این موضوع که سیر ك باشکو ه جهانی بر ا ی نمایش آماده است مردم را به خرید تکت دعو ت کند .

سیرك مجمو عا دارا ی شش

صا حب سیرك مدا خلش رامحاسبه کرد ومتو جه شد با اینکه هر تما شا گر یك گروش با بت حق ورود پرداخته است ، در آمد ش از دو صد و ده گرو ش تجا و زنمی کند .

در این حا ل در مدت هشت روز میزا ن قر ض اربا ب محتر م با غ وحش با بت قیمت گو شت به پنجصد و هجد ه گرو ش رسید ه است .

نیچکو ی صابو ن پز چند روز پی هم گو شت نسیه به او میفرو خت ولی بعد ا ز یك هفته و قتی متوجه گردید که صا حب سیر ك خیا ل داد ن‌طلب او را ندارد به وی‌مراجعه کرد و گفت :

ـرسید بنویس !

ـبا کمال میل .

وصا حب سیر ك با گفتن این سخن رسید ی به مبلغ پنجصد و هجده گرو ش نو شت و به دست نیچکو ی صابو ن پز داد .

عصر روز نهم و قتی صا حب سیر ك متو جه گردید که قرو ضش

شد ن دکا ن ها در سرا
شایع شد که شب گذ
محتر م « سیر ك باشکو
فرار کرد ه و زن و س
وشادی را نیز با خود
چیز ها یعنی قرو ض
فیل ، پرند ه و رو با
اهالی شهر به جا ی گ
است .

گر چه تمام مرد م
مبهو ت گردیدند اما س
ونیچکو ی صابو ن پز و
قلب متاثر وغمگین بود
آقا ی پایا که مو ظ
لست اشیا ی با قی مان
وگزار ش کند فو را به
رفت و فهر ستی را به ا
نبشت آورد :

۱ـفیل بزر گ یك

۲ـدمپا یی پاره یك

۳ـرو با ه بدو ن گ
قفس یك راس .

٤ـجورا ب مردا نه
یك لنگه .

فیل در دوسیه

مو لی یك پار چه.
ر خ معمو لی یـك

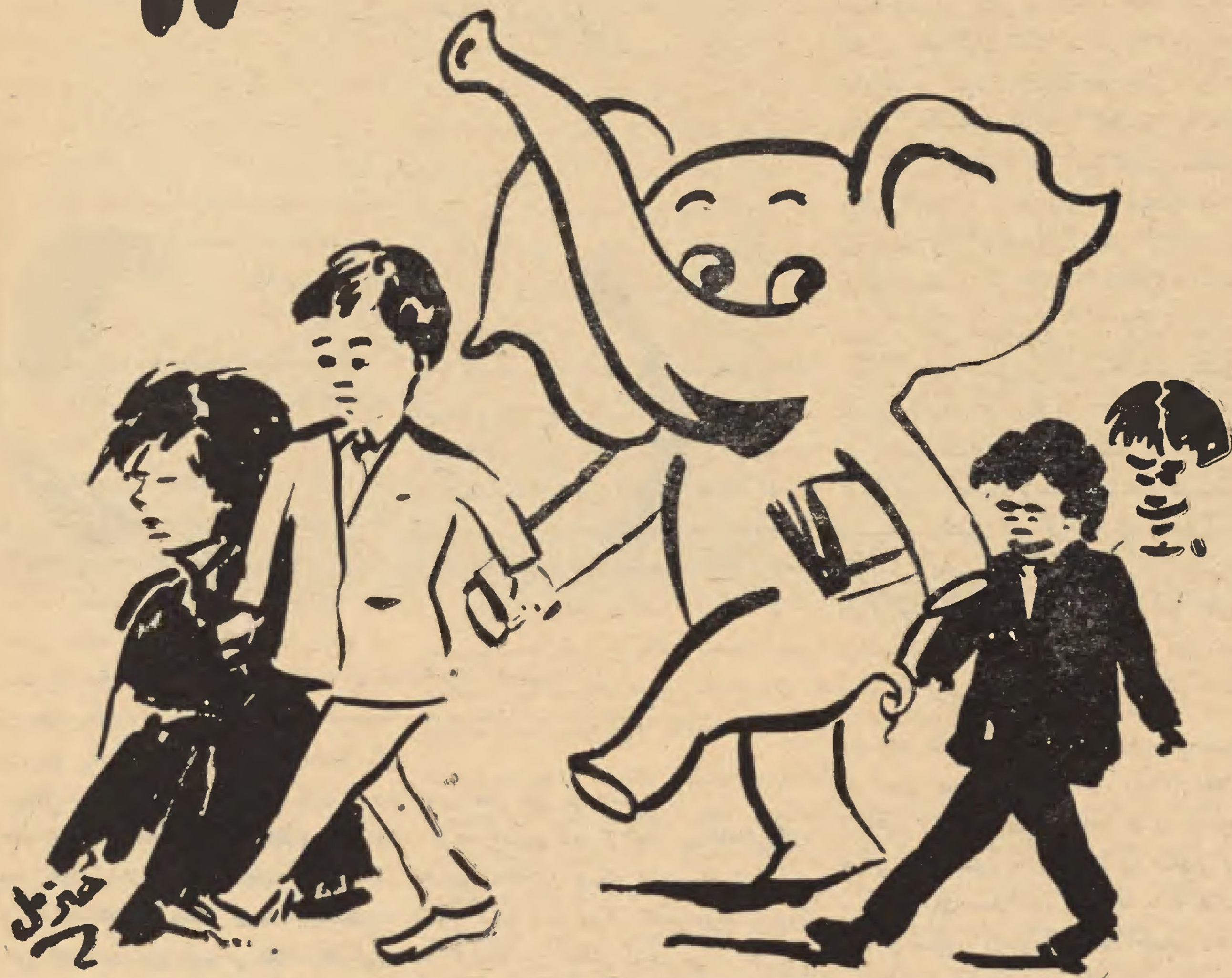
رگ که معلو م می
را ب بود ه یـــك

از یك اصله .
سو را خ دا ر یك

ستعمل یك عد د.
شته « سیر ك با
ك عدد .

م فهر ست ، با غ
موم کردند ، امـــا
م با مشا هده‌اینکه
رت در نظـــــــر
را سیر کندچنا ن
د که اشك‌در چشم
حلقه زد ، فیـــل
که در مرا سم یاد
مر ش بگرید، مـی
ی از شد ت‌گرسنگی
بود که مانـــــــد
میکرد و لی طبیعی
پایا حق نداشـــت
ا بروز دهد زیرادر
و ظا یف ادا ر ی

ا ی پایا تنظیـــم
ه آن تصمیم‌گرفته
قرار گر فت .
لی شهر درمراسم
جا لب تر یـــن
ت عمر آنا ن بو د
همه می خند یدند
میزدند و در ایـن
مملو ار شرا فت
تکبر تمام به امور
یکرد .
به هفت گرو ش
سی «پارا» قطعـه
ه نزده گـروش و
ر نگ به ســـه
ش رسید ، لنگـه
را به دور انداختند
داخت چهل و دو



باطنی غیر عادی اجازه داد که‌بـه
لیلام گذ اشته شود ، اما و قتـــی
اعلام گردید که قیمت آن دو صـــد
گروش تعیین شده است غرو ر ش
جریحه دار شد و بایك حر کت تند
خرطو م ، ضر بتی به سر آقا ی
پایا وارد آورد که تا مدتی‌او راگیج

وقتی تماشا گرا ن قیمت آنرا بـه
شو خی و مسخر گی تا دو صد و
شش گرو ش بالا بردند نیچکویك
گروشس به آ ن علاو ه کرد ، کسی
از میان جمعیت دو گرو ش بعد یکنفر
یك گرو ش وسو می نیم گرو ش‌به
آن‌علاو ه کرد تا قیمت فیل به د و

«سه » اشك در چشمان نیچکو
نشست مرد م می خندیدند و فر یاد
میکشیدند و نیچکو را مسخر ه می
کردند که پو لیس ریسما ن فیل را
به دست او داد . و فیل نیز بـــا
اطمینان اینکه نیچکو ی صابو ن پز
باید آدم خو بی باشد دنبا ل او به

جنبش
دموکراتیک بین المللی زنان
درمرحلهٔ کنونی



از سلسله انتشارات ساز مان د مو کراتیک زنان افغانستان .

جنبش دمو کراتیک بین المللی زنان د ر مرحله کنونی رساله ای است دارای (۱۱٤) صفحه که اخیرا از طرف ساز مان دمو کراتیک زنان افغـانستان بـه نشـر رسیده اسـت .

این کتاب در نوع خود می تواند نخستین اثری باشد که به زبان‌دری درکشورماچاپ‌شده است. درین مجمو عه‌ی کوچك مطالبی جالب وقابل استفاده جای گرفته است که بـرای خواننده علاقمند می تواند جالب و آ موزند ه باشد در پیشگفتار این رساله دکتور اناهیتا راتبزاد ر ئیس ساز مان دمو کراتیك ز نـان افغانستان می نو یسد :

محتویات این کتاب را مسایل مبرم و در دستور روز کنونی پروسه‌ی انقلابی جها نی آزادی بخش ملی می باشد . »

« فد راسیون دمو کراتیك بین المللی‌زنان نخستین مقاله‌این رساله است که ا ثـری تحقیقی است و به معرفی گسترده‌ی‌فد راسیون دمو کراتیك بین المللی ز نان می پر دا زد . درین نو شتار نشان داده می شود که زنـان مبارز چگونه برخلاف همه تلاش ها و کو شش های لجاجت آمیز جنگ افروزان، پـاسداران نظام های ار تجاعی و بیداد گر به مبا رزات رهایی بخش و سازنده‌ی خود ادامه می د هند، از حقیقت آ زادی و عدالت اجتماعی با قاطعیت وشور انقلابی د فاع می نمایند . زنان درروند تاریخ در بسیاری از سر زمین ها و قلمرو هـا تحقیر شده اند ، شکنجه دیده واز ابتدایی ـ

زنان افغانستان با چهره هایی از زنان مبارز، آگاه ودرد مند آ شنا می شویم که‌درفش مبارزه راتامرز پیروزی بر زمین نگـذاشته اند. بـه پیشواز مرگ و شهادت رفته اند اما ازشرافت و حیثیت انسانی دفاع کرده اند خواستار حقوق خود شده اند که در سراسر تاریخ به وسیله‌ی مشتی از زور گویان پا مال شده است . درین بخش کتاب نشان داده می شود که چگو نه زنان سراسر جهان در آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین صف های خودرا فشر ده‌تر کرده اند در راه به دست آوردن حقوق خو یشتن بسیـج شده‌اند. خواننده باقهرمانی های زنان مبـارز جهان مبارزات پیگیر و د وامدار شان، شهامت های بی نظیر شان آ شنا می شود . درین‌بخش نمایانده می شود ز نان چه قهر مانی هایی در ویتنام ، فلسطین وافریقا و الجزایر نشان‌داده اند . باریختن خون های گرم خویش همچنان درفش آزادی را بر افراشته نگا هداشته اند . در رابطه باین مقاله عکس هایی از او ژ نی کوتون شخصیت بر جسته ا جتماعی فرانسه‌و اولین ر ئیس فداراسیون د مو کراتیك بین ـ المللی زنان ، تصویری از نـخستین کنگـره تاریخی زنـان که بتـاریخ ۲٦ نوامبر ۱۹٤٥ در پاریس کشایش یافت . عکس از هیر تـه کوس نین شخصیت برجسته فنلند و دومیـن رئیس فد راسیون دمو کراتیك بین المللی‌زنان وفریده براوون سو مین ر ئیس فد راسیون دموکراتیك بین المللی زنـان کـه تـا اکنون ریاست فد راسیون را به عهده دارد نشر شده است که برای خواننده‌ی علا قمند جالب است

وبا قیافه های سر شناس جهانی آ شنا میشود که همه‌ی نیروی خودرا در راه رزمندگی‌ودفاع از حقوق ز نان صرف کرده اند. فد راسیـون جهانی زنان اکنون به سازمـان پر قـدرتی در سراسر جهان مبدل شده است که با قا طعیتی تمام از صلح ، آزادی و عدالت اجتماعی دفاع می نمایند . همچنان این بخش کتاب باتصویر ها و عکس هایی از بر گزاری سو مین کنگره زنان منعقده کو پنهاگن ، کنگره مسکو که درآن بیش از دو هزار نماینده از یکصدو سیزده کشور اشتراك ورزیده بودند ، گرد هم آیـی برلین که تحت شعار صلح ، مساوات‌وانکشاف برگزار گردیده بو د آراسته گشته است .

دو مین مقاله این رساله « ار گانهای رهبری کننده‌ی فد راسیون د مو کراتیك بین المللی

شده اند . »

مادر عزیزم !

نوشتن آ خرین کلمات

دشوار است . ناخود آگا

انسان زنده می گردد و

فرسایی را ببار می آورد

من ناگزیر م تا بخود

باش به زانو درنیا . »

من نیز تلاش خواهم کرد

«انا» که ۲۹ سال دا

۱۲ می ۱۹٤٤ به دست

باران شد .

عزیزم میمه !

مادرت برای همیشه

در آخرین د قایق ز ند

با توست. دختر نازنین

داشتنی‌ام تلاش کن د خ

هایت توجه کنی واز ما

بردار باشی آ نان را م

باش! من به آرامی میرو

ونزدیکان مابگو که مرا

مصیبتی که برایشان ببا

تونباید گریه کنی . م

ننگ نبوده‌ام . و قتی

چیز را خواهی فهمید

اینست که خوب درس

باتو خوا هد بود .

مادر بدبخت

او به سن ۲۸ سالگی

۱۹٤٤ در ایتالیا بدار آ

مادر جان ، مادر !

عنقریب لحظه‌ای فرام

برای همیشه و داع می

هارا حالا دیگر به عقب

از گانسن کوچکم دیگر

از خاطرش تشویشی ند

به دست های مطمئن تو

به من وعده بده که به خ

مطمئن ام که تومی توا

همانطور که توانسته‌ای

های زندگی راباشکیبایی

درست نیست مادر جان

مادر ، مادر یگانه

همواره در حلقه خواهد

دلاورباش که همین لحظه

و ششمین سالگرد
ی متحد

۱ موسسه‌ی ملل متحد
، تغییراتی که طی این
جتماع رخ داده در تاریخ
سی جهان باوجود آمدن
جدید کاملا تغییر کرد،
قلت و افزایش بهای
، تغییر یافته که حیات
به خطر مواجه ساخته
وم و ابعاد گسترده تر

ملل متحد نه‌تنها زنده
ش بسیاری از تحولات

مقام آن منحیث عنصرفعال در حیات بین‌المللی است . طی سال های اخیر ملل متحد در بسا موارد بباد انتقاد گرفته شده ، در بعضی‌ازاین انتقادات سؤنیت مضمر نبوده ، ولی برخی از عدم آشنایی با آن ویا دلایل سیاسی سرچشمه گرفته اند . انتقاد واقع بینانه و سازنده برای موثریت هر یك از موسسات یك امر لازمی است ، مگر انتقاد مبتنی بر اطلاعات نادرست نه بحال موسسه ملل متحد مفید است و نه به جامعهٔ جهانی .

ملل متحد در تغییر او ضاع جهانی چه کرده میتواند ؟

دنیای امروز دستخوش اختلاف شك وتردید است ، شعله های اختلافات منطقوی در شرق میانه ، قبرس و بسیاری از نقاط افریقا و هند و چین باز هم زبانه می‌کشد مصارف تسلیحاتی بازهم بلندمی‌رودومسابقه تسلیحاتی بازهم لجام زده نشده است . در همزدگی نظام اقتصاد بین المللی ادامه داردو شگاف بین غنی ونادار به وسعت همیشگی خودباقی است ، تبعیض نژادی ملیون ها انسان را در افریقای جنوبی از حقوق ذاتی خود محروم میسازد و حقوق اساسی تعداد بیشمار مردم در اکناف جهان به ذرایع مختلف پامال می‌گردد ملیون ها نفر دیگر در پنجهٔ آفات سماوی و تعذیب سیاسی در جستجوی منزل ملجأ اند در عین حال با پروبلم‌های‌جدید وجدی دیگری چون حفاظت محیط زیست انسانی ، تامین‌نیرو و ضروریات جهانی که نفوس آن تاپایان قرن قریب دو برابر خواهد شد مواجه می‌باشیم و گذشته از همه هیولای هستوی همچنان بر سرماسایه می افگند .

بسیاری از مردم ، ملل متحد را مسوول وضع کنونی جهان می دانند ولی چنانچه قبلا تذکار یافت ، ملل متحد حکومت جهانی نیست و صرف در صورتی می‌تواند دست بکاری بزند که کشور های عضو در مورد تصمیم بگیرند این کشور های عضو اند که به ملل‌متحداراده سیاسی برای عمل ، پول ، کار مند و مواد و جهت می‌دهند در صورت فقدان هر یك ازاین عناصر ملل متحد نمی‌تواند بامشکلات موفقانه پنجه نرم کنند ، البته ازکشور ها توقع برده شده نمی‌تواند که با هماهنگی کامل و مداوم کار کنند .

ملل متحد درگذشته چه کارهایی را انجام داده است ؟

که سابق تحت استعمار بود تحقق یافته است میانجی گری ها وقوت های حفظ صلح د ر کنترول نمودن یا پایان بخشیدن به برخورد واختلافات دربین کشور های عضودر بسا نقاط جهان نقش داشته اند .

ملل متحد درسال ۱۹۴۸ اولین اعلامیهٔ‌جهانی حقوق بشر را در تاریخ تدوین نموده و متعاقب آن دو میثاق دیگر را تصویب نمود، که‌حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی مندرج در اعلامیهٔ جهانی را شرح داده و به تامین آن کشور های عضو را قانوناً متعهد میسازد. این‌میثاق ها در سال ۱۹۷۶ نافذ گردیده وشامل ترتیباتی غرض رسیده‌گی به شکایات و عدول از موازین حقوق بشری می باشند .

در چوکات ملل متحد و سازمان های مربوط آن کنوانسیون های زیاد دیگری که تحت آن کشور ها تامین حقوق خاص را تعهد می‌نمایند به امضا رسیده است . مثلا کنوانسیون های قتل نوع ، حقوق سیاسی زنان ، برده گیری‌و برده فروشی . کار اجباری، حیثیت‌مهاجرین، از بین بردن تبعیض نژادی و غیره .

در ساحهٔ اقتصاد و مسایل بشری واجتماعی موفقیت های مهم ملل متحد قابل ملاحظه اند.

ـتحت یك عملیاتی که از طرف موسسه صحت جهانی انسجام یافت چیچك محوگردید.

ـبه کوشش موسسهٔ مواد غذائی وزراعت یك سیستم اخطار قبلی در برابر کمبود های احتمالی حبوبات وموادغذائی دیگر براه‌انداخته شد . از طریق صندوق اطفال ملل متحد و موسسهٔ صحت جهانی به چهار صد ملیون‌طفل در برابر امراض مهلك ومعیوب کننده معافیت داده شد . عملیات خطوط هوایی جهان درنتیجه قوانین و مقرراتیکه روی آن در چوکات موسسهٔ فضانوردی ملکی موافقیت بعمل آمده محفوظ تر گردیده است . در تطبیق تقریبا هشت هزار پروژه انکشافی از طریق پروگرام‌انکشافی ملل متحد معاونت بعمل می آید، معاونت به پناهندگان از طریق کمشنر عالی ملل متحد انجام داده می شود ، معیار هایی که ازطریق موسسهٔ بین المللی کار تثبیت گردیده شرایط حیات را برای ملیون ها کارگر در اطراف‌و اکناف جهان بهتر و محفوظ تر ساخته است ، آبدات گران بها چون معبدابواسمبل در مصر واکروپولس در یونان به‌کمك موسسه تعلیمی علمی و فرهنگی ملل متحد از تخریب و نقص حفظ میگردد .

کوششهای ملل متحد درامر

انداخته است .

این عملیات معمولا به تعقیب برخورد های مسلحانه بین متخاصمین ودر خواست ملل‌متحد برای آتش بس براه افتاده اند وهدف عملیات حفظ صلح بطور عمومی شامل رعایت ونظارت از رعایت مقررات اوربند ، جلو گیری از تجدید برخورد ، ودر اکثرموارد تسهیل دست یابی به حل صلجویانه اختلاف میباشد . در اکثر عملیات حفظ صلح این مامول های مهم تحقق‌یافته اند .

تشکیل قوای اضطراری ملل متحد درسال ۱۹۷۳ برای ثبوت مفید یت عملیات حفظ صلح ملل متحد مثال خوبیست درماه اکتوبر آنسال باز هم بین مصر واسرائیل تصادم واقع‌گردید. وبا شدت جنگ بحرانی پدید آمد که خطر شمول قوای بزرگ رادرین برخورد بمیان آورد . تشکیل قوای اضطراری ملل متحد توسط شورای امنیت بتاریخ ۲۵ اکتوبر ۱۹۷۳ ورسیدن اولین واحد های این قوا در ظرف سی ساعت در صحنه عملیات به رفع ایـن خطر بزرگ تقلیل تشنج ، واعادهٔ آتش بس کمك نمود .

شورای امنیت در عملیات حفظ صلح ملل‌متحد صلاحیت اعمال قوه را تفویض نکرده است و چنین عملیات بایستی به اصل توافق مبتنی‌باشد. چین‌عملیات‌صرف به‌موافقه شورای امنیت (وازینرو به‌موافقه‌قوای‌بزرگ‌که درشورای امنیت از حق ویتو برخوردارند) براه انداخته شده میتواند . بااین دلیل ملل‌متحد نتوانست در بعضی از برخورد ها چون جنگ ویتنام دخالت نماید ، همچنان بدلیل اینکه ملل متحد مجبور است از اعمال قوه اجتناب نماید واز تشویق وترغیب‌کاربگیرد،عساکر ملل‌متحد جز در موقع دفاع از خود به جنگ مبادرت ورزیده نمی توانند .

عملیات حفظ صلح ملل متحد هنگامی‌موثر واقع متعهد همکاری نیز میشوند . اگر این معمولا این همکاری وجود داشته است زیرا جوانب ذیدخل با قبول دخالت ملل متحد در واقع متعهد همکاری نیز میشوند . اگر این همکاری باز هم صورت نگیرد از برخورد جلوگیری شده نمیتواند حوادث لبنان شاهد این مدعا است .

اکثرا عملیات ملل متحد پس از اجرای ماموریت آن خاتمه می‌یابد فعلا علاوه‌ازدو هیات مشاورین سه ماموریت حفظ صلح درقبرس، ارتفاعات جولان، و جنوب لبنان در جریان

نوشته‌ی : غلام رحمن (امیری)

سوابق تاریخی سیستان

سیستان باستان حصه یی از جنوب غربی افغا نستان و قسمتی از حاشیه شرقی ایران امروز را احتوا می‌نمود راجع بحدود سابقة آن بین مور خین و جغرافیه دانان اختلاف نظر موجود است ولی این‌واضح است که سیستان در سابق یك ساحه‌وسیعتر را نسبت به امروز احتوا میکرد •

ا یالتی را که ساکه ها در او اخر قرن دوم قبل از میلاد اشغال کردند و به تعقیب به‌نام ایشان (ساکستانا) نامیده شد . تقریبا هلمند وسطی را نبز در بر میگرفت البته به یقین نمیتوان گفت که در دوره های مختلف کدام نواحی مربوط به‌سیستان بوداما این‌واضحست که در سابق قسمت های قندهار نیز بعضی

حواشی اراضی مرتفعی است‌که ازدامنه هـای نواحی کوهستانی غور شروع شدمو بطور نشیب بطرف جنوب امتداد یافته است طول اعظمی سیستان تقریبا (۱۰۰) میل وعرض آن از (۷۰) تا (۱۰۰) میل بوده و مساحت آن در حدود (۷۰۰٦) میل مربع میباشد •

قبل از آمدن اسکائیان در سیستان امـور جیزیان (شاخهٔ از ساکـــه های قدیمـی) در سیستان متوطن بودند • صورت آمدن ووقت ورود آنها دراین حوزه بدرستی معلوم نیست پیش از ورود اسکائیان ایـن منطقه در انجیان یاد میشد جاج پترتیت در ینباره مینویسد:

زری نام بسیار قدیم سیستان خواهد بود که مورخین یونانی و مولفین لاتینی از آن در انجیانا ساخته اند •این نام توسط مورخین که سفرنامه های اسکندر را نوشته اند به غرب راه یافته است اعراب هم در وقت فتح سیستان بنام زری برخورد ندو آنرا زرنج خواندند • اکنون هم کلمهٔ زیره بیك ناحیه فرو رفته در جنوب سیستان که آنرا گودزیره یا فرو رفتگی زیره می‌نامند اطلاق میگردد این نام وقتی محققتر شد که کتیبه مشهور داریوش زرنکه بحیث‌نام قدیمی سیستان کشف

واز ماورای سیحون به سغد یانه سرازیر گردیدند اولین مـوج ایـــن مهاجرتها تـوسط اسکائی ها به ماورا لنهر فرو ریخته و متعاقبا

باعبور از جیحون ایالات باختر را فرا گرفت وقتی این موج راه غرب رادر پیش گرفـــت باسدی از قدرت اسکائی پارتیا تصـادم نمـود بناچار بطرف‌جنوب سراز یر گردید وسیستان

و قندهار را مالامال نمود • از همین اوان بود که در انگیانای قدیم بنام اسکائی هـــا (سا کستانه) خوانده شد• مو رخین عرب ازین اسم (سجستان ساختند) که‌نام موجوده سیستان از آن مشتق گردیده است •اسکائی ها نیز بتدریج از سیستان و قندهار تا حوزه سند پیشرفتند • انتشار اسکائی های‌داخلی و حملات دولت اشکائی پارتیا سبب شد که مرکز یك دولت یونانو باختری در ۱۳۵ـق.م از شمال به جنوب هندو کش انتقال یابد ودر اواخر قرن اول‌قبل‌ازمیلاد بکلی منقرض گردید•

پار تیها و اسکائی هااز اواخر قرن دوم‌قبل از میلاد ۱۳۰ ـق ـم تااواخر قرن اول میلادی (۷۵ م) در ایالات سیستان ـ قندهار وحوزه سفلای سند حکومات مستقل داشتند که‌باوصف موجودیت مسکو کات شان تاریخ آنها تاریك است •

در دوره ساسا نیان ـ آرد شیر موسس‌این خاندان ساکستانرا نیز ضمیمه قلمرو خود گردانید ـولی این ارتباط دوام نکرد وساکه هادر عهد ساسانیان بیشتر متحد و متفق آنها بودند تا اینکه رعیت شان باشند • بهرام دوم سیستان را بار دیگر فتح کرد و بهرام پسر خود را بحیث حکمران این ناحیه مقرر نمود واسم آنرا سگانشاه گذاشت • در عهد شاپور دوم ساکه ها باز از زیر نفوذ ساسا- نیان خارج گردیده و حیثیت متحد ایشانرا اختیار کردند •

رویداد های مهم تاریخی در سیستان از حمله اعراب آغاز میگردد ـ اعراب در عهد حضرت‌عثمان (٦٤٤ـ ٦٥٦م) تحت قیادت عبدالله بن عمر داخل آریانا گردیدند و زرنج

منطقه بحیث مرکز سو ق
فتوحات نقاط دیگر است
دوره تسلط اعراب نهض
در سیستان اوج گرفت
اول اعراب رااز لحاظ اد
ساخت• وبه تعقیب س
یعقوب لیث صفاری که
این حوزه بود از تصرف
وبحیث یك قلمرو وسـ
مناطق زابلستان ـ کابل
بلخ ـنیشاپور- کرمان
بان ملحق گردید • د
پایتخت امپراتوری وبس
فرهنگ آنزمان بشمار م

در دوره غزنویان‌نیز
را ازدست نداد • سبکت
جغرافیای آنرا درك نم
داشت •محمودغزنوی سـ
گاه خود تعیین کرد تا
وقت کم قوای خود را
فتوحات هند سوق ده
نگهداری فیل ها و اس
مهمترین قوه نقلیه بش
بسیار مناسبی بود•
پسرش مسعود تاسیس
بخشید و قصر باشکوه
که به کشك سلطانی م
قلب کشور و پایتخت
محسوب میگرد ید پ
غزنوی روبه‌ضعف‌گذاش
هم آهسته آهسته دگ

اولین حمله مغول
میلادی حینیکه تولی ـ
خراسان از قبیل ـ نیش
گرفت در حین این‌جنگ
سیستان متوجه و مر

با مرا وکتای بقیادت دو نفر
(منکده چربی وسعدی چربی) در
ت گرفت درین حمله مغلها نهر-
با برج وباره آن منهدم وبیشتر
را کشتندوخود بر گشتند • درین
کن الدین محمودبن حرب جانشین
الدین بودکه‌ضمن این حمله باتمام
بین رفت •

۱۲۱ -م بار دیگر قشون مغل به
از یر شدند ـ نیا لتگین در ارگ
سور گردید و یکسال و هفتماه
جنگید . نیالتگین درین جنـگ
وبعدا کشته شدقلعه مذکور را
نح کرده تمام مدافعین را کشتند
سیستانراتاجائیکه توانستندویران
رجعت نمودند •

ر ۱۲۳۲ ـ ۱۲۵۳ -م او کتای‌خان
بادر افسر سپاه مغل مقیم‌بادغیس
ن‌بردن‌فراجه حاجب یکی ازافسران
الدین که جنگهای گوریلائی را
ه انداخته بود مامور ساخت‌قراجه
بهادر جنگید ولی اختلاف داخلی
باعث مراجعت طاهر بهادر از
یده و مردم سیستان عجالتاآرامش

ریبات مکرر مغل در سیستان ـ
آباد مرکز جدید امرای محلی
گرفت‌تاآنکه امیر تیمور گورگانی
سای مغولی در۱۳۸۳م سیستانـرا
او نه تنها جلال آباد وبندرستم
منزلی شهر زرنج از رود هلمند
بود ـ ویران کرد بلکه سیستم
بز در آنمنطقه طوری از بین برد
از توان نماند که آنرا کاملااحیاء

نین میرساند که در قرن ۱۷ و۱۸
کمتر توجه شده ساکنین سیستان
از هجوم وانتقال ریگ که‌توسط
۱ روزه از سمت شمال غرب به



نقشه سیستان و نواحی همجوارش

های بوده است که مراکزآنهاگاه در افغا نستان وگاهی در ایران امروزی واقع میبود • گاهی نیز سیستان مستقل‌وخارج‌ازحوزه نفوذ دیگران مانده است بعضا نواحی همجوار تحت تاثیر وکنترول سیستان نیز در آمده است • در دوره صفاریان ولایت همجوار سیستان از قبیل زمینداور ـزابلستان ـرخج وحوزه های مجاور از طرف شاهان صفاری که از مردمان بومی سیستان بودند کنترول واداره میگردید•

بعداز قتل نادر افشار سیستان در ۱۷۳٦ م مربوط قلمرو امپراطوری احمدشاه آبدالی‌گردید احمد شاه ملك سلیمان کیانی را بحیث‌حکمران سیستان مقرر کرده‌بادختر ملك مذکور ازدواج نمود• در مورد بدست آوردن قدرت بین ملك سلیمان وبزرگان سر باندی و شهره کـــی (که نادر آنها راز فارس به سیستان منتقل ساخته بود) نفاق وجود داشت همین مخالفت ها باعث گردید تابا لاخره تیمور شاه درانی قدرت راز سلسله کیانی سلب کرده وبه خوانین شهر کی بدهد بعداز مرگ تیمور شاه

قدرت در سیستان بدست خوانین محلی افتاده واز جانب دیگر حوزه مذکور موضوع مناقشه بین امرای هرات و قندهار گردید • در ضمن این مناقشات علیخان‌یکی‌از سرداران سرباندی درسیستان با حکومت فارس متحد گردیده ؛پرچم دولت فارس را بر فراز قلعهٔ خویش درسه کوهه بر افراشت• علیخان تسلط دولت فارس رادر آنجا قبول نمود ودر ۱۸۵۳ پسر خود را نیز بحیث گرو گان به مشهد فرستاد

ولی حکمرانی علیخان در آن منطقه طرف نفرت سیستانیها قرار گرفته و علیخان طی یك‌حمله در ۱۸۵۸ـ در قلعه خ ود کشته شد • خانمش نیز درین حادثه زخمی گردید تاج محمد خان پسر سر دارمحمد رضاخان برادرزادهٔ علیخان که در واقعه قتل هم‌دست داشت بجای علیخان قدرت را تصاحب نمود • بیوه زخمی ذریعهٔ‌نفر خاص دولت فارس به تهران برده شد•

اما در جهت بر طرفی‌تاج‌محمد خان باوصفی که درواقعه قتل مظنون واقع شده بود اقدامی بعدل نیامد تاج محمد خان برای مدتی بدون ارتباط با دولت فارس‌بصورت مستقل حکمرانی نمود مگر در ۱۸٦۲م از پیشرفت امیر دوست

کمك موثر داده نتوانست ولذا تاج محمد
دو باره بدولت قا جاری متوصل گردید

در ۱۸٦۵ م دولت قا جاری بنام سر ز
ازادخان که در سیستان خاص علیه کیا
ها بـه اقدامات دسـت زده وانارشی ایجـ
کرده بود عسکر فرستاد در ۱۸٦٦ م حکمـ
کرمان بامر خصوصی دولت قاجاری بانجا
ومظفر الدوله نیز بقیادت دولت عسکری ز
در جوار هامون فرستاده شد باین صـ
به تدریج قسمت اصلی سیستان توسط عسـ
وقوه حربی قاجاری اشغال گردید به تعـ
یکتعداد پسران و اقارب خوانین سیستان خـ
به تهران فرستاده شد و در موقع ملاقـ
حکمران مشهد از سیستان ـ تاج محمد
وبرادرش کهندل خان نیز گرفتار وبه مر
اعزام گردیدند •

در طول این مدت در افغا نستان خانه جـ
هاو اغتشاشات داخلی جریان داشت •
(شورش مهمند در ۱۸٦۳-م) و هم برا
محمد زائی برسربدست آوردن اقتدار بـ
هم افتاد ه بودند (سردار محمد اعظم خا
سردار محمدافضل خان-سردار محمد امیر
امیر عبدالرحمن خان و امیر شیر علی خا



تنظیم و ترجمه از : میر حسا م‌الدین برو مند

...ساعی مردم نا میبیا بخاطر دست یابی حاکمیت و آزادی حتمی است

... بدین تازه گی ها کنفرا نس‌بین‌
...مللی به مقصد همبستگی با مردم
...ارز جنو ب افریقا در نیویا ر ك
...ر گردیده بود که در آن نما ینده
...ن محافل اجتما عی ، اتحاد یــه
...ی صنفی ،سازما ن ها ی مذ هبی
... لات متحدۀ امریکا ، موسسۀملل
...حد ، هیئت کنگر س ملی‌افریقایی
...ریقای جنوبی ، ساز مان مــردمی
...وب غرب افریقا یعنی «سوا پــو»
...علاوه فر ستندگان بسیار ی دول
...هان اشترا ك کرده بودند .
... اشترا ك کنندگان در مورداهمیت
...فرانس گفتند :

((گرد همایی ما زما نی صور ت
...گیرد که دستگاه ادار ی ایا لا ت
...حدۀ امریکا بیشتر از همه ازسیا‌
...ت ارتجاعی در راه مبارزۀ مردمان
...ریقا ی جنو بی به خا طر نهضت
...ی ملی شا ن استفاده مینما ید ،
...یستی این گرد هما یی‌ما بتوا ند
...سان های صاد ق ومبارز افر یقا
...علیــه این مشی یکپار چه سازدو
...رالا مر منتج به پیروز ی نها یی

رخنه وارد آورد . آشکاراست‌امریکا بادنباله رو ی از سیا ست‌ستمگرانه ونژاد پرستانۀ خویش در صــدد دامن زدن بیش از پیش اپر تا ید ، تجاوز گر ی ونژاد پرستی است . ((تجاوز امریکا در انگو لاخودگواهی است از سازش نیرو ها ی امپریا‌لیستی علیه آزاد ی افریقا .))

راه مبارزۀ بر حق مردما ن نا میبیا خود را سهیم میدانند و متیقن اند که مبارزۀ مردم نامیبیا به خا طــر تامین آزاد ی ، پیروز ی حتمی و زود رس در قبا ل دارد وشکســت قطعی خواهد بود به سیا ست‌نژاد پرستانه متجا و زین امپر یالیستــی وحامیا ن اوشا ن .

اشترا ك کنندگا ن کنفرا نــس از نمایندۀ مبار زین افر یقا ی‌جنوبی باگر می استقبا ل به عمل آور دند موصو ف طی سخنرا نی خو یشــ گفت : مابه خا طر حقو ق سیا سی واقتصاد ی خویش مبارزه مینما ییم تابا شد که مرد م ما از فقر وتنگ دستی نجا ت پیدا کنند . همچنان رئیس کنگر س ملی افریقا گفت :

((اگر سیاست محیلانه نیروهای امپریا لیستی و حما یت انحصارات بین المللی ازنژاد پرستان افریقایی نمیبود افریقایی جنو بی بسان تمام قاره ها میتوا نست آزاد با شد .

مـــردم نا میبیا به طو ر قاطعا نه مستحق حاکمیت و آزا د ی ا نــدو سر کوبی و ترور نمی تــواند درراه مبارزه بر حق آنا ن سد واقع‌گردد. نمایندۀ سیوا پو اتحاد ننگین نژاد پرستان ا فر یقــا ی جــنو بــی‌و وواشنگتن را یك سیا ست ننگین وبیشر ما نه خواند . کار چهــار



گوشه‌یی از مبارزات مردم‌نامیبیا بخاطر دستیابی‌به‌آزادی وحاکمیت‌ملی

این مطلب را ((ای .دی.فی‌گربر)) ...

کمیسیو ن کنفرانس در مورد امور ...

تشدید بیک...
در آلمان ف...

عر صۀ زند گی بر ...
در کشور های غر بی ...
در آلما ن فدرا ل روز ...
شده میرود . کار فــ...
صا حبا ن فابر یکه ها ...
مختلف بیچاره کار گر...
از ما یوسی ونو مید ی...
میسازند و همچو اتفا ...
در قسمت آنا نی است ...
حقو ق مسلم خود اند ...
استثمار شوند .

به اساس یك گزار...
و یزی لیبرت)) جوان ...
سالۀ آلما نی باوصف ...
زیاد چشمگیر نبوده و ...
کفاف زند گی شبا روز...
را مینمود . در اوآخر ...
از کـــا ر جـــوا ب د...
«البته لیبرت» بــه عنــ...
وی به حزب متر قی آل...
بستگی دارد ، ازکار ر...
هفتۀ بعد آن زنش ((ا...

لیبرت)) نیز به جهت ...
یکی از احزاب‌مترقی ، ...
درفابریکه از وی سلـ...
وبه وی تاکید گردید ...

حق کار کرد ن را در ...
ندارد . حتی کار ها ی ...
ریزه از نزد آنانیکه اند...
داشته وطر فدار تامین ...
و د مـو کرا سی ا نـ...
می شود تاباشد که ...
انسا ن بو سیلۀ انسا ...
سرمایدارا ن کما فی ا...
پیدا کند چنانچه ((پیت...
بیست ساله ای که به ...
در پرورش گلها در یو...
((هولم)) مصرو فیت ...



... هردو خواهان حقوق‌کار بوده و علیه بیکاری اعتراض می کنند .

... ا ییکه یك شخص ... کراد بود، از مسلکی ... ردید و ور قهٔ هم در ... داشت که او حق ... صلح و خلع سلاح ... ن بیاورد .

... در جنور ی ۱۹۷۷ در ... ابقا ت تسلیحا تی ... بایکی از ژور نا ـ ... ی انجا م داده بود . ... ما ن فدرا ل احزا ب ... ر تجاعی ، اعمال ضد ... انسا نیت را مرتکب ... نجه از عر صهٔ ده‌سال ... : اعضا ی حزب نازی ... ((بادن فور تنبرگ)) ... ست به سمت ما مور ... و ظیفه بدارد، ازآن ... ما ییکه بااجراآت غیر ... ا عی خود به نفع ... فعا لیت نموده و در ... چشمگیر ی دریافت ... از فعا لیت ها ی‌آنان ... حفا ظت از جا ن ... کر)) یکی از قا ضیان ... ا مفریب ناز ی هاست. ... از نزد محو طهٔ‌محکمهٔ ... واقع در آلما ن فدرال ... سلما آدم بیاد دسپلین

اند ، سد شده و بز عم خوددر راه پروسهٔ خلع‌سلاح و صلح جهانی موانع ایجاد کرده باشند .

تشدید بیکار ی و سکبدو شی ساختن کار گرا ن شرا فتمند که آرزو یی جز خد متگذار ی‌شرا فت مندانه وخلاقا نه ندارند ، نه تنها دز راه‌بیداری نهضت ترقی پسندان خللی ایجاد نمیکند بلکه مردم صلح پسند و روشن نگر را به‌حقانیت اندیشه و مبارزا ت نیرو های مترقی بیشتر مطمئن میگر دا ند . امروز پیروز ی نصیب آنا نی است که در برابر نیرو های جنگ طلب قد علم کرده ، خوا ها ن تا مین دموکرا سی و محو قدر ت ها ی انحصار ی در جها ن اند وپیوسته مسا عی به خر چ مید هند تا ترور وآدمکشی جای خود رابه آسایش‌و صلح بسپارد ونیرو های اهریمنی امپر یا لیستی جز خجلت نو شه‌ای ندا شته باشند .

((جیو ر ج مار خیز)) سکرتر مسوو ل حزب کمو نست فرا نسه طی یك سخنرا نی اش در(پار لمان اروپا) که آنجا نما یند گا ن ملل مختلف حضور یا فته بودند ،چنین گفت :

((بایستی تما می نیرو ها ی

بدین تازگی ها بی جهت و به طور بیرحما نه از وظا یف شا ن بر طرف شده‌اند ، بعلا وه از فعا لیت نازی ها در زیر نقا ب پولیس در آلما ن فدرال ، روشنی ا نداخت .گزارش حاکیست که اخیرا در هفده کشور اروپا یی کمیته ها یی به خا طر احتجاج علیه رشد بیکاری وتشدید مبارزا ت به خا طر بر طر فی این معضله به راه افتیده استدرکنفرانس های بین‌المللی ورسا نه های گرو هی نیز به خاطر پاما ل شد ن حقو ق بشر ی ، صدا ی اعتراضات رساتر شده است . کمیته هابرای تامین حقو ق انسا نی ودمو کراسی در آلما ن فدرا ل تلاش پیگیرا نه‌را آغا ز کرده اند ، چه امروز درآلمان فدرا ل مرد م نمیتوانند به طورعلنی دربارهٔ دمو کرا سی و حقو ق‌انسانی حرفی بر زبا ن آوردند .

تجلیل از دوصد و بیست و پنجمین روز تولد موزارت

شخصیت هنری نامور ((فولفگانگ آمو دویس موزار ت)) که‌بطور جاودانه نامش ماندگار در حلقه‌های هنر ی گردیده ، در محا فل هنر ی برای خود همیشه جا ی خا صی داشته است که از سا لروز تو لد این استاد موسیقی چیره دست ، اخیرا درمیا ن حلقه ها ی هنر ی تجلیل شاندار بعمل آمد . در تیا تر دولتی ((خانه بزرگ)) نما یشا ت بوسیلهٔ ((هاری کوپو به صحنهٔ)) درآمده بود بنام « تصو یر».این نمایش که از رو ی آثار هنر ی موزار ت استاد بزرگ موسیقی شهروین تهیه گردیده بود ، مقا م شامخ هنر ی موزار ت در نزدشرکت کنندگا ن سالگرد امسا ل مو زار ت رادر شهر در سد ن بیش از حد گرا می تر گردا نید .

باید متذ کر شد که از ۳۲می الی‌دهم جون به مناسبت۲۲۵ مین سالروز تو لد کمپو زیتور چیره دست موزار ت، نما یشا ت بیشمار ی از آثار وی نما یش داده شد ، از ((ایولو)) و(ایاسنتوز)آن آثار موزار ت که در یاز ده سالگی آفریده بود تا آثار هنر ی کا ملا پخته واستا دانهٔ او در کهنسا لی چون ((تیتوز)) که نما یش اینهمه آثار خود گوا هی است از منز لت وشکو همند ی آثار موزار ت و محبو بیت اودر جمهور ی دموکراتیك آلمان ، مو زارت در سدن فقط یکبار پاگذار ده بود آنهم‌درسال ۱۷۸۹ . موزار ت از (۱۷۸٦ـ ۱۸۲٦) مدیر او پرا بود . قو یترین نمایش او آنزما ن در شهر((هلبی)) روی صحنه آمده بود. در رابطه بااثر متذکره مو زارت در تجلیل از سا لروز تو لد مذکور ،انسا مبلی تهیه گردیده بود که در پایا ن انسامبل به خا طر عظمت شا مخ هنر ی موزار ت تحا یف فرا وا نی‌به روان این بزرگمرد مو سیقی اهداء گردید . بعلاوهٔ انسا مبل متذ کره بایستی از انسا مبل تیا تر موزیك

بقیه درصفحه ۵۲







اطفال امروز

اطفال و پول ؟

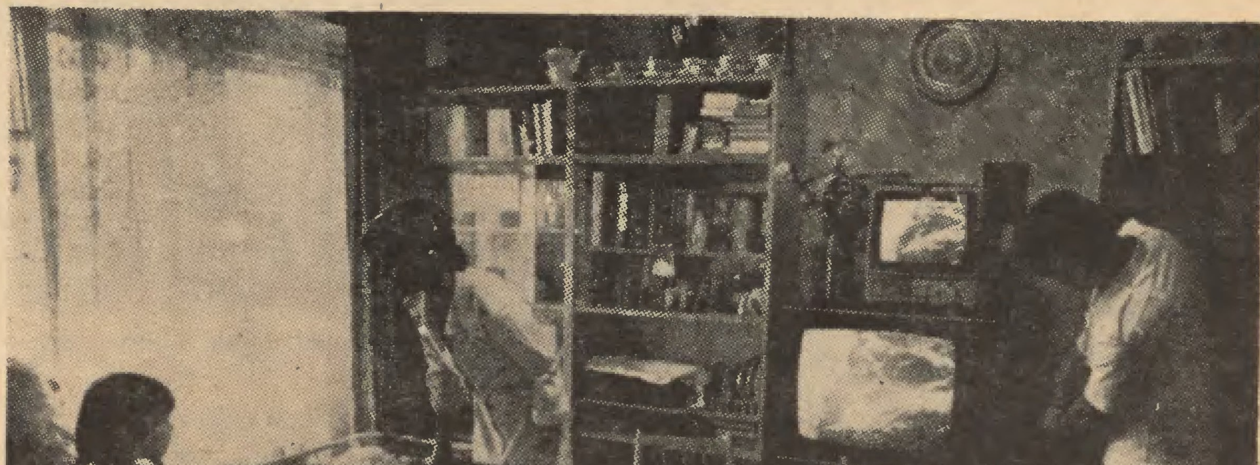
از آن جاییکه پو ل تا مین کننده معیشت زند گیست لهذا اطفا ل که آینده سازا ن جوا مع بشر ی مـی باشند و در آینده مسئوو لیت ها ی زند گی و فر د ی و فا میلی به عهده ایشان می باشند با یست ار زش واهمیت پول‌راادراك کنند پس‌برپدران ومادران است تا اطفا ل خودرامتوجه این امر بسازند که پو ل چست ؟ چگو نه بد ست‌می آید و راه ها ی مشرو ع پو ل اندو زی کدا م هامی باشد ؟

چون پول از وسایل زند گـی روز مر ه‌همه افراد و اشخا صـص محسو ب می شود و بدو ن پـو ل ((مگر پولیکه آبرو ریزی را سبـب نگردد نمی شود همیشه خـو ب زیست .

رو ی این منظور فا میل هـا ی گرامی وظیفه دارند تا اطفا ل‌خویش رابه این‌موضوع ملتفت سازند کـه پول یعنی چه ؟

اما عیب کار اینست که اکثریت فامیل‌ها نه‌کودك رابه ارزش پـول متوجه می سازند ونه پول را بدست آنها میدهند تا مبادا پولکی شوند وبه گرفتن پول عاد ت‌نموده‌وخدای نا خواسته ولخرچ بار آیند .

اما راستش اینست که آشـنا شدن اطفا ل به پو ل و ار زش‌ها ی مادی آن نه تنها ضرور ت حتمی می



باشد بلکه اگر مطال
با طفل در میا ن
درست از مو ضو ع
این مطلب رابه او
چیست ؟ و در زند
وباید آنرا چطور
چگو نه به مخار ج
آنرا مصرف نمود
خلا کشیده و در رو
دهیم ، بر عکس اگر
تو جهی و غفلت از
دهیم بعد ها و قتـ
دشواری ها روبرو
وقتی پو ل بد ست
آنرا چطور و در کجا
یابه آن پو ل چندا
نمی شود مسئوو
مشکـلات بدو ش ما
است این مو ضو ع
کنیم ودر باره آن بی
بسیار ی از پد
اند که وقتی می توا
تربیت نما یند که
امر و نهی کنند هر
بدهند که این کـار
انجام آن عمل پر هی
کار را انجا م بد هی
خطا ب می شود و
منحیث- بچه نا فر
می شناسند .
پدر ومادر از ین
اطفا ل دوره ها و س
پشت سر می گذارد
قدر ت هیچ کار را
رسد که طفل خ
ولحظهٔ آرا م نمیگیر
نما ینده خوبی از ص
کودك می باشد اگر
انزوا آرا م می نشی
می نگرد کو یا مر
جلو انزوا و گوشه
شود باید طفل به ا
بازی با اطفا ل دیگ
وبرا ی خود همباز
بیابد خودش کار ه

همه خوا سته ها ی‌مشروع
ادر را آویزه گوش نموده و
از آن خواسته‌هاکنارنرود.
ست هر پدر و ما در همین
ه پسر خود را خو ب وبا
دارا ی همه خصلت ها ی
تربیت وپرورش دهند مگر
غافل نبا شند که‌اطفا ل‌نیز
ها و آرزو ها ی دارند که
آن ارزش قایل شوندنه‌اینکه
ه را به دوش کودك بیندازند
فه قضاو ت نمایند .
ن جاییکه در ین بحث طفل
رتبا ط با پو ل صر فه جویی
ف آن مورد ارزیا بی قرار
، بهتر است تا در ین‌مورد
صحبت نماییم .
پول‌از کجا بدست می آید ؟
مهم واسا سی اینست که‌از
ار – پنج – سالگی با یدبه
آمو خت که پو ل چیست و
واز کجا بدست می آید و هم
تفهیم شود که پو ل پدر و
نامحدود وبی حد وحساب
وآنها نمی‌توانند هر قدر ی
خواست از بانك ویا از محل
داره پول بگیرند، پدر ومادر
کار یکه می کنند مقـــدار
ل بدست می آور ند همان
و ل رابا عر ق جبین و آبله
کمایی می کنند نبا ید اطفال
بر آن بی تفاو ت با شـــند
برابر آن پو ل خیلی‌محتاط
نیاز ها ی او لـــی را با آن
سازندوازآن‌پول بایدهمه‌افراد
ی خانواده مساو یا نه‌مستفید
.
ا و همه مطالب دیگر با یدبه
ساده وطور یکه که بتوا نـــد
کودکا نه طفل را تحر یك
او گفته شود و مثا ل ها ی
و آمو زند ه که بتوا ندطفل
سازد ارا ئه بدار یم مـــثلا
توا هیم پو ل زیاد را در ین
خریدار ی اسبا ب باز ی تو
نماییم در آن صور ت غذا

وکاریست نهایت مشکل و حتی‌غیر ممکن از ین‌جاست که کود ك باهمان اندیشه کودکانه اش به همه‌قضایا توجه داشته وبه پس اندا ز ، به ساما ن ها ی باز ی اش به لبا سش وبه همه مطالب که پو ل در برابر آن صر ف می شودنها یت تو جه داشته وبه همه علا قمند خوا هدبود ودز ویرانی ،شکستش وگم کردن ساما ن ها ی باز ی و غیره سا مان آلات خانه جلو گیر ی نموده وکاری نخواهد کرد که‌سبب آزردگی پدرو مادر وسایر افراد فا میل گردد .

ارزش پول :

برای اینکه کود کا ن از ار زش پو ل آگا هی داشته باشند با یدبه آن امکا ن آنرا میسر سا زیم تاخود شا ن چیزی مورد ضرور ت خودرا خریدار ی نمایند در اوایل با ید خرید اشیا ء خورد وارزا ن قیمت که قیمت معیین داشته باشدبه‌آنها سفارش کنیم مثلا خرید یك دا نه قلم ویا یك بکس خورد را به‌عهده آنها واگذار شو یم و پس ازخر ید باید دقت کنیم که بقیه پول‌رادرست گرفته باشد ، بعدا می توانیم خرید دو سه و چهار چیز مختلف را به‌او واگذار کنیم واز او بخوا هیم که در موقع خرید تو جه جد ی مبذول داشته متو جه باشد تا اشـــیا ی خریدار ی شده اش خو ب ، مفید وزیبا باشد .

با این عمل می توانیم یك کـــار نـــیك ر ا بـــه طفل یا د بد هـــیم وبـــا ا یـــن عمل کـــو د ك چیز ها ی را که لازم دارد با داد ن پول می‌تواند بدست آرد . ثانیا برا ی بدست آورد ن هر چیز باید مقدا ر پول داشته باشد یعنی باید بدانـــد که هر چیز قیمت و ارزشی دارد .

راه دیگر اینست که کار ها ی کوچکی غیر از وظا یف عاد ی و معمو لی روزانه کود ك رابه‌اومحول کنیم وشر ط بگذاریم که اگر ایـــن

اطفال وترافیك

گسترش روز افزو ن شهر ها ، دور ی مسا حت بین خا نه و محل کار سبب میشودکه برای ر فـــع‌این نقیصه فکری شود و نیز در داخل شهر ها روز به روز تعداد مو تر اضا فه شده میرود وشهر هـــا ی بزرگ با مشکل زیاد ترا فیکی رو برو میشو ند و مشکل ترافیك‌زمانی سخت ترمیشود که رانند گا ن‌بابی توجهی به مقررات راهنمایی را– نندگی و استفاده نا معقو ل ازوسایط نقلیه، موجب تصادف می شود که این تصاد فا ت خود بار ترا فیك‌را سنگین تر می سازد . بی‌توجه ایی‌به مقررا ت رانندگی خطرا ت جا نی برا ی همنوعا ن پدید می آورد که اکثرا شنید ن آن انسا ن رامتا ثر می سازد .

امید است رانندگا ن و مرد م‌این نکا ت مهم را مرا عا ت نما یند .

۱ – اجرا ی مقررا ت راهنمایی ورانند گی ضامن سلامت ما واطفال ماست .

۲ – پولیس به تنها یی قادرنیست بدون همکار ی ما مشکل ترا فیـــك راحل کند .

۳– را نندگی هر فرد مـــعرف شخصیت اوست .

٤ – وظیفه معلمین و وا لد ین است که به اطفال خویش یادبدهند که چطور قوانین و مقررا ت‌ترافیکی را مراعا ت نمایند .

مثلا برا ی اطفا ل‌خود یاد بد هیم که برا ی عبور از سر کها ی‌عمومی

بایسکل سوران و عابرین پ
میشود.

۷ – در انتخاب موتر را
به سرو یسها ی شهر ی س
دارند همواره کوشش شود
ها ی باتجربه با حو صله وبا
تعین شود .

به جرات میتوا ن گفت
اکثریت تصادما ت در نتیج
توجه به مقررا ت ترافیکی
اکنو ن وقت آنست که پیاد
سوار بیش از پیش با پولیس
همکار ی های لازم را انجا م

وبر رانندگان است که
راندن باید مقررا ت ترافیکی
عات نمایند، اگر پیاده‌رو از
سر ك که‌بخواهد عبور کند و
این‌حق راازآن‌خود بدانندو
که قانون ترافیکی منحصر ب
نقلیه است وآنها هیچگو نه
ندارند. دراثر این بی اعتنا
نابسا مانی گریبانگیر ما و
ماخوا هد شد که جا ن خود
رابه خطر خوا هیم انداخت
ویگانه راه علاج این کار آن
خود و فرزندا ن را متو جه
نماییم که باید مقررا ت تر
مراعا ت نماییم . واگر امک
موجود باشد از مقا مـــات
وزارت تعلیم وتربیه خواهش
که تدریس مقررا ت ترا ف
چوکا ت درسی مکا تب گن
شود .

مثلا اطفا ل که خود به

زندگی زن

اتحاد شوروی

انقلاب کبیر سوسیا لستی اکتبر
در سا ل ۱۹۱۷ در روسیه بـه
روز ی رسید به مثابهٔ نقطه عطف
تاریخ بشر یت محسوب می‌گردد
مچنان سر آغاز دورا ن جدید یا
ار از سر مایدار ی به سوسیا-
ـزم .

پیروز ی انقلاب اکتو بر بود که
ید حل بغرنج تر ین پرو بلم های
تما عی را در دست بشر یـت
برد ، قدر ت استثمار گرا ن را
رنگو ن نموده ما لکیت خصو صی
به مالکیت سوسیا لیستی مبد ل
اخت ، حل عادلانه مسئاله ارا ضی
به نفع دهقانا ن میسر گردا نید،
کانا ت رها یی خلق های وابسته
یو غ ستم واستعما ر را تا مین
موده برای خلقها حق تعیین سر-
وشت رابه ارمغان آورد .

با استقرار قدر ت شورا هـا
رایط لازم جهت تامین بـرابر ی
اقعی زن بامرد در اجتما ع بوجود
ید .

اولین فر ما ن ها ی دولت شوروی
ه به امضاء لنین صادر گردید با
رمان ها ی زنا ن مطابقت کا مـل
اشت ، برا ی او لین بار زنا ن به
سب حقو ق سیاسی مسا و ی با
رد، حق کار ، دریا فت دستمزد
ساو ی نایل گردید و قوانینیـکه
امین مو قف مسا و ی آن خا نواده
رد پا س گردید .

جنسی ، نژادی و ملیت ، حقو ق مساو ی تضمین گردید .

درسا ل ۱۹۱۹ لنین با سربلندی وافتخار چنین گفت : ((حکو مـت شوروی به مشابه قدرت زحمتکشان در اولین روز ها ی استقرار خـود باهر آنچه که به حقار ت واسار ت زن می انجا مید مقا طعه نـموده و بزرگترین کامها را در جهت برابری قانو نی برداشته است .

حزب کمونست اتحاد شورو ی‌به مساوا ت زن در چوکا ت قا نـو ن اکتفاء ننموده برا ی تا مین برابری واقعی زن در عمل پیکار کرده‌است.

دو لت شورا ها از هما ن آغـاز استقرار خود تو جه به خصو صی رابه میتود ها وشیوه ها ی کار به خصو ص در بین زنا ن مبـذو ل داشته است .

در دشوار تر ین روز ها ی بعد از پیروز ی انقلاب ، زمان جنگـ داخلی گرسنگی ،ویرا نی ،تجا و ز خار جی ومبارزه حاد طبقا تـی در شرایط کشور یکه بیش از صدملیت که هر کدا م درسطح مختلف تکامل قرار داشت بسر می بردند و بـه صور ت مطلق همه زنا ن بیسـواد بودند . حزب کمو نست شورو ی آن میتود های کار را در بین زنا ن برگزید که برای آنا ن قابل در ك وفهم بود .

بعد از تدو یر او لین کنگره سر تاسر ی زنا ن کار گر و دهقا ن در همه مناطق ونوا حی شـورو ی در پهلو ی کمیته ها ی حز بی‌کمیسیون ها وبعد تر شعبا ت به خصو صـ جهت کار در بین زنا ن ایجادگردید. در شر ق شورو ی که تا حد ی

وپرورش در بین زنا ن بادر نظـر داشت سنن وعنعنا ت پسندیـده مردم واحترا م به عقا ید آنان‌صورت میگرفت .

درین محلات علاوه بر جلسا ت نمایندگا ن زنا ن ، کلو پها ی زنان کار گر و مراکز اجتما عی زنـا ن دهقان تاسیس یافت ، در چوکا ت این مراکز زنا ن سواد می آموختند تعلیما ت مسلکی فرا گرفته سطـح دانش حرفو ی ومسلکی شا ن ارتقاء می‌یافت ، همچنا ن مشوره های‌طبی دریافته ،مرا قبت از نوزاد و تربیه طفل برایشان تدریس می گردید .

شرکت زنان در کار ها ی‌تولیدی

سو سیالیزم در بـرابر زنـان افق ها ی وسعی را گشود وامکانات اشترا ك فعا لانه آنا ن را درپروسه تولید میسر گردانید .

شرکت زنا ن در امر تو لیـد اجتما عی عامل مهم رشد شخصیت زن ،ارتقا ی سطح شعور سیا سی واجتما عی اوبه حسا ب میرود کار اجتما عی استعداد هـا ی ز ن را شگوفا ن ساخته ودایره دلبستگی های اورا وسیع تر میسازد .

سوسیا لیز م برای زنا ن حق‌کار حق انتخا ب . آزاد حر فه ومسلك حق دریا فت دستمزد مسا و ی‌با مرد در برابر کار مسا و ی ، حق استرا حت ، حق حفا ظت کار ز ن حق استفاده از تضمینا ت‌اجتما عی ومادی در صور ت عد م قا بلیت کار را تضمین می نما یند .

در اتحاد شورو ی جهت جلـب وجذب زنا ن به پروسه تو لید کار وسیع و همه جانبه صور ت‌گرفته است که دینا میك ار تقا ی نقشـ زنان در تو لید اجتما عی ثمر گران-

کلخوز ها ، چهل و پنج
کار گرا ن سلخو ز ها
تشکیل مید هند .

چهل وهشت فیصد
مستخد مین امور تجار
اجتماعی زنا ن اند . در
مختلف امور صحت عامه
بدنی وتضمینا ت اجتما
وسه فیصد زنا ن مشغو
همچنان هفتادو چهار فی
مندان آمور آمو زشی ملـ
چهار فیصد مشغولین ام
ملی رازنا ن تشکیل مید

زنان در رشته ها ی
شده تولید نیز شر کت
دارند به طور مثال در ر
تولید ساما ن آلات بر
تخنیك وغیره چهل و پ
وهفت فیصد کار گرا ن
تولید ابزار آلات الکترو
هستند .

تعداد زنا ن انجنیر رو
است اکنو ن نودو پنج
متخصصین آن دارا ی
عالی اند :

سی و سه فیصد انـ
چهل فیصد متخصصین
ونه فیصد انجنیرا ن ص
می باشند . در نتیجه ا
وتخنیکی کار دهقان زنا
کیفیت خویش تغییر نمو
میکانیزه شده مبد ل گر
هزارا ن زن شورو ی م
به نو ترین تخنیك زرا
می شوند ، زنا ن دهقان
اتـو ما تیز ه شده مر غ
کمپلکس های دامپرو
پردازند .

امروز چهل فیصد مت
امور زرا عتی را زنا ن
دهند . انگیزه ز ن شو
تولید تنها بد ست آور
مشت پو ل نیست ، او
تولید اشترا ك می ور ز
ترتیب می خوا هد در ام
جامعه نوین اشترا ك و

ه سو سیا لیز مشرکت
در رهبر ی تولیداست.
ز نیم ملیو ن زن‌زحمت-
آمرا ن واداره کنندگان
نو لید ی مشغو ل کار

تکامل انقلاب علمی و
تقا ی در جه تخصص
لکی زنا ن در دستور
گیرد .

ها ی فنی ومتخصصین
شبکه های وسیع‌مکاتب
نا ن موسسا ت صنعتی
صور ت می گیرد همین
حمله دو ملیو ن فار غان
هزار مکتب مسلکی سی
زنا ن تشکیل میدهند.
بیست‌و پنج ملیو ن‌نفر
موسسا ت صنعتی ،
ی کسب می کنند که‌یك
این رقم زنان اند .

اضا فی جهت بهبود بخشید ن شرا یط کار زنا ن مشا غلی در امور اقتصاد ملی ، گما شتن زنان به یك سلسله کار ها ی‌ساقه ومضر به صحت منع قرار داده شده است . زنانی را که قبلا مصرو ف این رشته هابوده اند به تحصیل مسلکی در رشته های دیگر گماریده ودر ایا م تحصیل معا ش قبلی رابه آنان می پرداختند .

همه و همه این تدابیر جهت تامین مصئو نیت در کار برا ی زن به مشابه مادر با در نظرداشت مشخصا ت فز یو لوژیکی او اتخاذ گردیده است .

زن شورو ی به مثابه شخصیت اجتماعی :

ارتقا متدا و م فعا لیت سیاسی زنان وسهم گیر ی وسیع زنا ن در پیشبرد امور اجتما عی یکی از مشخصا ت بر جسته نظا م سوسیا-



تریشکوا نخستین زن تسخیر کننده فضا

ه این تدابیر سطح
ن بلند رفته از یکسو
رد آنا ن بیشتر می‌گردد
دیگر این امر عا مل
رشد شخصیت زنا ن و
اجتما عی آنا ن‌محسوب
وا ظبت و بررسی‌شرایط

مشخصات بر جسته نظام سوسیا- لیستی محسوب می شود .

زنان کشور شورا ها مانند همه خلق های آنکشور حق انتخاب کردن وانتخا ب شد ن را دارند .در نهمین دوره انتخابا ت شورا ی‌عالی اتحاد شورو ی در سا ل ۱۹۸۰ به

درود به تو ای زن
ای مادر

درود بتو و سلحشور ی ها ی‌نجات بخش وآزاد ی آفرین تو

ودرود بتو و به زنجیر شکنی ها ی رها یی ساز تو .

بتو که در این دوران - دورا ن خون وآتش ودوران دود وبا رو ت که در هر گوشه جها ن از آسیا تا افریقا وامریکا ی لاتین همه جا در- فش گلگون آزادی رها یی انسا ن‌از بند استثمار به اهتزاز میا یدرسالت عظیم و تاریخی فرد را در یافته‌یی‌و پابه پا ی برادرا ن رزمجو ی خود حماسه ساز عصر ما گشته یی .

آری !

دراین زمان - زمان به پایان آمد ن اجبار سلطه جویی ها ی جابرا نه‌و زمانی که ملتها همه بند های‌اسارت را از دست و پایی میگشا نید تا به همه افسانه ها واسطوره ها ی‌بهره کشی انسا ن از انسا ن خا تمه دهند وخود حاکم سر نو شت‌خود باشند دیگر جا ی آن نیست که‌نیمی از پیکره جوامع انسا نی محصو ر زندان چادر وخانه با شند و درقید اسار ت ها ی فکر ی واند یشو ی واجتماعی از همه حقو ق محرو م گردند .

امروز دیگر عصر سیا هی ها - نیست . دوران ظلما ت خاتمه یافته است وآفتا ب اندیشه ها و آید یا-

و آزادی خوا هی میر زمند و
جنگند ، تو از زش و ما هیت
انسا نی وفرد رابدست آور
این پیکار اشتی ناپذیر در
راد مردا ن و راد زنا ن ضد
وتیره‌گی قرار داری .

آری بگذار ی این مو ج
با هیبت وسهمنا کی خو
خود به پیش تازد ومارا با
دست های گره خورده و ج
پذیر از هم مان وبا آرزو ها
مشترك مان به ساحلی رس
در آن انسا ن انسا نیت را
میکند وزما ن آزادی رابه ار
مید هد بگذار ، اسم نقط پای
همه قصه هاوافسا نه ها و
هایی بگذاریم که اعصا ر و
هایی بینوایی ترا ومرا وهم
یاد میاورد .

وگشا یندهٔ فعلی تازه از
ملی خود گردیم که در آن
مساوات برابر ی انسا ن جا
مظالم اجتما عی واقتصاد ی
نمیگذارد .

بقیه درصفحه ۵۳

ترجمه ونگارش

یوسفزی

گهواره صلح و خوشبختی در دست مادران قرار دارد

***

نقش جنبش جهانی زنان در مبارزه برای تساوی حقوق، استقلال ملی و تحکیم صلح در روی زمین

نهضت بین‌المللی زن و نقش‌روز
و ن آنها در حل مسا یل ملـــی
نها نی از یکسا ل تا سا ل دیگر
و ی بیشتر گر فته و ایجــــاد
یر در تواز ن قوا به نفع نیروهای
فدار صلح وعدا لت اجتما عـــی
ف برازنده به زنا ن داده‌است.
درین میا ن نقش زن به حیث‌مادر

فضا ی صلح آمیز جهت تر بـــیه اولاد شان در اثر سیا ست ها ی تبعیضی وضد انسا نی از طر ف حکو ما ت ارتجا عی و مستبددرنقاط مختلف جها ن کنو نی به حیث یك خواب وتصور محض باقی ما نـده

ما بسا از کشور ها و منا طقی را ســـرا غ دا ر یـم که افـــراد آن به شمول زنا ن و اطـــفا ل از چندین سا ل متماد ی دستخو ش تبعیض ، تعقیب دهشت و تجا وز تحت تجاوز آشکار صهیونیز م و حامیان امپریا لیستی آن بوده است

زنان مبارز فلسطینی در پهلو ی مردان شا ن به مبارزه بر حـــق و عادلانه خویش علیه متجا و ز یـــن اشغالگر اسرائیلی و حا میا ن آنها ادامه مید هند ، مبارزا ت زنـــا ن فلسطینی وزنا ن سایر کشور هاکه تحت شرایط استبداد ی دشوا رو رژیم های ضد مرد می حیا ت بسر میبرند از حما یت کامل‌جنبش‌جهانی



پوستر اتحادیه عمومی ز

حقوق زنا ن عر ب فلسط
خاسته خواها ن حل عاد
شر ق میانه براسا س اع
حقه مردم عر ب فلسطین
بیعدا لتی و تبعیض در م
در همه حصص جها ن
افریقای جنوبی است که
زن تحت یك تبعیض دو
تبعیض جنسس وتبعیض
رنگ قرار دارند ،

این وظیفه بزرگ جنبش
زن است که بیش از هر و
علیه تجا وزا ت تو سعه
امپریالیزم بررزمد وبرا ی



...رنهٔ استثمار فرداز فرد که نما یا نگر این وضع
...رکشور های سرمایه داری میباشد

...ش سازندگی زنان

...ر است که زنان نه تنهادر
...نقش پربها دارند بلکه با
...زیك و آمادگی های روانی
...جوانان وپرورش نسل های
...ا موثر اند.

...باید دور داشت که ایـــن
...سیستم آموزشی وپرورشی
...ممت کلی تکامل جامعه ،در
... معیین سیاسی واقتصادی
... دارد .

... فیودالی و سرمایداری به
... دیگر عرصه های زندگـــی
... دومقرار دارند،درساحه های
...ن به مثابه موجود اجتماعی

زنان افغا نستان باید اطفال و نو جوانان مارا از هر نگاه آماده سازند تادر خدمت مادر وطن قرار گیرند ، زنان ماباید از یکسو اطفال صحت مندو سالم تیز هوش ودراك به جامعه تقدیم دارند وز سوی دیگر آنها را فعال وپر کار، جدی واز خود گذر،میهن پرست وانساندوست تربیه کند . **زیرا ساختمان افغا نستان نوین** کاری حدوحصر میخواهد .

زنان افغانستان بایدذهنیت فرتوت فیودالی راسرکوب کنند واطفال خودرا اعم از پسرو دختر روانه مکتب سازند و خود در فراهم آوری شرایط مناسب تعلیم و تحصیل آنهاازجان ودل بکوشند .

افتخار به زنان که شب ها و روزها بارنج

این زنان روشنفکر اند که تربیت وپرورش اطفال ، نو جوانان و جوانان را بعد از محیط خانواده به عهده دارند .

از آن جاییکه در شرایط کنونی افغانستان نقش آموزشی محیط تحصیل ارزنده تروبرجسته تر است لهذا همه زنان و بخصوصا آموزگاران بایست رسالت خودرا به وجه احسن انجام دهند و حتی می‌توانید توسط شاگردان محیط **خانواده شانرا روشنفکرتربیت نمایند .**

وقتی خانواده ای تنویرمیشود و روشنفکرانه بهزندگی اجتماعی شروع می‌کند به یقین گفته می‌توانم همه اعضای که به همان خانواده ها تعلق میگیرند با درك سالم می‌توانند قضاوت سالم نمایند .

کوهگرد

سوگند

سو گند بنا م پاك تو ای‌مادروطـــن
سوگند به قهر ما نی فر زندخوب تو
سو گند به‌نام نامی ام البلاد
سوگند به نام غزنه و پامیـرپر شکوه
سو گند مرا به شعله زر یـن‌آفـتاب
سوگند به نو را ختر شبگرد‌آسمان
سوگند به حسن و صور ت‌پروین وکهکشان
سو گند به پتك و بـازو ی‌مردان کار گر
سوگند به دست ها ی پر ازز‌خم بزرگر
سوگند مرا به قا مت خـــم‌گشته چون کمان
سو گند به پا بر هنگی یـــی‌طفل بی پدر
سوگند به آب دیده آن ما درغــمین
سوگند به چشم منتظر عاشق‌حـــزیـن
سوگند بدید گان هو سر یزدخـتران
سوگند به ناله های سحر گاه‌مر غکـان
سوگند به دشت ها ی تـــب‌آلود این دیار
سوگند به دشتها و به کوه‌هاوبا غسـار
سوگند به هر چه پا ك و مقد س‌بود وطن
سوگند می خورم که تاآخرین‌رمـــق
سر مید هم در راه تو و حفظشا ن تـــو

شب هجران با خیال جانان

شب هجران با خیال جانان
چندی است که عشق آن صنم را
بر صفحهٔ سینه پروریدم ،
عمری به امید جام و صلش
پیمانهٔ زهر می چشیدم ،
شب های دراز د ر خیالش
چون مار گزیده می تپیدم ،
هردم بفضای اوج ا مید ،
همرنگ شهاب می پریدم ،
گاهی به سما همی رسیدم
چون باد سموم میوزیدم ،
چون برق ستیز می جهیدم،
چون ابر بهار می گریستم ،
چون بانگ هزار می سرودم ،
در دشت جنون زبیقراری ،
خون بی سرو پا همی دویدم ،
سر داده سراغ میگرفتم
جان داده نوید می خریدم ،
آخر به‌هزار گونه خواری
برکوی مراد مبرسیدم،
چون سجده بخاك میفتادم ،
چون اشك براه میچکیدم ،
از دامن ناز می گرفتم ،
وزگوشهٔ جلوه میکشیدم ،
گه بوسه بپاش می نمودم ،
گاهی زلبانش میمکیدم ،
چون نیک نظر همی نمودم ،
میدیدم و آ نچه می ندیدم ،
که این لذت بی مذاق من بود ،
داستان شب فراق من بود .
پیرو سلیمانی

ازمرگ

هرگز از مرگ نه هراسیده‌ام .
اگر چه د ستانش ، از ابتذال، شکننده تر بود .
هراس من ـ باری ـهمه از مردن در سر زمینی است
که مزد گور کن
از آ زادی آ دمی
افزون تر باشد .
جستن
یافتن
وآنگاه
به اختیار برگزیدن
واز خو یشتن خویش
باروئی پی افکندن ....
اگر مرگ را از این همه ار زشی بیشتر با شد
حاشا که هر گز از مرگ هراسیده باشم .
احمدشاملو

• • •
•

شراب‌عشق

مستی چشم که ا مشب می برد ازجا مرا
کیست این ساقی که ریزد باده در مینامرا؟
گرفلاطون مشربان از شهر بیرونم کنند
می دهد د شت جنون درسینه اش ماوامرا

بوی گل

هرباد که از سوی بخارا بمن آید
بابوی گل و مشك و نسیم سمن آید .
بر هر زنو هر مرد کجا بروزد آن‌باد ،
گوئی مگر آن باد همی از ختن آید .
نی ، نی ز ختن باد چنین خوش نوزد هیچ،

آب حیات

ی از د لم بیرون نشد شور تو از سر هم
اك آ خر تمنای ترا بردم بمحشر هم
شفته را خواهم بگیسو یت کنم سودا
ای بت خدا را از منش جان میدهم سر هم
ا برد و آ خر د لبر از من رنجه خاطر شد
یاران چه سازم از برم دل رفت و د لبر هم
فان سرشك آ خر تبا هی ذورق دل شد
. چاره اش از دست غم افگند لنگر هم
اب کشتگان خنجر نازت که میگیرد
لف از بغل بیرون کند طومارو دفتر هم
چو نتو کس بیرحم ظالم نا مسلمانی
دستت مسلمان می نماید شکوه کافر هم
نا حق که خونم غمزه‌ات امروز می ریزد
ارد جوابش نزد حق فردای محشر هم
سق توگر سازد بمن خشك و تری دارم
از وی نسازم حلق خشك و دیدهٔ تر هم
من کجا نو شین لب اومی شود قاری
جویای این آب حیات آمد سکندر هم

ملك الشعرا قاری



عیب بینی

زبزم دوستداران پاکشیدن
بکنج ذلت و غم آ رمیدن
چوشمع از پای تاسر در گرفتن
چو پروانه سوی آتش پریدن
زفرط احتیاج وفقر وافلاس
بپولی پیش این و آن دویدن
بمن «ابهر» نباشد آ نقدر سخت
که بر مردم بچشم عیب دیدن

ظهوری تر شیزی

آئینه چشم

کی رفته‌ای زدل که تمنا کنم ترا
کی بوده ای نهفته که پیدا کنم ترا
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته ای که هویدا کنم ترا
با صد هزار جلوه برون آمدی که من
با صد هزار دیده تماشا کنم ترا
چشمم بصد مجا هده آ ئینه ساز شد
تا من بیك مشا هده شیدا کنم ترا
بالای خود در آئینه چشم من ببین
تاباخبر زعالم بالاکنم ترا
مستانه کاش در حرم و دیر بگذری
تاقبله گاه مومن و تر سا کنم ترا
خواهم شبی نقاب زرویت بر افگنم
خورشید کعبه ، ماه کلیسا کنم ترا
گرافتد آن دو زلف چلیپا بچنگ من

مړدی وی

مړدی وی او مړ نور
دزړو سندرو ساز
نه وړمه نور نه و ړم
دیار ناز او نیاز
نور بر بنډ و مه
ددی پټی مینی راز
پریږده چی زړه و چوی
دچوغل او د غماز
نه و همه کوکی
تل دی وی سوز او گداز
ته تر لاسه کیږی
په و ړیا وړیا ممتاز
لاره که اوږده ده

از : سپوتنیک

مترجم : برها نی

آیا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن بیست و یکم نفوذ کند؟

در کشور ها ی انکشا ف یا فته
ه شمو ل اتحاد جما هیر شوروی
سوسیا لستی سر طا ن در بیــن
مراض مهلك و کشنده جا ی دو م
ا اشغا ل میکند .

در حال حاضر از جمله هر صــد
رگ موجب شانزده آن سر طا ن
یباشد . تا امروز سایر مرد م را
عقیده براین است که مر ض‌سرطان
عمو لا منجر به مرگ شده ونتیجهٔ
کشنده دارد . آیا این امــر بدا ن
عنی است که هر آنکسی که بــه
سرطان مبتلا شده جان خود را از
ست داده ؟

این یك امر واضیح است که تا
هنوز سایر مردم در برابر تشخیص
مرض سرطا ن مانند چیز یکه منجر
به مرگ میگردد عکس العمل نشان
مید هند .ولی باید گفت که چنین
فکر کردن خیا ل باطل است : تــا
اکنون دراتحاد شوروی(...ر.۱۵ر۲)
ن مریض مصا ت به تو مور خبیثه
معالجه شده اند .....

افزایش این رقم خیلی ها جا لب
وقابل توجه است . در ســـا ل
(۱۹۷۵) تعداد اشخا صیکه بعد از
تداوی سر طا ن برای مد ت بیشتر
از پنــج سا ل زنــده ما ندند بــه
۶۳۸ــ ۷۳۸ تن میرسید، در سال

فقط در بعضی موارد ممکن بود که‌در گیر کارد جرا حی به افتد ودر آن روز ها کارد جرا حی یگانه وسیله‌یی بود که از آن استفاده میکردند .

در سا ل (۱۹٦.) در اتحــاد شورو ی از جمله هر (۱.....) تــن ۱۱۵ ــ آن در اثــر سرطان چشم ازجهان پوشیدندواین تعداد درسال (۱۹٦۵) بــه ۱۲۳ و در ســا ل (۱۹۷۲) به ۱۳.) افزا یش یا فت. خیلی ها مهم مینما ید که اکنــو ن رقم و فیا ت که سر طا ن باعث آن میشود در بین مرد ها ثابت بوده و حتی احتما ل میرود در بین زنهــا این رقم کاهش یابد .

بنابر ین متخصصین تو مورشنا- سی شورو ی شعار سازما ن جها نی صحت را ((سر طا ن قابل تدا وی است و تشخیص آن در مرا حــل ابتدایی زند گی رانجات‌می‌بخشد.)) تایید مینما یند .

قابل تذکر است که وقو ع‌بروز سرطان در بین اشخا ص که بیش از شصت سا ل دارند نسبت بــه آنهاییکه عمر شا ن به (سی) سا ل میرسد بیست مر تبه زیاد تراست.

باید گفت که سر طا ن در بیــن مردمان سالخورده زیاد به مشا هده میرسد .

این علل به حیث عوامل سر طا ن زا شناخته شده اند .

تعداد ویروسها و مواد کیمیا وی (و مواد سرطان‌زا) که محیط انسان های امروز ی را تشکیل مید هــد خیلی ها زیاد است ، پس لازم می افتد که هر شخص از خودموا ظبت وپرستار ی به عمل آورد ، ولی‌باید گفت که خطرا ت ناشی از سر طان راخود ما افزا یش می بخشیم که‌به بدترین عامل آن دود کرد ن‌سگر ت میباشد ، از جمله هر صد مریضی که به سرطا ن مبتلا است (۹٦)آنها به دود کردن سگر ت معتاد انــد . باید متذکرشد که سر طا ن برعلاوه خود سگر ت کش آنها یرا که در نزدیك وی ایستاده اند ودودتنباکو



را استنشا ق مینما ین
افگند .

آیا میتوانید نام نو
های خبیثه را بگر ید
کامل وهمه جانبه تو
علاج میشود .

در مورد تداو ی مر
باید گفته شود که نو ع
مهم نیست بلکه در زم
آن ،وقت خیلی ها با
زیرا وقت هم دشمن م
همکار . بدین مفهو م‌ک
تومور خبیثهٔ کشف و
به همان ا ندازه چــا
زیاد تر است .

وقایه و تشخیص مر ض
ابتدا یی آن نسبت به
روش ها ی مدر ن‌تداو
بهتراست تومور در م
کلینکی آن تشخیص گ
وقتیکه هیچ کدا م علام
خارجی مرض دیده نشو
میتراند در اثر معاینا
سیستما تیك مردم بر
که این کار یگا نه مرا
متخصصین تومور را ت

باید گفت که همه س
تشخیص وتداوی علم
وسایل نهایت مهم ط

ف را صع

سبت بزرگدا شـت ازنخستین روز جها نی غذا

سان، گرسنگی ونان

را ن کنو نی ، دورا نی که ی خوا هی در هرگوشه‌ی کی است از عصیا ن ملتی نده و عقب نگهدا شـته رزا نی که انسا ن به مر ز هی اجتما عـی رسیده بزرگ خود را علیه همه‌ی ی پیچید ه شده در دست

ندیشه به آغا ز گر فته و اما ن و نبرد آشتی ناپذیر

مکنده خو ن انسا ن هر فر یاد ی‌را میکوشند در گلو خفه کنند و هر خواست انسا نی را در نطفه بمیر انند ، چرا که‌اکنو ن دیگر مرد م جها ن هر گز فریب گر گ ها ی‌در لبا س گو سپند در آمده را نمـی خور ند ودیو اسا ر ت را در هـر جامه و لباسی باز می شنا سـند وبا آن می ستیز ند فا جعه بزرگ که به آرا می ره به سو ی‌محتو م شد ن می پیما ید ترا ژید ی عمیـق

فقر وگرسنگی است که عنکبو ت واز تاز می تند وده ها میلیـو ن انسا ن را در کا م خود میکشد .

گرسنگی و فقر خود پدیده‌است زاده مناسبا ت تو لید ی استثما ر گرانه وظالمانه، پدیده‌یی که‌فساد‌پرور است‌ بیماری زا واگربموقع‌جلو رشدآنگرفته نشود به‌زودی دامنگیر

تما م جوا معی خوا هد شد که از یکسو ناگزیر ند همه پسما نی‌های

آری چنین است که فقر وگر ـ سنگی در میا ن جوا مع عقب نگهدا‌ شته شده وزیر ضوا بط فر هنگ استثمار ی قرار گر فته جا ی با ز میکند ، هر روز و سعت میبا بد و نتیجه آن میشود در جها نی که هر روز عد ه یی از شد ت سیر ی‌میتر کند گرو هی از بی غذا یی بمیرند.

این است فاجعه یی که رنگی از تراژید ی دارد و هم مانند لکه یی سیاه بر دامن سپید ا نسا نـیت نشسته است .

* * *

برای ززدودن ا ین لکه سیاه پر پهنا ، آنگو نه که عد ه‌یی‌بر این باورند تنها پاره کرد ن زنجیرهای استثمار ی به وسیله ملت ها ی‌زیر استثمار کا فی نیست و فقطرسیدن به مر ز آزاد ی سیا سی و حتـی آزاد ی اقتصاد ی کا فی نمیبا شد بلکه باید طر قی را به کاو ش‌گرفت که ملت ها ی از بند رسته وجوامع از قید ضوابط خا ن سا لا ر ی‌آزاد شده بتوانند خود به مر ز خـود کفا یی تو لید ی، رسند و موادغذایی مورد نیاز جا معه را از منابع خود بدست آرند ویا اینکه مسئا له غذا در سطح جها نی دور از هرگونه وابسته گی سیا سی به بررسـی گرفته شود تا این عقید ت تا حد عمل و سست یا بد که افسـا ن فرزند زمین است و آنچه ما دردارد بی تبعیض میا ن فر زندا نش بـه تقسیم میا ید که تطبیق چنین‌اصلی حداقل در دورا ن ما دورا ن خو ن وآتش ملت ها ودورا نی که‌اقتصاد وسیاست اقتصاد ی رو ی کشـی همه‌ی مسایل دیگر ان دور مینما ید وگر نه هر گز در گوشه یی ازجهان هزارا ن تن مواد غذا یی به خا طر موجود نبود ن جا ی نگهدار ی به اقیا نوس ها ریخته نمیشد و آن هم در شرایطی که در گو شه ی دیگر جهان هر روز صد ها تن از گر ـ سنگی جا ن مید هند .

* * *

فقر و گرسنگی علیه آن به مبارزه بر خیزد و نگذا رد که فا جعه بیش از این پهنا یابد و مختوم گـرددو با اقدا ماتی به مو قـع وباشرکت کشور ها ی دا را و نا دار دیگـر اجازه ند هد هر سا ل ده ها هزار انسا ن در میا ن و فور نعمت ازفقر غذا یی بمیر ند و میلیو ن هاانسان دیگر از سو ء تغذی رنج بر ند و این معنا به خو بی از پیا م مد یر عمو می سازما ن مواد خورا که و زراعت جها ن که به منا سبـت نخستین سا لروز جها نی غذاصادر شده است ، خوانده میشود :

((..... روز جها نی غذا میتواند وبا ید هم طبق فیصله کنفرا نس سازما ن مواد خورا که وزرا عت جها ن که بر گزار ی ایـن روز را تو صیه کرده احسا س هم بستگی ملی و بین المللی را در مبارزه علیه سوء تغذی و فقر بر انگیزد نباید درین هم بستگی یك شعارمحضـر دیگر باشد ، بلکه باید با ادرا ك واضح تر همه طبقا ت از مفاد غیر قابل انکار متقابل شا ن در محـو فقر وگر سنگی اسا س گذار ی‌شود این هم بستگی باید در آن اشکا ل متضمن همکار ی تبارز یا بد که‌همه موانع را کـه سبب عـدم اشتراك انسا نها ی نا دار در پرو ســـ انکشا ف شا ن میشود ، از میا ن بر دارد .

روز جها نی غذا این مز یت را دارد که به طور سمبو لیك یادآور این اصل به همه ماست که خوراك مناسب هما نطور ی که زند گی حق اساسی هر انسا ن است‌حق‌اساسی بشر میباشد ، این دو حق باهمدگر کاملا مر تبط اند اما بدو ن احسا س همدر دی و تقدیر در برابر صد ها میلیو ن دهقا ن وکار گر زرا عتی که به سختی کار میکنند وخطرا ت مصایب طبیعی را که متوجه‌تولیدات غذایی است متقبل شده اند ، نمی توانیم این رابطه هـا را دقیقـ مطالعه کنیم .))



باقی ازشماره گذشته

جوانان وروابط خانوادگی

فا میل ام نیز به این امر را ضی
سدند برایشس گفتم که موا فقــم
هفته بعد آنها به خانه ماخواستگار
ر ستادند بعد از تشر یفات که‌در
سیار ی از فا میل ها و خانواد ه
ا معمو ل است ما با هم نا مز د
سدیم و سه ماه بعد از نا مزد ی
ردوا ج کردیم ، سالها ی او ل
ندگی خیلی خو شبخت بودیم .
نی پسس از سه سا ل آرا م آرام
سو هر م تغییر کرد نمیدانم علت
ن تغییر رو ش چه بود او که در
تدا مرد با پ رنسیپ وو قــــت
ناس بود در سا ل ها ی اخیـــر
سلا وقت و زمان معنی خو یـش‌را
رایشس از دست داد ه بود اگـــر
گفت که سا عت ششس بخا نه می
ـد، وتــا نیمه هـــای شـب
ومنزل بر نمی گشت ، این بـــی
و گرا می وو عده ه خلا فی تنهادر

این ها سا ختیم و ده ســـا ل از زندگی ما گذ شت و ما صا حبسه فرزند شدیم که د وی آ ن دختر و آخرین فر زند ما ن که یکسال‌قبل بدنیا آمد پسر است .

پسرم هنوز یکسالـه نشده بـــود کـه او یك روز با خلـــق وخو ی تنگ و با عصبانیت به من گفت‌که دیگر تحمل‌این زندگی را ندارد ، بهتر ا ین است کـه ازهـم جدا شو یم زیرا ز ندگی برایـم غیر قابل تحمل شد ه و دیگر نمی توانم با این شرایط ز ندگی کنم. برایشس گفتم که چه شد ه ، کدام موضوع باعث شد ه که اززندگـی از زن و از اولاد خود صرف نظر نمایی و به تمام مسوو لیت های پدر ی خو یشس پشت پا ز نی‌آیا فکر نمی کنی که با این تصمیـم زندگی خود و خانواد ه خود ر ا

باشم زند گی را گذ اشت و رفـت مدتی از او خبر نشدم تااینکه یك روز یکی از دوستا ن او را بادختری جوانی در سینما دید و این موضوع رابرایم گفت :

من چه میتوانستم بکنم ، آیـــا ازش طلاق خودرا می خواستم ،یا به همین شکل ادا مه میداد م ،اگر ازش طلاق می خواستم سرنوشت فر زندا ن ما چه میشد ، آنها چه گناهی داشتند که در آتش ما مـی سو ختند ، بهر تقدیر بود سو ختم وسا ختم ، دو دختر م که هریك هشت سا ل و ششس سال داشتند از من سراغ پدر شان را میگرفتند غیر اینکه من برای شا ن درو غ میگفتم چه کار ی میتوا نستم بکنم و چه کار ی از دستم سا خته‌بود .

آنها حق داشتند که پدر شا ن را ببینند و از محبت های اومستفید گردند آنها نیاز داشتند که پد ر شا ن با لا ی سر شا ن باشد ولی افسو س که آ ن مرد نا مهربا ن‌به تمام این‌چ یز ها پشت پا ه ز د ه زندگی آرا م خانواد گی اشـ را گذاشت و رفت پی هوا و هو س های خود من ما در سه فر زندبودم ولی آیا میتوانستم برای آنها پدر نیز باشم ؟

آنها از من پدر خودرا مــــــی خواستند وو قتی در بار ه پدر از من می پرسیدند برایم سخت ترین لحظا ت بود مشکل ترین یا سـخ بود نمیتوانستم برای همیشس دروغ بگویم و آنها را فریب دهم .

بهر تقد یر چند ما هی گذ شت وما بدون او ز ند گی کر د یــم‌تا اینکه یك رو ز به دفتر برایــــم خبر دادند که شو هر م در یکی از شفا خانه بستر است ، با عجلـه وسرا سیمگی ر فتم به شفا خانه‌او را در سرویس عا جل یا فتم با سر و رو ی شکسته و خون آلود.

پسس از پانسما ن و تداو ی به خانه آورد مشس ، به پرستا ر ی وی پر دا ختم بالا خر ه پسس ازیك

میکردم اصلا این غیبت
را برو ی خود نیا ور
گا هی میدید م که سخ
خود در جدا ل است
برایم گفت :
وخود را از نارا حت
که سخت آزار ش
برایم گفت که علت ای
روش چه بود ه و چرا
خوش خانواد گی خود
است .
ـبلی او گفت :
از مدتی به این طر
دو سال و بیشتر از دو
من با دختر ی آشنا شد
آشنا یی ظا هرا تصادف
است بگو یم در آ ن و
فکر میکرد م ،و لی حا
تمام این ها رو ی یك پ
قبلا طر ح شده بود .
چرا مرا بـاوجـود که
داشتم انتخا ب نمود ه
و تا امروز نیز از آ ن
بهر صور ت با تمام
خود دار ی که نمود م
دا م این دختر شیطا ن
افتا دم . او مرا به خا
زندگی مجلل داشتند وا
آن ثرو ت می بارید .
وسرخ را برایم نشا ن
آیند ه درخشا نی را پیش
آنها مــی گـفـتـنـد
ثـر و ت و خــو ش
برایم‌میسر و امکا ن پذ
با دختر شا ن ازدوا ج
گفتند کـه زنت را طلا
اولاد های خود بگذر ام
مقاو مت کرد م و زیر
وقتی آنها دانستند که
کنار آیند به من تهمت
دختر آنها را فریب داد
حالیکه قسم می خور م
حرکتی که دال به بی نا
یا بی نزا کتی باشد از
نز د ه و لی آنها دس
نبودند تااینکه‌مرا به‌این

ن نیز با تمام خو ش
که داشتم از هیچ نگاه
شتم فریب خورد م .
وا هم که دیگر بیشس
سر افکند ی مـــن
عذرت و پوزش مـی‌ـ

وبرا ی تمام جوانا ن که از خود زن‌و فر زند ی و زندگی خو شـــس خانواد گی دارند پیا م دار م واین پیام این است که از رو ی هوا و هوس های زود گذر ز ندگـــــی خانوا دگی خویش را تباه نسا زنـد وفریب ظواهر را نخور ند .

ر و فیت بکارهای سازنده ، اه‌رفتن جوانان جلوگیری میکند

نو جوانان قشرسازنده اند، هرگاه ایـن قشر ی ساز نده در خدمت باشد بدون تردیـــد ای برای رفتن بسوی از نیرو ی بزرگی بر‌ـ که هیچ نیرو یـــی ه واغواگر سد راه آن می تواند .

. نیست که‌آینده بدست جوانان می افتد، آینده با چهره نو ینش فرق این جوانان و نوجوانان گرداندن چرخها ی حتما عی جا معه بعهده ی گیرد . پس به هر انان امروز از نیرو ی و لیا قت و کفا یت



علاقه بکار عشق‌بوطن وهمنوع‌است

کامل بر خور دار باشند ، بـــدون تردید آنچه راکه در آینده بعهـــده ایشان گذاشته می شود و یا قرار می گیرد ، بدرستی انجام داده مـی توانند .

جوانان و نو جوانان اگر شا گرد اند و یا محصل و اگر در روستا ها بکار های تو لیدی اشتغال دارند ویا

بیشتر اوقات در افکار پوچ وواهی غرق می شوند ودر بستر خواب که باید بخوابند و تجدید انرژی ازدست رفته را باز یابند بانهم چرت می‌زنند وزندگی آینده را که هنوز نیامده در خیال از نظر می گذرانند بعضی از جوانان و نو جوانان اگر دختران‌اند ویا پسران ، آنقدر با صطلاح چر تی می شوند ودر رویا ها غرق‌می گردند که‌از مسیر اصلی زندگی جوا نی به بیراهه سوق می شوند و حتی‌دست باعتیاد میزنند و کار های بی ثمر دیگری را در پیش می گیر ند که‌چنین جوانان باید محتاط باشند تا معتاد بکار های نا درست و زیــــان آور نگردند .

دلهره و نگرا نی و سا عا تی را در وهم و خیالات بسر رسانیدن به همان اندازه برای جوانان زیان بار است که جبرانش‌کارساده ای نیست پس برای اینکه جوانان در آغـــاز جوانی ، زندگی شان زیان نبینند وراه رفتن شان بسوی افقهای روشن، دست خو ش پیچ‌و خم هایی نگردد باید هر جوان در اوقا ت درس ودر ساعات کار فقط متو جه آنچه باشد که می آموزد و یا انجام می دهد، در ساعات بعداز کار و ایام تعطیل‌باید جوانان مصروفیت های سازنده و کار های مثبتی‌را دنبال کنند و طبق تقسیم اوقات و بر نامه مطرو حه‌کار های خود را انجام دهند.

اگر جوانان بعداز وقت درس ویا در ساعات و روز های تعطیل مطالعه نما یند ، ورزش کنند و بالا خره مصرو فیت های سازنده دیگری‌برای خود پیدا کنند، از یکطرف از وقت استفاده نیکو می‌برند واز سوی دیگر فکر تقلید های نابجا ،کار هـــای نادرست دیگر و معتاد شدن به‌دود تنباکو و غیره در سر شان نمـــی آیـــد.

مسا له ازدواج و عا شق شدن‌و مو ضوعات مربوط به زندگی آینده‌هر جوان را ساعاتی بفکر و انـــد یشه فرو می برد ، اما باید گفت که‌ازدواج یک امر طبیعی است و افسانه عشاق



جوانان ساعات تعطیل رابه‌ورزش می گذرانند

کرده اندو یا از روایا تی که نسل با نسل از عاشق ومعشوق برای ما بجا مانده است و خوانده وشنیدایم که‌همه اش جز وقت را بهدرسپر ی کردن چیز دیگری‌نیست ولی طوریکه گفتیم مسالـــه ازدواج امر ی است طبیعی وگردن نه‌نهادن به آن سر‌ـ پیچی از رسم طبیعت است و ایـن چیزی است که کمتر اتفاق می افتد اما راه درست و معقول آنست که‌هر جوان آرزو مند که با شخص اید یال خود که توافق روحی داشته‌با شند ازدواج نماید زند گی سعاد تباری در قبال شان خوا هد آمد و لـــی عشق بوطن ، عشق به مردم، عشق به انسان و انسا نیت بالا تر ین‌و والاترین عشق ها ست که هر جوان باید بوطن، جامـعه و مـردم خـود عشق بورزد .

همانطوریکه امروز ما بادیـــروز فرق زیادی دارد فردای ما به مراتب از امروز بهتر و شگو فا نتر خواهد بود و این نو آوری واز خوب‌بخوبتر شتا فتن ، کار انسان های پو یـا است و جوانان با لنده که در زمینه نقش حساستری دارند و با ید هر جوان دانش آ مو ز ، هر نوجوان روستا یی که بکار های تو لید ی مصروف است و هر جوان دیگر که شغل رسمی دارد و یا خصوصی

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

امیدواری ماهیگیر

مرد ی کپی خا موش در لب رودخانه ا ی نشسته و تور ی ماهیگیری خود را در آب انداخته بوددوساعتی بدین ترتیب گذشت زنش سرا غ او آمد و گفت :

ـ عزیزم تاحال چند تا گرفته‌ای ؟

مرد سر ی تکان داد و گفت :

ـ اگر این یکی را که فعلا دورتور میچر خد بگیر م وبعد یکی‌دیگر میشود دوتا !



معلم صاحب بخدا راست میگویم‌این زاغ دروغ می‌گوید من به خانه هیچکسی را آزار نداده ام

خواندن آن سخت است

ریل به سر عت در حر کت بود.در یکی از اطا ق های کوچك ریــل



پدرجان : اگر مادرم هم دربین‌آنها میبود شما هم باآنها صحبت کنید

کم‌مانده‌بودبرنده‌شو

در جریا ن یك تمر ین پر تا ب‌فراشو ت از طیاره بازا ن از بخت بد رو ی یك‌درخت‌بلوط تنو مند فرود شاخه های انبوه آن گیر آمد . مدتی‌برای رها یی خود چون نتیجه ای نگر فت دهقا نی‌راکه‌در آن نزدیکی ب اوکمك خواست .

دهقان از شنید ن صدا ، زیــردرخت آمد وچو ن ا **دید باتعجب گفت :**

ـ او مرد ! در آن با لا چه کارمی‌کنی ؟

جترباز از آن بالا جوا بداد :

ـ **بد شا نسی** آورد م . چیز ی‌نمانده بود که در م شوم :

دهقان فکر ی کرد و گفت :

ـ حالا هم برنده شد ی ،چون‌این‌طور که من می بینم هستی که **بدو ن اینکه از در ختــی**‌بالا رفته باشی میـ پایین بیا یی !



وقت تشنگی آب جوی مینوشد

که تازه گاو مادهٔ ای
کرده بود یك روز صبح
سد که حال گاوش خوب
فو را بیطار را آورد
از معاینه گفت:
مهمی نیست . من دوایی
م که گاو شما باید روزی
سو پخوری از آن بخورد.
وز با پریشانی گفت :
گاوما قاشق سوپخوری
هر وقت تشنه باشد از سر
میخورد .



ن: برای تو قول می دهم
سی برای تو گفته غلط است
زیرا من سکرتر ندارم

ت آنرا خودم تعیین میکنم

را به اتهام قتلی محاکمه
محکوم کردند .
روز اجرای حکم فرارسید



واه پیراهن من به جان آن ....

فکر پدرانه

مربی ورزشی با یکی از دوستانش درد دل میکرد

ـ بلی ، واقعا بد روزگار ی شده است .

روز بر روز زندگی کردن سخت تر میشود برای اینکه پسر م بتواند در زندگی از خودش دفاع کند هفته دو بار به او تعلیم بوکس می دهم .

دوستش گفت :

فکر نمی کنم کار درستی باشد واگر با یك نفر قوی تر از خودش روبرو شد .

ـ فکر این را هم کرده ام . هفته ای دوبار هم به او تعلیم دو صدمتر دویدن را هم میدهم .



وقتیکه وزن بردار سرقهرشود



عزیزم عید تو هم مبارك !!

احتیاج به تامل ندارد

چنانکه می دانید مردم جزیره کرسی در اروپا به تنبلی شه
دارند واین حکایتی در این زمینه است .

دونفر دوست در آفتاب لمیده بودند و در باره کار کردن و
نکردن صحبت می کردند در این بین مردی که بسیار آهسته
قدم بر میداشت از مقابلشان گذشت یکی از آنها او را صد
و گفت :

ـ می خواستم سوالی از تو بکنم حاضر هستی در بندر گاه کار
مرد فکری کرد و گفت :

چه کاری ؟ شاید تخلیه کشتی ها ، ابدا حاضر نیستم چنین
بکنم شاید عقل خود را ازدست داده باشی ؟

ولی اجرت خوبی میدهند .روزی پنجاه فرانك .

ـ حاضر نیستم .

ـ اگر روزی صد فرانك بدهند چطور ؟

باز هم حاضر نیستم . نمی خواهم به این زودی جوانم
شوم .

ـ خوب، با روزی پنجصد فرانك چطور ؟

مرد چند لحظه به فکر فرو رفت وگفت این پیشنهاد احتیاج بق
تامل دارد . باشد . برای چند روز با این اجرت حاضرم .

آنوقت مردی که این پیشنهاد را کرده بود به طرف دو ست
گشت وگفت :

دیدی ؟ بخلاف آنچه می گویند مردم کرسی آدمهای تنبلی نی
فقط کسی دستمزد درست به آنها نمی دهد .



جواب به نامه های شما

پست

سلام علیکم خوانند گان وهمکاران
ریز :

به امید سلامتی عزیزان ، شروع میکنیم به
سخ نامه ها •

دوست عزیز حسنیه آزاد منش

همکار مهربان ما مینویسد : «اولتر ازهمه
لام پر حرارتم را به کار کنان مجله ژوندون
بم میدارم ودعامی دارم‌که صحتمند باشید
امید سلامتی تان میپردازم به اصل مطلب•
احساس علاقمندی بیش از حدبه شعرو
بات کشورم دارم و همین احساس فشرده
ت که مرا به شعر گفتن و امیدارد ونمیدانم
این ها (شعر های که فرستاده اند) شعر
ت یانه ؟ از شما خواهش میکنم که نخست
وادب را برایم تعریف کنید و آنگاه‌اولین
زبان دری را معرفی دارید و بگویید در
قرن میزیست ؟ به نظرشمامطالعه کدام
ب ها به شعر سرایی ام کمك میکند ؟••»

* * *

سلام صمیمانه به همکار ارجمند عر ض
که تعریف های گونانونی درباب شعر
• ابوعلی سینا میگوید :«شعر سخنی
خیال انگیزکه‌از اقوالی موزون و مساوی
ته شده باشد •» خواجه نصیر طوسی
سد : «صناعت شعری ملکه ای باشد ...
ق اسم شعر در عرف قدما برمعنی دیگر
است ودر عرف متاخران برمعنی دیگر
: ••• وآن این است که گویند شعر
است مخیل .

••در عرف‌متاخران کلام‌موزون مقفی (درنظر
) ،چه به حسب این عرف ، هر سخنی
وزنی و قافیتی باشد ، خواه آن سخن
ی باشد و خواه خطابی ، و خواه صادق
اه کاذب ••• آنرا شعر خواندو اگـــر
ن و قافیه خالی بود واگر چه مخیل‌بود
شعر نخوانند و اما قدما شعر کلام مخیل
ه اند واگر چه موزون حقیقی نبوده است
این تعریف که شعر کـلامی است مخیل
از آن تعریف دیگر ، که شعر کلام

بشمار آورد •• برای مزید اطلاع به شماره
•۲۳– ۲٤ • ژوندون مراجعه فرمایید و مضمون
«شعر نجوای انسان به انسان» را بخوانید که
بصورت جامع تعریفی از شعر وادب ارائه شده
است •

اما افزون بر همه بی انصافی است اگر در
باب شعر سخنان با ارزش مایا کوفسکی‌را،
برایتان نقل نکنم، او میگوید :

«• کار آموزی در کار شعر آن نیست که‌یاد
بگیریم چگونه نمونهٔ مشخص و محدودی از
آثار شعری تدارك ببینیم بلکه مطالعه و
بررسی وسایل همه جانبهٔ کار شاعری است،
مطالعهٔ روشهای عملی این صنعت است ، که
مارادر آفریدن روشهای دیگر مدد میکند •

•نو آوری در موارد و مصالح کار ، و نیز
در اسلوبها و روش ها برای هر کار شاعرانه
یی الزامی است •

•بیهوده است که کار خانهٔ بزرگ شعر
سازی بناء کنیم که آجر شعر بیرون دهد•
باید به سبکسر یهای غیر علاقلانهٔ شاعری
پایان داد باید وقتی قلم بدست بگیریـــم
که جز شعر وسیلهٔ تبیین وتشریح دیگـــری
نباشد •نباید به کار شاعری پرداخت جـز
هنگامیکه «سفارش‌اجتماعی» به وضوح احساس
شود •

• برای آنکه شاعرمفهوم سفارش اجتماعی
رابدرستی دریابد ، باید در مرکـز وقایـع و
رویداد ها باشد •

باید فرضیهٔ اقتصادی بداند ، زندگی واقعی
را بشناسد • در دید علمی تاریخ نفوذکند•
اینها برای شاعر ، در قسمت اساسی کارش
مهمتر از کتابهای حقیر قرون وسطایی اساتید
خیالپرست است‌که به افکارکهنه‌رنگ ابدیت
می‌بخشد •

•برای اینکه سفارش اجتماعی به بهترین
وجهی اجراء شود باید پیشتاز طبقهٔ خود بود،
باید با این طبقه بود ودر همه جبهات جنگید .
بایدافسانهٔ هنربی اعتنابه‌سیاست راریزریزکرد.

میتوان با تعریف و کیفیت شاعرانه مشکل
راحل کرد •

•واین را نیز بگوییم که وضع قواعد شعری
به خودی خود هدف شاعرانه یی نیست •»

وحالا میرسیم به نخستین شعر گوی زبان
دری • قدیمترین ناظم یا شاعر زبان دری•
یزیدبن مفرغ را میدانند که گویندهٔ همان‌شعر
معروف است که به غالب گمان آنرا خوانده‌اید:
اید :

آبست ونبیذست ـ وعصارات زبیب است ـ
وسمیه رو سپیذ است •

تاریخ سرود ن این شعر را به سال پنجاه
ویك هجری نسبت میدهند •

* * *

اما در باب شاعر شدن تان ؟ استعداد قابل
پرورشی دارید ، اما بسته به اختیار شماست
که چگونه از فکر و دماغ تان استفاده میکنید
وچگونه شعر میگویید ؟ کوتاه ترین راه که‌به
شعر گویی می انجامد ، طویلترین راهست
یعنی درس وسبق‌بگیرید، کتاب بسیاربخوانید
واشعار شاعران معاصر و متقدم را به نظــر
انتقادی بخوانید آنگاه ببیند شورو حالی برای
شعر گفتن دارید یانه ؟ این یك بهترین است
ولی شما چنین نکرده اید ، گویا کوتاه ترین
راه «شعر سازی» را بر گزیده اید • شعر
شاعری را گرفته اید وبا مقدار تغییر به زعم
خویش شعر سروده اید،هرگز چنین مباد • آن
شعر فرستاده شما کـه شاعرش شما هستید
از کس دیگر است و همین یك یادو شماره
پیش دعوای آنرا درجواب نامه‌ها خوانده ایدکه
انشا الله دست می‌گیربدوسنجیده قلم می‌زنید
وبه نظر ما کتابهای شعر شاعران معروف را
بخوانیدو همینگونه مسایل اجتماعی و فرهنگی
راااز دیده دور ندارید ••• موفـــق باشید•
انتظار نامهٔ تانرا داریم •

دوست بی نام

باسلام عرض شود که نامه یی تانرا گرفتیم
وبر خواندیم ، قصه همان قصهٔ معروف ، آدمی
مال واموال دیگری را ربوده استمنتهی باین

زاده طلبگاریم •

مجلهٔ ژوندون ، با داشتن
کشور ، مجله محبوب ویگانه ذ
ذوقی و خواندنی مردم ماست که
ذوقمندان آنرا ورق میزنند و م
نظر میگذرانند •

گاهی بنابرکنجکاوی وحصول‌آ
در جهان امـروزی چـه میگذ
ودستاورد آن چه خبری است ،
پنهای ادبیات ، هنر ، سیاست
مانند اینها چه ها میگذ رد چه
.وکدام ارمغان های بی بدیل برا
قرن • انسان پیشرو و کوشا
های خورد کنندهٔ اجتماعی ، اقتصاد
وتخنیکی پیش کش میکند . بای
بر داشت و مرور کرد •

مطالب منتشرهٔ مجلهٔ ژوندون آ
وسر گرم کننده است ، تازه اس
های مختلف . امابااابرازمعذرت قاب
است که که گاه گاهی‌مضمون و
است واقتباس ناجایز •

تکراری واقتباس ناجایز بدان
نشریه های‌دیگربااندك تغییردرکلما
از طرف نویسنده چهره دست در
تغییر) کلمات باز نویسی میکرد
مضمون که‌مغز وکیفیت‌اصلی راااز
وهم گاهی روح و جانش در زیر
قلم نویسنده ویا بهتر بگوییم نقل ک
دست ازدست رفته، بازبه حلیه طب
گشته وبخورد خوانند گان داده
وای بحال شان •

باکمال تاسف وتالم باید گفت
اشخاص هیچ زحمتی بخود رواند
جسته جسته مطالب ، پروگراف ه
صفحات کتب و نشریه ها را بیـرو
مینمایند و بدون کدام تضمین وتذ
مقاله در میاورند وباپر رویی که خا
است، نام‌مبارك‌شانرادر حاشیه‌آن با

قصه هما ن قصهٔ معرو ف . آد می ما ل و اموا ل دیگـــر ی راربوده است ...
... این چه بد کار یاست دزدید ن اموا ل فر هنگی کسی ....
گذ شته از همه ما یهٔ تا ســف در اینجا ست که در سر قت علمی یا ادبی شریکی نیز برا ی خـــودبتراشیم ....
. بار کج به منز ل نمی رسد و باگفتن حلوا دهن شیر ین نمیگردد..
منم پهلوا ن سر دیگ آش که قوم پشه را کنم پاش پاش ....
ـــــ وبالا خـره سخن بر سرسر قت است .

ن بگوش ، فریاد میزنند که منم
م شاعر و ... «منم پهلوان سردیك
وم پشه راکنم پاش پاش ».
ن کار این نویسنده ها بگونه یی
سربه و کتابی نو طبع شده را که
ست دیگران نرسیده بمجرد بدست
و صندوق محفوظ میدارند وآهسته
ك اندك از آن برون نویس نموده
، یکی را به رادیو ـ تلویزیون
به مجلات وروزنامه ها میفرستند .
در روزنامه یا مجله میخوانیم یااز
ج رادیو ـ تلویزیون میشنویم و
نه‌دادمیزنیم که حبذاچه نویسنده‌یی
. وچه بسیار ازاین نوع مقالت ها
وشنیدیم . نویسندهٔ هایش را
هرت و مسند محبوبیت تکیه دادیم
ِ شهرت دروغین لذت بردندومباهات
ی چند بنام حق الزحمه به جیـب

یکه منبع اصلی بدست دیگران
لو صاف شان از آب بیرون میشود
که آنها پوشالی بوده‌اند ، درمغز
نه واز باز مانده های دیگران تغذیه

، استادسخن وادب سعدی میفرماید:
پرورده پیر کهـــن
بیندیشد ، آنگه بگوید سخن
تـــا مـــل بگفتار دم
نکو گوی ، گردیر گویی چه غم
و آنگـــه برآور نفس
آن پیش بس‌کن که‌گویند بس
ی بهتر است از دواب
اب از توبه گر نگویی صواب

ه دیگر ، کسانیست مبتدی ونوکار
بودن ، شاعر و محقق شدن آرزوی
وبحق آرزوی نیکی است .

ت آنکه مبتدی اند ومایه واندوخته

بلی ایشان نه تنها به این عمل و عواقب طرز کارشان متوجه ساخته نمیشوند بلکه پاداشی بنام حق الزحمه دریافت مینمایند که مشوق خوب شان بچنین عمل خلاف وشیوه زشت وناپسند نیز میباشد . و درنتیجـه نـه نویسنده یی میشوند ونه محقق وپژو هشگری و«غوره یی که میخورند دندان شانرا کند میسازد »

از این قماش نویسنده اگر زیاد نـداریم کم هم نیستند . برای مثال در صفحه (۴۷) شمارهٔ (۲۵) سال (۱۳۶۰) مجلهٔ وزین ژوندون مقالهٔ زیر عنوان باخط درشت «عقده حقارت چیست ؟» نوشته حمیرا نگهت دستگیر زاده، بهمکاری دیپارتمنت روانشناسی پوهنځی تعلیم و تربیه طبع گردیده‌است . عنوان مقاله را می‌بینیم دلچسپ است ، خواندنی است وبالاخره مقاله ، علمی است ، واز همه مهمتر که تایید شده،دیپارتمنت روانشناسی پوهنځی تعلیم وتربیه پوهنتون کابل است ، که‌حتما ویقینا استادان چیز فهم و دانشمند دراین دیپارتمنت مشغول تدریس و تعلیم جوانان وطن اند ، که این موضوع خود براهمیت مقالهٔ متذکره میافزاید .

این نبشته از نگاه زبان و نـحوه بیان خـوب است با آنکه‌گاه‌گاهی ارتباط جملات وپروگراف ها خدشه دار بنظر میرسد و زمانی هم مفاهیم

نا مرتبط وپراگنده است .علت چیست و نقص کار در کجاست ؟

کسانیکه با مطبوعات همکاری دارند ویا نشرات را تعقیب مینمایند ، بگمان غالب‌بانام نویسنده محترم «عقدهٔ حقارت چیست؟» چندان آشنایی ندارند واز ایشان‌چیزهای دیگر مطالعه نفرموده اند .

شاید این اولین مقالهٔ محترم حمیرا نگهت دستگیر زاده آنها رابه‌تعجب وادارد وگمان‌برند که نویسنده، روانشناسی‌است درخور صلاحیت و باتجربه که تازه آستین بالا زده وتراوش‌های

مگر باز هم یك شاید دیگر ، که عده بهاین پندار خواهندبودکه نویسندهٔ « عقده حقارت چیست ؟» ژوندون ، دانش آموز رشته روا- نشناسی است .

که جزوه ها و یاد داشت های درسی اش را بصورت مقاله ترتیب نموده و یا محترمه استاد این رشته می باشد که مقالهٔ هذا از چکیده‌های علمی و تجارب شان در ز مینه است، ور نه اگر چنین نیست پس چگونه می تواندبود ؟

در پاسخ باید گفت که با نویسنده موصوف شناسایی قبلی ندارم ، ولی اینقدر می دانم‌که این مقالت از تجربه وفراورده های مغز حمیرا نگهت دستگیر زاده نبوده ونه در زمینه کدام تحقیق وتفحصی کـرده است . بلکـه عملش سرقتی است ما هرانه که همه آنرا بنام‌سرقت علمی وادبی می شناسیم .

باید عرض کرد یا خدا نا خواسته ، محترم نویسنده نمی داند نو شتن چیست ؟ و یـــا نویسنده کیست و چه مسوولیت های دا رد ویا اینکه دانسته تجا هل عارف نموده اند و یـــا پنداشته که دیگران در خواب غفلت اندوچیزی از این چیز ها نمی فهمند . بعقیدهٔ ما اشتباه مو صوف در همین جا است .

بر میگردیم به اصل مو ضوع که گفتـــم سرقت، سرقت علمی . این ادعـــا در محضر قضاوت خوانندگان لزوم شاهد و اثبات بـروی اسناد دارد . شاهد صادق و گویا کتابـــــی «روانشناسی برای همه » نوشتهٔ ادواردا سترکر، کنت آپل و جون آپل ، روانشنا سان امریکایی می باشد که تر جمه مشفق همدانی ا ست . چاپ‌پنجم باتجدیدنظرواضافات. منتشرهٔ بنگـاه مطبوعاتی صفیعلیشاه . آذرماه ۱۳۴۵ ، چاپخانه آفست مروی. اصل کتاب در ۳۳۳ صفحه‌بدون فهرست و مقدمهٔ مو لفان .

درد دل دراینجاست‌که به اصطلاح نویسنده محترم مقالهٔ « عقدهٔ حقارت چیست ؟ » مجلـه ژوندون‌مطالب‌رابصورت‌پراگنده وبعضایك صفحه کتاب‌متذکره‌رانقل‌کرده وبعداً آنهاراپشت‌سرهم

گذشته از همه مایه تاسف در اینجا ا
که در سرقت علمی یا ادبی شریکی نیز
خود بتراشیم چنانکه در این مقاله با دیپارت
روانشناسی پو هنځی تعلیم و تربیه پو ه
کابل چنان شده است . زیرا حمیرا دستگیر
به عمل خلاف مقرره ها و ضوابط ، نویسن
وعلمی خویش مهر تایید آن دانشکده‌را ز
است ، من نمی دانم که دیپار تمنت دانش
با او موافق است یانه ؟

صرف نظر از اینکه این چه ، وآن چه
باید یاد آور شوم که دستیازی به چنین ا
نه‌تنها باعث خرد و خمیر شدن مر تکبین
می‌گردد بلکه دست اندازی و بازی است
ووقار ادب ، علـم وفرهنگ کشور ونویس
هایش .

بی پیرایه سخن آ نکه اگر روزی نبشتـ
وتحقیقات چنین و یا اقتباس های چنان ب
مردمان اهل فهم خارج از کشور برسد، قض
آنها در حق ما چه خواهد بود ؟ وبرای ما و
آینده ، چه اعتباری بجا خوا هد گذا ش
درحالیکه ماافتخارات زیادی رانصیب بوده
بر سبیل مثال :

ابر مردان علم وادب و هنر و فر هنگ
مولانای بلخی ، ابن سینا، سنایی ، غزنو
جامی ، علیشیر نوایی و ...

ولی خواست زمان وتقاضای مردم از د
جویان علم و فر هنگ و قلم ز نان این
آنست تاعلم و فرهنگ را بازیچه نه انگا
واگر دل ما خواست وذوق نویسندگی به س
زد، بایست آثار معتبر را درزمیـنه هـ
مختلف و بخصوص را جع به فن نو یسند
وتحقیق ازین قبیل، خواند و مطـــالبی ا
به ذهن سپرد . تاباشد کار مطابق ا صول
باشد ، نه «کلوخ بگذار وازآب بگذر» .

بگفتهٔ کار نویسنده باید تخلیقی ویاب
وگونه زنبورعسل باشدکه‌برگلهامی نشیند
دوردست ها پرواز میکند ، موادی را جمع
می نماید و بعد ، شیره یا عصاره را ب

حافظ

و

نوایی

حافظ

شنیده ام سخن خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می کند که بتوان گفت
حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر
کنایتیست که از روز گار هجران گفت
نشان یار سفر کرده از که پرسم راست
که هر چه گفت برید صبا پریشان گفت
فغان از آن مه نا مهربان دشمن دوست
که ترك صحبت یاران خودچه آسان گفت
من و مقام رضا بعد ازین وجور رقیب
که دل بدرد تو خو کرد و ترك درمان گفت

نوایی

بیا که هاتف میخانه ، دوش پنهان گفت
بمن حکایتی ز سر می ، که نتوان گفت
چو گشت واقف از این حال ، پیر باده فروش
میم به تنبیه دادو بلطف واحسان گفت :
که ای ، گدای خرابات ، ناامید مباش
چرا ، که هاتف غیب آنچه بایدت آن گفت
از آن زمان که دلم، نشأ یافت از می عشق
بخویشتن همه دشوار دهر،آسان گفت
براه ، از سخن پیر دیر افتادم
که شیخ خانقه این نکته ها،دگر سان گفت
از آن ، به لاله دلم خون شده درونم سوخت
که درد خون دل و رنج داغ هجران گفت
حدیث بستن زنار و بت پرستی من
بخلق ، عاقبت آن شوخ نامسلمان گفت
چو دل ، ز زلف وی آشفته بود،از خاکش
هر آنچه پرسه نمودم ، همه پریشان گفت
کسی خلاص ز گرداب غم شدای فانی
که زیر دور فلك ترك اهل دوران گفت

حافظ

پیرانه سرم عشق جوانی بسرافتاد
وآن راز که در دل بنهفتم بدرافتاد
از راه نظر مرغ دلم گشت هوا گیر
ای دیده نگه کن که بدام که در افتاد
دردا که از آن آهوی مشکین سیه چشم
چون نافه بسی خون دلم درجگر افتاد
از ره گذر خاك سر کوی شما بود
هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد
مژگان تو تا تیغ جهانگیر بر آورد
بس کشتهٔ دل زنده که بر یکدیگر افتاد
بس تجربه کردیم درین دیر مکافات
با درد کشان هر که در افتاد برافتاد
گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگردد
با طینت اصلی چه کند بدگهر افتاد
حافظ که سر زلف بتان دستکشش بود
بس طرفه حریفیست کش اکنون بسر افتاد

نوایی

دیگر ز می کهنه ، خیالم بسر افتاد
خواهم ز سر نو بخرابات در افتاد
آلوده شد آن لب ، ز می لعل جگر گون
زین رشك ، چه خونها که مرا در جگر افتاد

حافظ

رخسار تـــرا رنگ گـــل‌نسرین داد
آ رام تواند بمن مسکین‌د ا د
گیسوی ترا رسم تطاول آ موخت
واند کر مش داد من غمگین‌دا د
انروز ز فر هـــاد طمـع ببریدم
ان دل شیدا بلب شیرین‌د ا د
زر گر نبـــود کنج قناعت‌با قیست
ان داد بشا هان بگدا یان‌این دا د
عـر و سیست جهان ازره صورت لیکن
پیو ست باو عمر خودش‌کاوین داد
زین دست من و دامن آن‌سروچمن
اکنون که صبا مژدهٔ فروردین داد
غصهٔ دو ران دل حـافظ‌خون شد
راق ر خت ای خواجـــه‌قوام الدین داد

نوایی

ه ، مغبچه ام ، جام مـی‌رنگین داد
م ، مژده پی بردن عقل ودین داد
سیدم ، می ر نگین چـــو زدستش فی الحال
شقش ، بهمه ر نج د لـم تسکین داد
سا ندم ، که د هد جام‌دگر جانش فدا
دم جان ، ز می لعل لب‌شیرین داد
شا هی ، چه عجب گرزنم‌اندر کونین
و جامم ، که چنان حـور پری آ یین داد
غ از، جلوه حسن‌گل ونسرینم کرد
ه رخسار تو را رنگ گل‌و نسریـن داد
رنگ ، خـــوش آیـد ، برخ همچو بهار
ه اکنون که ، صبا مژدهٔ فروردین داد »
خواست ، ز هجران دل‌فانی چه بلاست
الم ، که بگو ششش نرسدچند ین داد (۱)

حافظ

ترك فلك خوان رو زه غارت کرد
یـــد بدور قدح ا شارت کـــرد
روزه و حج قبول آنکس بـــرد
ک میکدهٔ عشق را زیارت کرد
صلی ما گوشهٔ خرابـــا تست

نوایی

بیا که لشکر دی : خیل سبزه غارت کرد
بسوی باده ز یخ ، شو شه هااشارت کرد
زباده جوی حرارت ، که ر فت‌آن آتش
بگرم رو یی خود ، د عـــوی‌حرارت کرد
بریم د فتر و سجاده ، بهر می‌سوی د یر
« که سود کرد ، هر آنکس که‌این تجارت کرد »
خوش آن کسیکه درین فصل ، توبه چون بشکست
گناه خو د بشکست خـــو دی‌کفارت کرد
شراب گشت بما ، باعث خرابی هـــا
خداش خیر د هاد ار چه پـــرشرارت کرد
هوای میکده ، عشرت فـــزاست‌باده فروش
مگر ، به آب می این خانه راعمارت کرد
زلوث زهد ریایی ، معا شری شد پاك
که بهر سجده ، با بریق مـی طهارت‌کرد
چو سر بکوه و بیا بان نهی ، دلی در یاب
که یافت حج قبول ، آنکه ایـن‌زیارت کرد
ز لفظ بگذرو معنی طلب کن، ای‌فـــا نی
که اهل معنی ابا ، ز آفت‌عبارت‌کرد

(۱)

حافظ

د ست در حلقهٔ آن زلف دو تانـتوان کرد
تکیه بر عهـــد تو و با د صبانتـــوان کرد
آنچـــه سعیست من اندر طلبت بنـــمایم
این قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد
دا من دو ست بصد خون د ل‌افتاد بدست
بفسو سی که‌کند خصم ر هـــا نتوان کرد
عا ر ضش را بمثل ماه فلك‌نتوان خواند
نسبت یار بهر بی سرو پـــانتوان کرد
سر و بالای من آ نگه که در آیدبسمـــاع
چه محل جا مـــهٔ جانرا که قبانتوان کرد
من جگویم که ترا ناز کی طبع‌ملول

بقیه صفحه ۱۰

غذا و اهمیت آن ...

بنابر آن تو جه مادرا ن گرا می را به نکا ت ذیل‌معطوف میداریم :

برای اینکه اطفا ل تا ن به‌کمبود ویتامین (دی) دچار نگر دند با ید آنها را در شعا ع آفتا ب قرار داد، هر گاه روزانه برای پنج الی سی دقیقه طفل را بر هنه آفتا ب د هیم مقدار لازم ویتامین دی د ر جـلـد بدنش ساخته میشود . ابر ، گرد وخاك لباس و شیشه و پنجره مانع جذب این ویتا مین در پو ست بدن میگردد . این ویتا مین در تخم مرغ مسکه ، شیر ، جگر وغیره مو جود است .

ویتامین ای :

کمبود این ویتا مین التهاب‌عضلی را بار می آورد که‌سبب نا توا نی وسستی عضلات بد ن می گردد . روغن پنبه دانه ، جوار ی ، کا هو وپوست نارنج مقدار کا فی ایـــن ویتا مین را در خود دارند همچنا ن در شیر ، مسکه ، گوشت ، تخم‌مرغ ورو غن ما هی نیز این ویتامیـــن موجود است .

ویتا مین کا :

که به اسم ویتا مین ضدخونریزی معرو ف است ودر عمل لخته شدن خون در مواقع خو نر یزی نقشـــ عمده را به عهده دارد . کمبود این ویتا مین سبب خو نر یز ی میگردد بر گها ی سبز نبا تا ت از منابع‌خوب آن بشمار میرود .

ویتامین (ب-۱) :

این ویتامین برا ی اشتها ی‌خوب تامین هضم طبعی، نشو ونمامقاو- مت بد ن ووظایف اعصا ب خیلی ضرور ی است کمبود آن‌سبب‌مرض (بر ی بری) می گردد . (این مرض عصبی ، زود عصبانی شـــد ن ، اختلال وظایف قلبی مانند ضربا ن قاب ، نفس گوتا هی ، ضعیفی وبی اشتها یی از امرا ض و علا یم عمده مرض است .)

منابع و یتامین بی -۱: شیر حبوبا ت ،مانند لوبیا ، نخود ،ماش می باشدکه از وقو ع مر ض (بری بری) جلوگیر ی کرده میتـــوا ند سبوس، گند م و حبوبا ت مـقدار کافی این ویتا مین‌را دارا بوده بنا ء خانواده ها ی گرا می هنگا م‌غلبیل آرد اگر سبو س آنرا دور نسا زند بهتراست

ویتا مین (ب- ۲)

کمبود این ویتا مین با عث‌سوزش چشم ، ریز ش اشك ضعیف شد ن دید تر کید ن گو شه لبها وافسردگی وگو شه گیر ی می گردد.

شیر ،تخم مرغ، گوشت ، جگر گرده ، ما هی ،از منابع مهم ایـــن ویتامین می باشد ، حبو با ت‌مانند لوبیا ، نخود ، ما ش ، فاسولیا و مغز یا ت غذا ها ی اند که مقدا ر کا فی این ویتا مین را در خوددارند.

ویتا مین . پپ یا نیا سین :

کمبود آن با عث مر ض پلگرامیشود که این مر ض از کلمه ایتا سیا یی گرفته شده که معنی آن پو ســت خشك و خشن‌می‌باشد .پلگرامرض

به خصو ص جگر است ما هی تخم مرغ سبزی ها ی مختلفه غله‌جا ت خصو صا گند م ،برنج مقدار کا فی ازین ویتا مین را درخود دارد .

ویتا مین بی شش :

تطبیق آن استفرا غات دوران حاملگی را بهبود میبخشد کمـبود آن سبب تشنج ، زود عصبا نی‌شدن کم خو نی ،وبی اشتهایی می‌گردد منابع ویتا مین بی شـشـــس زرد ی تخم مرغ ، گوشت ، به خصو ص جگر ، گرده ،ما هی ،شیر حبوبات مانند لوبیا ، نخود ، ما ش وغیره میباشد .

ویتامین اچ یا با یوتین:

از جمله ویتا مین ها ی منحل‌در آب بوده خورد ن زیاد و دوا مـدا ر تخم مر غ به صور ت خا م سبـب کمبود این ویتا مین در بد ن‌نمی‌گردد سفید ی تخم که دارا ی یك ما ده پرو تینو دست بـا بـا یوتین یکجا می گردد وآنرا از بد ن خار ج می سازد خوشبختا نه حرار ت سبب تخریب این ماده پرو تینی می‌گردد بناء نباید تخم مرغ به شکل خـام بلکه بهتر است بعد از پختن صرف شود . کمبود این ویتا مین باعث التها ب جلد ، کمخو نی ، بـــی اشتها یی ،دلبد ی ، ضعیفی ودرد های عضلی می گردد.

ویتا مین ب ۹ :

توقف نشوو نما ، کمخو نی و اسها ل از علایم کمبود این ویتا مین است منابع غنی آن بر گها ی‌نباتات خمیر مایه ، گل کر م ، جگر ، گرده گوشت کاو ، گند م ، وغیره است.

ویتا مین بی دوازده :

کمبود آن سبب کمخو نی‌خبیث ی گردد بهتر ین منبع آن جگر ، شیر ، تخم ، ما هی وغیره‌است .



کمبود مواد غذا
به‌چنین حالت در آ

علاوه برویتا می
نیز برای وجود م
پنداشته میشود ک
کلسیم وآهن دارا
میبا شند .

کلسیم :

برا ی تشکل
دندا ن ها ضرور
نسبت به کلان س
بیشتر احتیا ج دا
زنا ن حامله به م
ضرور ت دارند .

منابع غنی کلس
بر گها ی شلغم ،
آن ، ملی سرخك
لوبیا ، نخود وشیر
میباشد .

آهـــن :

برای ساختما

یل
در
سیه

نکه سو یکا هــــم
. فیل به چه درد ش

ر آو رد که حو یلی
ك است و او محلی
ی فیل ندارد، هنو ز
کله اش بیــــرو ن
کر کرد فیل هر رو ز
من کا ه احتیا ج دارد
تی که خوراکش‌کاه
نچه این حیوا ن‌لعنتی
اشد در این صور ت
ه اش کمتر از یــك
د بود .
که در این افکار غم
پا میزد به سو ی‌خانه
پشت سر او فیل که
ن داشت مو قرا نه‌و
نه قد م برمیداشت
نبا ل فیل میر فتند،
ر پاسخ او لین «آه »
نم سو یکا که بـــه
ن و لگرد ازشاهکار
ر شده و در ب‌منز ل
یکشید ،خر طو مش
د نیچکو ی بیچار ه
در برابر همه ی مردم
باز ی کند اما او بــا
فر صت منا سب با
، تو ضیح داد که از

ما ندنشس . در شهر او را نیچکو ی فیل لقب داد ه بودند و به مناسبت حما قت وبدبختی اش هزارا ن‌پرزه وداستا ن شا خدار برایشس سا خته بودند ، در خانه هم سو یکا کـــه نیچکو بالا خر ه مجبور شد ه بودبه وی اعترا ف کند که از پیه فیل هیچ نوع صابو نی تهیه نمیشود روحشس را سو هان میزد.

واما فیل مثل همه ی فیل هابود یعنی کار ی به کار مشا جرا ت‌خاــ نوادگی نداشت و مر تب خسارا تی را به اربا ب وارد میسا خت :

آنچه را که به چشمشس میخو رد می بلعید . تمام محو طه حو یلی را اشغا ل کرده بود به طور ی کـــه جایی برای عبور و جود نداشــت برگها ی درخت تو ت را کند ه و آنرا به شکل مر غ پرکند ه ی‌در آورده بود. نیچکو معمولا صابونهای خود راپشت‌بام‌کوتاه خانه‌اش خشك میکرد فیل‌این صابون هارا تکه‌تکه بر میداشت و آن را به سر بچه‌هایی میکو بید که از رو ی با م هااذیتشس میکردند .

یکروز نیز فیل مقدار ی فراوا ن آب را در خر طو مشس جمع کرد و آن را از راه‌پنجر ه به درو ن اتا ق همسا یه ریخت طور ی که همه تر شدند و خساراتی زیاد به بار آمد وهمسا یه نیز به اداره پو لیس شکایت کرد .

نیچکو ی بیچار ه دایم به ســـر میکو فت و خانم سویکا که بـــه وظا یف همسر ی خود آگا هی‌کامل داشت در این کار به او کمك‌میکرد یعنی او هم بامشت بەسرشوهرش میکوفت .

فیل را چه کند بفرو شد ، کسی آنرا نمی خرد ، هدیه کند ؟ حتی اداره مکتب هم حا ضر به قبو ل آن نشده بود، پس چه خاکــی بـــه سرش بریزد که از شر فیل را حت گردد ؟

روز ها و شب ها کار ش فکــر کرد ن بود تا اینکه تصمیم گر فت مینگرد روبرو یشس قرار دارند .

پو لیس به نیچکو اطلاع داد که فیل او تما م مزر عه ی دیکا ی‌نقاش رالگد ما ل کرد ه ، چهارخر من کاه «پرو»ی حلاج را در هم کو بید ه ، دوگوسپند « یــوتســا» صا حــب با غ انگو ر را کشته ، با م کا هی خانه یی را و یرا ن کرده‌وگاو میش های زارعی را چنان بــه و حشت انداخته که آنها به درو ن گودا لی افتاد ه و گار ی زار عی را خردکرده اند .

چشما ن نیچکو چو ن چشمــا ن کود کی خرد سا ل پر از اشـــك شد .

نزدیك ظهر خبر های درد نا ك تری به او رسید :

هفت نفر از او به عنوا ن فیل در محکمه شکایت کرد ه و ادعــــای پر داخت بیش ازپنجصد گروش‌رااز جانب او داشتند .

جای هیچ گو نه درنگ نبو د ، نیچکو به منظور اجتناب ازبدبختی های جدید ، پس از مشور ت با زنشس نزد و کیل مدافع رفت .

وکیل قبل از هر کار ی مبلــغ بیست گروش از نیچکو حق الوکاله گرفت و بعد به او مشور ه داد که اموالشس را هر چه زود تر بـــــه همسرش منتقل کند وبعد سویکــا فیل را از خانه خارج سا خته و خود نیز به شهر دیگر ی سفـــر کند .

را هنما یی مدبرانه یی بــود و نیچکو نیز به آن عمل کرد .

بعد از ظهر هفت فقر ه اخطار یه کوتا ه به او رسید که همه هــــم فوریت داشت و او را مـــو ظــف میساخت که سا عت هشت صبــح فر دا عاز م ادار ه‌پو لیس گردد .

اما بنا بر تو صیه و کیـــل مدافع به منظور ایجاد پیچیــــد گی بیشتر ، نیچکو به همراهی فیــل عاز م اداره پو لیس گردید ، د ر همین حا ل تمام اموا ل صا بو ن پز به همسر ش منتقل شده بود ، فیل را چه کند ؟

فرض کنیم صابو ن پز راتوقیف کند ، اما فیل را چکند ، آیا او را هم تو قیف کند ؟

اما این غیر ممکن است ، اولا به انداز ه کا فی پو لیس ندارد‌و د و ماه برا ی تو قیف فیل مجو زقانونی در دست نیست .

آن شب نیچکو ی صا بو ن پز با آنکه تو قیف بود خوا ب را حتی کرد اما پا یا نتوا نست لحظه یی بخوا بد ، تما م شب را مــــــی اندیشید خوب بالا خره با فیـــل چه کند ، چطور است آنرا به‌عنوان پیو ست دو سیه ی نیچکو ی‌صابون پز به محکمه بفر ستد ، اما مگر فیل را میتوان ضمیمه دوسیــــه نامید ، از طرف دیگر چگو نه پا کتی باید یافت که فیل با او راق مربوط درآن جای گیرد ؟بالاخره صبح راه حــل اساسی را یا فت و دست به کار اجرا ی آن شد :

او با زیر کی صور ت مجلســی تنظیم کرد و دو فقر ه پیو ســـت ضمیمه ی آن نمود ، پیو ســـت شمار ه یك شا مل هفت فقره‌شکایت علیه صابو ن پز و پیو ســـت دو م یك راس فیل بود، آقا ی‌پایا با حیله گر ی و موذ ی گر ی د ر یاد داشت خود متذکر گردید که اداره قو ما ندانــی دارای بیطــار است و به این تر تیب این بارگران را از خود ر فع کرد ه و آنرا بـــه گرد ن قو ما ندانی می انداخت .

آقا ی پایا می اند یشید :

«قو ما ندانی کار مندا ن زیا دی دارد و تا دو سیه دست به دست بگردد به امید خدا پیو ست‌شماره دوم خواهد مرد . »

و اکنو ن همه ی این دو سیه د ر بست به ایستا ی پو لیس‌محــو ل شده بود ، پس از حل این مشکــل آقا ی پایا نیز موفق شد ماننـــد نیچکو ی صابو ن پز خوا ب راحت وشیرینی بکند .

ایستا ی پو لیس معمو لادوسیه

...میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حک...

شرح نظریه‌های پروفیسور انیشتین در چند کلمه

پرو فیسور انیشتین عالم مشهورمحتاج به معر فی نیست . همه می دانند که کشفیات او درزمینه علم‌اساس بسیار ی از معلو مات‌بشر ی را متزلزل سا خته است . قصه‌شیرینی از او نقل می کنند که واقعا شنیدنی است :

جمعی از خانم ها بواسطه کثر ت‌انتشارا ت عجیبی که از احوا ل و اطوا ر انیشتین شنید ه بودند خیلی‌مایل بودند که باو ی هم صحبت بشو ند و مسا له بغرنج« نسبیت»را از خود او تو ضیح بگیرند .

یکروز خانم ها ازو ی سوا ل‌کردند آقا ی پرو فیسور ما را ا ز حقیقت کار خود بطور مختصرمستفیدساز ید و تو ضیح بدهید که بعد چهار م چه فضا یی دارد که ما آ ن‌را نمی فهمیم.

وی در جوا ب گفت :

«دونفر گدا روز ی در خیا با ن با هم دیگر قد م میزدند که یکی ا ز آنها کور و دیگر ی بینا بود . گدای بینا بکور گفت :

قریبا بد ه خوا هیم رسید و د ر آنجا برای ما دو سه کاسه دو غ‌سرد گوارا خواهند آورد .

کور گفت :

دوغ چیست ؟

چشمدار گفت :

مایعی است سفید رنگ

کور گفت :

مایع چیست و سفید یعنی چه ؟

چشمدار گفت :

راستی یاد م رفته بود که تو کور هستی و رنگ سفید را نمی دانی . سفید هما ن رنگ مرغا بی‌است .

کور گفت :

بلی میدانم رنگ چیست‌وشنیده‌ام که هر چیز ی در این عالم رنگی دارد لیکن مرغا بی چه شکل دارد .

بینا گفت :

ببخشید باز هم فرا موش کرد ه‌بود م که تو کور هستی . مر غا بی همان پرند ه ای است که دارای‌گردن‌کج و معو ج می باشد .

کور گفت :

نمیدانم کج و معوج چیست؟

بینا از این گفتگو حو صله اش‌سر آمده دست خودرا بسمت رفیق



شاعر بزرگی ۳۲ سال درز...

مسعود سعد سلمان که در زمان سلاطین غزنوی میزیس...
بزرگترین شعرای محبوب کشو رماست که اهل قلم و...
چنانکه علاوه بر آنکه بقول مولف«مجمع الفصحاء» در...
کمتر کسی بپایهٔ او رسیده لشکر کشیها نیز نموده و...
فتو حا ت عمد ه نصیبش گردیده است. گویند...
بود بزبان فارسی وعربی وهندی ودیوان فارسی او مش...
هزار بیت است .

سلطان ابراهیم غزنوی نسبت‌بوی سوظن پیدا نمود...
۵۷۱هـ او را در حصار نای محبوس‌ساخت ودوازده سال...
بود تا سلطان وفات یافت ووی‌ازنوروی آزادی دید ولی...
این آزادی دولت مستعجل بود وباز چندی بعد دو بار...
زندان انداختند . واین مرتبه بیست‌سال تمام درحبس ماند...
سی ودوسال در زندان بوده است . نباید تصور نمود ک...
مشهور و بزرگی بوده در زندان با او باحترام‌رفتار می...
حاشاکه چنین باشد و چنانکه‌خودش گفته است در گوشهٔ...
نای در بندو زنجیر بوده و مدام‌چندتن بر او پاسبان...
در همین باب گفته :

• در حبس و بند نیز ندارم‌استوار
تا گر د من‌نبا شد ده تن نگ...
هر ده نشسته بر درو دیوارسمج من
با یکدیگر دمادم گویند هر ز...
هین بر جهید زود که حلیت‌گری است او
کز آفتاب‌پل کند از سایه نر...
در هیچو قت بی شفقت‌نیست کوتوال
هر شب‌کنه‌زیاد به من برد و...
تا مرمراکه حلقهٔ بند است‌برد و پای
هست ین دودیده ازخون‌گویی دو ناودان
بندم چه باید آ هن کامروز مر مرا
بسته‌شود‌دوپای بیک تار ریس...

این شاعر بیچاره در حبس‌اشعارزیاد گفته وشاید دلنش...
آن اشعار همانا قطعاتی باشد که‌در شکایت‌از روز گار...

بود و خودش میگوید :
تنم ز سر مابفسردخون تـن
بگداخت باز ز آتش دل مغز استخوان »
همواره متوجه عظمت مقام و شان و منزلت خودبوده
همان زمانی که درگوشه‌زندان و دور از عالم و عالمیان
در زنجیر بود گفته است :

ه که شا عر یفحلم   دشوار سخن شد است آسا نم
شید ه عقل گفتار م   بردیده نها ده فضل دیوا نم
نر م نه فا خته مهر م   طو طی سخنم ؟ نه بلبل الحا نم
تم که‌در هنر بحـــر م   خالی‌نشوم که در ادب کا نم
ر دامنـــی فرو ریزم   گر آستینی ز طبع بفشا نـم »

جا ی دیگر فر موده:

و توا ن نحیف و زار م   گر آستینی زطبع بفشا نم»
که پژ مرده ام ز محنت   در عهد یکی تاز ه گلستا نم
خدا مه گهر ببــا ر م   و ز سنگ بپو لا د خو ن برانم »

شا عر بزرگوا رمستحق‌است که نا مش جاو دا ن بماند و
که خود ش گفته .

ت هنر های من‌بگیتی   هر چند من از دیده ها نهانم »

کجایی

یرو ی نظر باز کجا یی   امروز نیا یی بنظر باز کجا یـــی
روی تو اما‌ما گله دار م   نی روی نما یی و نه آوا ز کجا یی
دگر دلبر همرازندید م   وی دلبر وای همدم وهمرازکجایی
غم‌دید ماندوه وملا مت   ای همنفس ومونس‌و دمسازکجایی
نا له و بسیار بزا ر م   از دوریت ایماه فلك تاز کجا یـــی
م عاشق و دلباخته اما   دلداد م و در سوزم‌و درساز کجایی
قست جگر خونی‌وادبار   رسوا یی عشقست سرآغازکجایـــی
زعشق‌تومن زار بگریم   ای رشك مهٔ‌کشمیرو شیرازکجایی
، تو ناله کند زارفروزی   ای سر و سهی قا مت‌طنازکجایی

فروز ی پنجشیری

پندهای عبید زاکانی

ا نی که و فات او را درسنه ۷۷۲ هجر ی قمر ی نو شته
ی دارد به اســم «رساله‌صد پند » و پند های ذیل از آنجا
، بسته به فهم و ذو ق‌خوانند گانست‌که بپذیر ند.یانپذیر ند
جه ای که منار ه با شد‌وثاق میگیر ید تا از درد ســـــر
اوا ز ایمن باشید .
از بند نا م و ننگـــك برهانید تا آزا د توانید زیست .
مرد ی که دوز ن دارد‌آسا یشی و خوشدلی و بر کـــت

عبید زاکانی حکایات خوشی نیز دارد که برای تفریح خوانندگان
پاره از آنها را در اینجا مـــی‌آوریم .

ـحجی گو سفند مردم می دزدیدوگو شتش را صد قه می کرد . از
او پرسیدند که این چه معنی دارد .
گفت :
ثواب صد قه بابز دزدی برابرگردد و در میانه پیه و دنبه ش‌اضافه
باشد .

ـقزوینیی با سپر ی بزرگ به جنگ ر فته بود . از قلعه‌سنگی
برسرش زدند و بشکستند. برنجیدوگفت :
ای مردك ، کور ی ، سپر ی‌بدین‌بزرگی را نمی بینی وسنگ‌برسرمن
می زنی .

ـقزوینی را پسر در چاه افتا د. گفت جا ن بابا جا یی مرو تا مـن
بروم رسن بیا و رم و ترا بیرو ن کشم .

ـموذن بانگ می گفت ومی دوید پرسیدند چرا می دوی .
گفت می گویند آوا ز تو از دورخو شست ، می دوم تا آواز خود
را از دور بشنوم .

ـقزوینی خر گم کرده بود .گردشهر می گشت و شکر می گفت .
گفتند شکر چرا می کنی .
گفت :
از بر آنکه من بر خر ننشسته‌بودم و گر نه من نیز امروز چهار م
روز بودی که گم شده بود می.

ـخراسانی با نردبا ن به بـا غ‌دیگر ی می رفت تا میوه بدزدد .
صاحب باغ پرسید و گفت در با غ‌من چه کار داری .
گفت نردبا ن می فروشم .
گفت نردبا ن در با غ من‌میفروشی‌گفت نردبا ن از آ ن منست هر جا
که خواهم می فروشم .

ـقزوینی تبر ی داشت‌و هرشب‌در مخزن نها دی و در محکم‌ببستی
زنش پرسید چرا در مخز ن میکنی. گفت تا گر به نبرد .
گفت گر به تبر چه میکند .
گفت عجب ابلهی هستی . نـا ن‌خشك را که بیك جو نمی ارزد
میبرد ، آیا تبر ی را که به ده‌انبارخریده ام رها خواهدکرد ؟

ـبازرگانی زنی خوش صورت‌زهره نا م داشت . عزم سفر ی‌کرد.
از بهر او جامه ای سفید ساخت وکاسه ای از نیل به خا دم داد که
هر گاه ازین زن حر کتی ناشایست‌درو جود آید یك انگشت نیل‌بر جا مه
اوزن .
پس از مدتی خوا جه به خا د م‌نوشت :
چیزی نکند زهره که ننگی‌باشد   بر جا مهٔ او زنیل رنگی با شـــد
خادم به او نو شت :
گرز آمدن خوا جه درنگی با شد   چون باز آید زهره پلنگی با شد

ـشخصی خانه ای اجار ه کرد ه‌بود تیر های سقف بسیار صدا می
میکرد . بخدا و ند خانه از بهرمرمت‌آن سخن بگشاد .
پاسخ داد که چو ب های سقـف‌ذکر خداوند می کند .
گفت نیك است اما می ترسم‌منجر به سجود شود .

ـواعظی برسر منبر میگفت :

تتبع و نگارش‌از: دیپـلوم انجنیر دگرمن بها در شاه

احیای ملیتاریزم در جاپان

بشریت متر قی و جها ن صلح توسعه نظا می گر ی حکو مت‌جاپان وانحرا ف از تعهدا ت مندر جه‌قانون اساسی آنکشور در مورد ((جلو-گیر ی از جنگ منحیث وسیله حل کنندهٔ پرابلم ها ی جهانـــی)) در تشویش اند .

مردم زحمتکش جاپا ن در هنگام جنگ جهانی دوم ، سه ملیو ن‌کشته داده وشهر ها ی هیرو شیماوناگا-سا کی در اثر حمله ضد انسا نی اتمی امپر یالیزم امریکا به خـا ك یکسا ن گردید ، اکنو ن بار دگر می خواهد بنابر تقاضا ی کمپنی‌های جنگ طلب وانحصارات جنگ‌افروز ملیتا ریزم را احیاء نما یدتابدین-وسیله بر خلاف ماده نهم قا نو ن اساسی آنکشور به بهانهٔ ((د فا ع ازخود)) بانظا می ساختن حـیا ت اقتصاد ی آنکشور استثمار وبهره

محافل ارتجا عی ضمن تبلیغات نظا می تحت عنوا ن ((نبرد دربرابر کمو نیزم جهانی)) میکو شند توده های وسیع مرد م را طور ی تلقین نمایند تا امکانا ت نزدیك شد ن و متحد شد ن با ایا لات متحدهٔ امریکا وشئوونیز م چین فرا هم گـردیده ماهیت صلح آمیز قانو ن اساســی جاپا ن راتحر یف نمایند و قدر ت نام نهاد ((دفا ع از خود)) راتقویت بخشند .

باید یاد آور شد که احـــیا ی ملیتا ریزم در جاپا ن تقریبا بعداز جنگ جها نی دوم نخست به شکل پنها نی وبعد ا به صور ت آشکارا از طر ف عنا صر محا فظه کار و عظمت طلب مورد حما یت قرارگرفت وبعداطبق کمك ها ی ما لی وسخا-وتگرانهٔ (!) اتحاد یه های صنعتی نظا می که در وحله او ل مصرو ف اجرا ی فرمایشا ت نظا می امریکا بودند وبالاخره بنا م کمك واحیا ی قوا ی مسلح جاپا ن عر ض اندام نمودند .

اکنو ن تحت شرایط ایجاد خو ف وهرا س از طر ف واشنگـــتن و پیکنگ وعداو ت به مقابل اتحـاد

پرستی وملیتا ریستی ،((شجاعت سمورا ی)) فعا لیت مینما یند وبه تعداد کثیر ی کتب ونشرا ت که بیان کننده ((قهرمانی)) ها ی‌نظامی گران جاپا ن در زما ن جنگ دو م جهانی اند به چا پ میرســد و از طریق رسا نه های گرو هی مار ش ها وترانه های عسکر ی فرا موش شده پخش میگردد ورو ی صفحا ت تلویز یون فلم ها ی جنگی ظا هـر میگردد .

ماشین دولتی باز گشت بـــه ملیتاریزم را منحیث یك‌ضـــرور ت مبرم رشد وارتقا ی قوا ی مسلـح به حیث مدافع سیاست خار جی آن کشور به صور ت متواز ن بسطـح رشد اقتصاد ی کنو نی ارزیا بی‌می نمایند .

نشرا ت سا ل ۱۹۸۰ این کشور وظایف مبر م دو لت را طور آتـی تشریح می نماید : پیشبرد دیپلو - ماسی ((قارهٔ)) نه تنها به اسا س تحکیم قرار داد امنیت بین جاپا ن

با اجرا ی وظایف
فو ق محا فل حاکمهٔ
را به سو ی نظا میگ
ازپلان ها ی تجاوز
متحده امریکا در جه
طبق اطلاعیه روز نا
پست)) صدراعظم
تحکیم مناسبا ت را
پایهٔ سیاست خار
دانسته ویاد آور ش
صدراعظم سابق آن
هد ف آن تقو یت
است تحقق می بخش
ارقا م نشر شده
تعداد منسوبین قو ا
پولیس که درسا ل
نفر میرسید این رق
به ...۲۴۱ نفر و ع
احتیاط تحت جلب
همچنا ن در جاپا ن
نفر مر خصین در نی
((دفا ع ازخود))
موجود میبا شند .
متخصصین امور
بر آنست که امکا
نیرو ی نا م‌نهاد (
جاپا ن به مرا تب
سالها ی جنگ دو
وزمینه تزیید بیش
میسر است . باس
های سا ل ۱۹۷۲
شرایط شمو لیت
سنین هجده - بیس
ونیم ملیو ن نفر
افسرا ن وخرد ض
کشور تناسب نص
منسوبین اردو را
نیرو ی نام ن
جاپان در ختم سا
قطعا ت زمینی متش
در سیزده فر قه
و گرو پهای مست
هوایی هلیکوپتر ،
انجنیر ی و همچن
تامینا ت محاربو ی
در اختیار داشت

ی جاپا ن از ...۴۲
۱۷ کشتی های‌جنگی
ت حر بی تشکیل
قوا ی هوا یی آن
۳۵ طیارهٔ حر بی را
یش متمر کز سا خته

ها ن این وا قعیت
ا یند که به منظور
ی پنج سا له نظا می
۱۹ـ ۱۹۸٤ را احتوا
ن ...۱۳ ملیارد ین
لیارد دالر) را که
ف نظا می ده سال
ختصا ص داده است
لان پنجسا له تشکیل
تانك ویك لـوا ی
گردیده است . به
شبینی شده تجهیز
..۳ تا نك جد ید،
و بو س ذات الحرکه
زره پوش ، وسا یط
در حدود ..٤طیاره
جمله طـیا را ت
اف پانزده و چـهل
دنظر است .
تلاش ها ی‌مذبوحانه
وزا ن جاپا نی کافی
ید وار ی واشنگتن
قوا نین محدودکننده
نظا می تغییر نموده‌و
ستو ی و دیگر انواع
هم تجهیز میگردد .
ی مو ثر به صورت
ضا ی ها ی‌ایا لا ت
ر مورد ار تقای رول
مسا یل منطقه‌وقاره
. محا فل نظا مـی
ن پلان های مشترك

ومشخص پیشبرد عملیا ت نظا می منجمله عملیا ت تعر ضی راهنگـام ((حالات بحرانـی)) و اجـرا ی تطبیقا و مانور ها ی مشتر ك‌ترتیب وتنظیم مینما یند که در طی‌سالیان اخیر به همین‌منظور چند ین بار تطبیقا ت هوا یی و زمینی این دو کشور صور ت گرفته است .

قو ماندا نی قوا ی امریکاقطعا ت جاپان را در تطبیقا ت و در طـرح عملیا ت در منا طق دور تر ازسواـ حل جاپا ن جلب مینما ید تا بد ین وسیله اردو ی جاپا ن بتواند وظیفه ((ژاندارم منطقه وجها ن)) را به خوبی انجا م بدهد . هویدا ست‌که طی سالها ی اخیر نزدیك شـد ن جاپان را در تطبیـقات و در طـرح را به حیث وسیله تجا وز واشغا ل گر ی واشنگتن وپیکنگ مبـد ل نموده‌است که در مورد میتوا ن در موضع گیر ی محا فل سیاسی‌جاپان دراطرا ف جمهور ی دیمو کرا تیك افغانستا ن ومما لك جنو ب شر ق آسیا منجمله هند و چین مثـا ل آورد .

بتاسئی از اطلاعا ت پخش شده در مطبو عا ت جها ن در حا ل‌حاضر بیش از ۲۲۳. شر کـت وفابـرـ یکه جا پا ن به تو لیدات وسایل

راکه در قانو ن اساسی آنکشور از آن یاد شده تلاش دارند و باتولید کتلو ی آن قیمت ها را تنزیل مـی دهند . این محدود یت ها وتلا شـ های محافل حا کمه جاپان آنکشور را به حیث رقیب یکه تاز امریکادر جهان تبدیل نموده و امریکاراازینکه جاپا ن در مار کیت های جـها نی مقدار هنگفت عواید تجار تی‌نظامی را می بلعد محافل حا کم امریکـا وجهان سر ما یه دار ی‌رابه‌تشویش انداخته است چه در حا ل حا ضر نه‌تنها در سا حه نظا می بلکه در سکتور ها ی گونا گون اقتصاد ی تخنیکی وتجار تی جاپا ن به مراتب ازآنها پیشی گرفته است. محافـل حاکمه امریکا وارو پا ی غـر ب . خواها ن یك جاپا ن نیرو مند و لی مطیع به آنها میبا شد .

باوصف آنکه جاپا ن با عر ضـهٔ کرید ت های ما لی آرزو ی نزد یك شد ن با چین را دارد اما از ینکه در داخل چین او ضا ع طور لا ز م اسنقرار ندارد ، پیوسته درتشویش است . بنابرا ن جاپا ن به منظور حضور قوا ی نظا می امریکا وایجاد اتحادیهٔ اوقیانو س آرا م که کشور های امریکا ،کانادا ، اتر یش،زیلاند جدید واعضا ی انجمن جنو ب‌شرق آسیا به شمو ل حوزه ((آزین)) در آن عضو یت داشته با شند بـذل مسا عی می نماید . جاپا ن درپیما ن تازه ایجاد شده ، منافع بیشـتر مشا هده می نماید چه درحال‌حاضر در حدود هفتاد فیصد تجار ت‌خارجی اینکشور در حوزه آسیا یی اوقیاـ نوس آرا م صور ت میگیرد . لاز م به یاد آور ی است که جـاپا ن ٦٥ فیصد آهن ، پنجاه فیصد فلزا ت رنکه ، کلیه حوایج رابرطبیعی‌هفتاد فیصد محصو لا ت جنگی ، نـود فیصد پشم ، بیشتر از پنجاه فیصد گوشت وتقریبا کلیه حوا یج گندم ونفت ویورا نیم خویش را هم از همین منطقه بدست میاورد .

پیما ن او قیا نو س آرا م ، به حیث حلقه ارتبا طی سیستم‌قاروی باپیما ن ها ی تجا وز گر نا تـو ایفا ی وظیفه خوا هند کرد .

در آغا ز سا ل .۱۹۸ برخلا ف مواد صریح در قا نـون ا ساسـی جاپا ن ، مانور ها و تطبیقا ت‌نظامی باشتراك قوا ی مسلح کشور ها ی امریکا، کانادا، اتریش،زیلاند جدید در حوزه او قیا نو س آرا م بفواصل هزارا ن کیلو متر دور تر ازسواحل آنکشور براه انداختند .

هد ف این همه فعا لیت هـا ی نظا می واحیا ی ملیتا ریز م درجاپان جبهه گیر ی وسیع علیه کشورهای سو سیا لیستی ، ایجـا د تشنـج در منطقه وجها ن میبا شد .

اما اکنو ن مردم جاپا ن که زهر فاجعه فرا مو ش نا شد نی هیروـ شیما ونا گا سا کی را چشیده اند همراه باسا یر کشور ها ی آسیایی هر گز حا ضر نیستند تا حـو زه



بشر در آینده از کدام منابع انرژی استفاده خواهد کرد؟

اما سعی بیشتر در دستگاه‌های سیستم سایکل بسته مبذو ل شده است .

تا حا ل در طر ح واصلاح اقتصادی وتخنیکی دستگاه ها ی(   ) کمتر پیشر فت وجود دارد ، زیرابا وصف آنکه مواد محرو قا تی‌درآن به مصر ف نمی رسد اما مصار ف هنگفتی برای وسا یل وسا ما ن آن وجود دارد . صر ف نظر از ین مصار ف ، اهمیت این دستگاه ها در آنست که در اثر این عملیه آب صا ف وتازه بد ست می آید

دستگاه های (   )امکان دارد در رواقها ی بحر ی ویا زمین ابحار در حا ل شنا قرار گیرد ،نصب دستگاه های اخیر آن امکا ن دارد در جنرا تور کو چك مسا عدباشد که مشکلات انجنیر ی ومصار ف‌آن به صور ت قابل ملاحظه کمتر‌خواهد بود ، مشکلا ت بزرگ محیطی از ناحیه دستگاه ها ی (   ) متصور نیست اما مفید یت آن ازین لحا ظ است که سطح آب بحر را قابل استفاده حیا تی می‌سازد .

قوهٔ امواج بحر ی :

امواج بحر در اثر وزش باد به وجود می آید والبته آنهم به نو به شناور در بحر تامین مینما یند .

پرابلمها ی انجنیر ی استفاد ه از انر ژی امواج بحر هنوز هم انجنیر ها رابه مبارزه می طلبد تا طرق اقتصاد ی بهره بر دار ی لااقل قسمتی از ین نیرورا دریابند.

بنابر همین قیمت گزا ف و مصار ف هنگفت آنست که زمینهٔ استفاده انر ژی از امواج بحرالی سا ل ...۲ میلادی مسا عد شده نخوا هد توانست مگر آنکه انکشافات خار ق‌العاده درین راه صور ت بگیرد .

یکی از فواید چشم گیر انر ژ ی امواج بحر آن خوا هد بود که‌این دستگاه به حیث‌دستگاه شکنندهٔ امواج بحر به سطح بحر آرامش نسبی بوجود خوا هد آورد و در نتیجه عد م موجود یت امواج قوی از تخریبا ت وفر سا یش سا حلی خواهد کاست وباین ترتیب‌تخریبات ساحلی تحت کنترو ل خوا هدآمد.

انرژی قوه‌آبی :

انرژی ییکه از قوه محر که آب بدست می آید یکی از منابع او لی بشمار میرود که انسا ن ها به پیمانهٔ وسیع از آن استفاده کرده‌اند تاریخ استعما ل چر خها ی آبی آبی سر عت گر فت وقوه بر ق آبی درسا ل ۱۹۲۵ چهل فیصد انرژی الکترو نیکی جهان را تامین نمود. از آن تاریخ به بعد تاحا ل قو ه‌برق آبی جها ن پانزده برابر انکشا ف یافته امابر عکس سهم قوهٔ برق آبی درمار کیت جها نی به مقا یسه‌دیگر منابع به بیست‌و سه فیصد کا هش یافته است .

استحصا ل‌انر ژی بر ق آبی اغلبا با جر یا ن آب در یاهای‌بزرگ جهان مر تبط بوده جا ها ی دیگر نیز میتواند ، زیرا است آب‌وفا صله ییکه آ متعلق است ، ازین آبی در مسیر بعض ها در نوا حی کوهس چشمه آن نیز بد س

متاسفانه اندازهٔ ز

آبی بدو ن آنکه مو واقع گردد باجر یا

بایسکل وسیله خوبی برای سیا

بیش از شش سا ل میشود که او در حا ل سفر است . در ین‌مدت چرخها ی بایسکل او بیش از صد هزار کیلو متر را در بیش ازهشتاد کشور جها ن پیموده است . او هنوز هم یك سفر چهار سا له‌دیگر رادر پیشرو دارد .

جا ی موندا ل سفر بیسا بقه دور جها ن خود را در ماه دسمبر سال ۱۹۷٤ که هنوز بیست و یك سا ل عمر دا شت از کلکته آغا ز کرد . او در هژده ماه او ل سفر ش سر زمین ابا یی اش (هندوستا ن) را عبور کرده و در شش ماه بعد ان شهر بمبئی‌بستر با تصمیم او خدشه نا شفاء کامل سفر ش کرد . او برای مد ت سا ل در سرکها ی افریقا ، اروپا والمپی یسکل راند .

سفر دور دنیا ای از چند ین جها ت‌مش ناممکن مینما ید . م موندا ل تما می مشک گردیده بود .

ضروریا ت مادی سازما ن عا مهٔ محص هندوستا ن تدار ك بود . تکتها ی رایگا

رد . در حا لیکه‌مما لـك
ریبا با داشتن سی‌فیصد
ه بر ق آبی جها ن قسمت
ی آبی را استحصا ل‌کرده
برند ، اما مما لك روبه‌ـ
سیار کمتر از ین رقم
ادر اختیار دارند .

ج انکشا ف امروز ی ،
تین وافریقا تنها ازشش
فیصد بر قآبی را ازقوه
ی مسا عد یکه برا ی
است بد ست می آورند.
۱۹۳۰ با ینطر ف بـا
در مسیر دریا ی‌ولگادر
ری و بند دره تینسی‌در
ده امریکا تو جه ازاعمار
کو چك که در بین‌سا‌ـ
ستا نی مو قعیت داشت
ه های بز رگ بر قو
در سا حا ت پا یینی و
دریا ها معطو ف‌گردید
حدود یکصد دستگـا ه
ی آبی با ظر فیت‌متجاوز

ـا و ا ت د ر جـهان
. تـا ثیر ایـن بنـد
حیط طبیعی از لـحا ظ
ر پایینی دریا از لحاظ
لو جیکی (حیاتی) و
ا عی نظر به دستگا ه
خیلی ها بزرگتروپیچیده
بنابر ین علت،ارزیابـی
طبیعی قیمت تما م شد
لیل منا فع بعد ی آن
حلهٔ او لی پروژه های
ق آبی با یست‌گنجا‌ـ

ار تی زمین :

ز انر ژی حرار تی‌زمین
هن وقد یمـه دارد ،
مه شده استحما م در
م معد نی از قد یمترین
ف روا ج داشت ، اما
ز همین قرن سعـــی
انر ژی حرار تی زمین
ی را استحصا ل‌نمایند

حا ل انتشار است . حرار ت‌مرکز زمین که بیش از هزار در جه سانتی گرید است یك منبع مهم قا بـل تجدید دایمی انر ژی حرار تی بـه حساب می آید ، بلند ترین‌درجـه حرار ت از ین منابع در جا ها ی سرا غ ودستیا ت شده میتوا ندکه دارای مشخصا ت زلز له ویا فعالیت های آتشفشا نی باشد .

انر ژی حرار تی زمین بدوشکل وجود دارد : انر ژی حرار تی‌دارای گرمای بیشتر وانر ژی حرار تـی دارا ی گرما ی کمتر . به منظو ر آنکه این منابع حار تی در اختیار انسان درآید به عملیهٔ احسا ســی ضرورت می‌شود که منبع حرار تی زمین به شکل کنترو ل شده و به مقدار زیاد در سطح زمین انتقا ل داده شود .

این موضو ع مفهو می را مـــی رساند که از یکطر ف انر ژی‌منابع حرار تی زمین توسط برمه کار ی‌به سطح زمین رهنمایی گردد وازجانب دیگر توسط ترانسفر مر های‌حرارتی مایع بدیگر جاها انتقا ل داده شود البته استفاده از ین منابع مستلزم مصارف‌نسبتاگزاف میباشدکه‌دربرمه کار ی آن صور ت میگیرد ، وتـا اندازه دارا ی زیا ن هم میبا شد ، زیرا مثل تفحصا ت پطرو ل دریافت ومطالعهٔ آن هنو ز هم مصار فـزیاد را ایجا ب میکند تا مو قعیت آن به خوبی تثبیت شده بتواند .

انر ژی حرا ر تی زمین را میتوان به صور ت مستقیم در صنا یـع ودستگاه ها ی تجار تی به کاربرد ویا اگر حرار ت آن به قدر کا فی زیاد باشد ، در ماشین ها ی مولد بر ق از آن نیز استفاده به عمــل آورد . این نو ع انر ژی را میتوا ن به حیث انر ژی مستقیم میخا نیکی در قوا ی محر که به کار انداخت . زیرا انتقا ل آن به شکل ما یع بجا

های دور دارا ی قیمت تما م‌شد
زیاد بوده بنابرا ن استفاده ازانر
حرار تی در جا ها ی محدود ومس
ی باشد که این منبع حرار تی
آنجا ها بدست می آید .

استحصا ل انر ژی از ین منب
دارا ی مفید یت محیطی است ز
تما م سا یکل محرو قا تی در
محل متمرکز می با شد ، وجـ
منفی محیط طبیعی از لحا ظاستحص

انر ژی حرار تی عبار تند از امک
فرو رفتن قشر زمین در نتیجـ
جریا ن از ذخا یر حرا ر تی‌وآلود
هوا و آب .

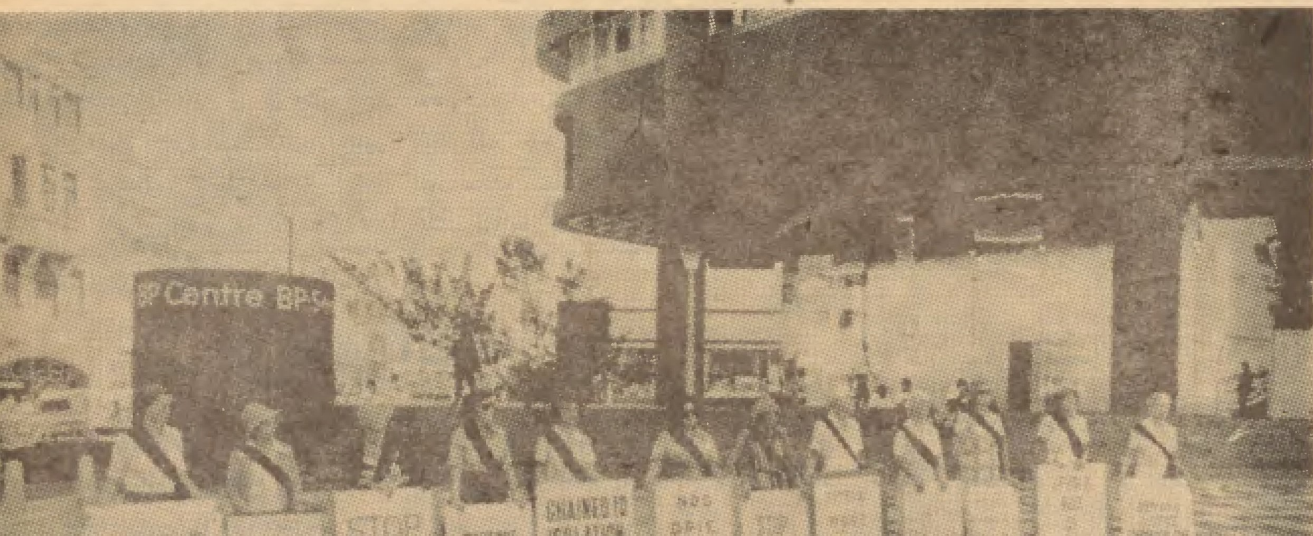
انر ژی کتله ها ی حیه :

کتله های حیه به آن نو ع مو
نباتی و حیوانی اطلاق میگردد ک
در اثر عملیه بیو لو جیکی و یا حر
رت کمیا و ی مواد مذکور به انر

بقیه در صفحه ۵۱

اپارتاید یك جنایت علیه بشریت

اپارتاید ترکیبی از صد ها قوانینی است که نقش اقلیت سفید پوست را در افریقای جنوبی در جهت تبعیض ، بهره‌کشی وترور اکثریت وسیع مردمان افریقا ـ آسیا ونژاد های مختلط جایز می شمارد ، در تحث قانون اپارتاید ، نژادپرستان در قانون محفوظ داشته شده انـد واز هرگونه باز خواست قانونی کاملا مصئـون ودرامان اند باوجود این هم انتقادات علیـه اپارتاید روبه افزایش می باشد . تظاهرات ، اعتصابات وآشوب های داخلی وفشار هـای سیاسی ازخارج بالای نژاد پرستان جریان‌دا
در سال ۱۹۷٦ که در ملل متحد روش تبعیض
اقلیت سفید پوست در افریقای جنوبی به‌اتفا
آراء محکوم گردید هیچیك از کشور های جه
آنرا به رسمیت نشناخته اند .



بقیه صفحه ۱۸

جنبش دموکراتیک

رساله است که زندگی زن را در کشور
ها بااتکا به حقایق واسناد وار قام‌ارائه
هد درین مقاله خوا ننده بازندگی ز نان
حادشوروی آشنا می شود ، می‌نگرد که
سر زمین چگونه استعداد های زنان‌شگفته
سود . با صمیمیت همدوش مردان کار می‌-
در سازندگی و پیشرفت جامعه‌ی شان
می گیرند . به او جی از افتخار، شهرت
ر دست می یابند . در سر زمین شوراها
ن زن به آزادی تمام رسیده حق شر کت
همه‌ی‌امور زندگی را دارد . چون از قید و
هاواسارت اقتصادی خانوادگی ر هایی یافته
تواند با آ زادگی کار کند . در اتحادشوروی
ن در همه‌ی رشته های علمی ، فر هنگی،
صادی و سیاسی شرکت می جوید ازهمه‌ی
ق و مزایا بر خور دار است. دیگر ا ین
نی را ندارد که آینده او وکودکش‌چه‌خواهد
. باطمینان و آسایش خاطر در ساختمان
مه‌ی مترقی سهم می گیرد . این مقاله جنبهٔ
وماتی واطلاعاتی فراوان دارد و خواننده را
راه آ شنایی با نحوه زندگی ، کار وحقوق
ن اتحاد شوروی آ شنا می سازد .

درین رساله « و ضع زنان» در کشور های
مایه داری نیز مورد مطالعه قرار گرفته
ن بخش می تواند مقایسه‌ای باشد بااوضاع
گی زنان در کشور های غیر سر مایه داری،
کشور های طراز سر مایه داری آن گونه‌که
ه‌ی ا متیازات وامکانات در دسترس مشتی از
ه‌کشان و مالکان بزرگ متمر کز گشته و
وه کثیری از مردم در فقر، بیکاری‌وگرسنگی
ر می برند . زندگی زنان نیز دستخوش
وهی‌ازمالکان وکارخانه‌داران بهره‌کش است.
کشور های سرمایه داری زن از عادی ترین
بیعی ترین حقوق محروم است . درین کشور
برای زنان اندکترین امنیت وآسایش فراهم
ست . اگر برای این گروه در ادارات و کار

خانه ها کاری می‌دهند ، ازنیرو وتوان او به صورت استثمارگرانه‌ای استفاده می نمایند . زن در کشور هایی ازین گونه مورد تو هین قرارمی‌گیرد . حقوق او لگد مال می شود. باوا برخوردی کامجویانه می شود واین می توان فاجعه‌ای باشد که کشور های امپر یالیستی پدید می آورند . درین کشور ها ز نان برای آنکه به زندگی ادامه د هد مجبور به‌این می‌-شود که به خود فروشی تن اندر دهد . و مسوول همه‌ی این نا هنجاری ها نظام های ارتجاعی و بیدادگر است. « سهم زنان د ر مبارزات آزادی بخش ملی خلق های کشورهای نوبه استقلال رسیده » نام مقاله‌ی دیگر این کتاب است که مبارزات بی امان ز نان را در حصول آ زادی های شان می رساند . د رین مقاله نشان داده می شود که زنان این کشورها بیدار شده اند . فریاد آزادی خواهی بلندکرده نیرو های خویش را متشکل نموده اند و علیه نهاد های ار تجاعی ونظام های ضد انسا نی اعتراض دارند. در آخرین بخش کتاب اهداف ووظایف ساز مان دمو کراتیك ز نان‌افغانستان مورد مطالعه قرار گرفته است و نگا هی‌به فعالیت ها کوشش های این ساز مان در امر بیداری شعور سیاسی ز نان افغانستان‌وتشکل وهمبستگی افگنده که برای خواننده می تواند بسیاری از حقایق را در رابطه بافعالیت های سازنده‌ی این ساز مان روشن سازد .

هفته نامه ژوندون این مجله خانواده ها در حالیکه مطالعه این اثر مفید وارزشمند را به‌همه رفقاوزنان این مرزوبوم توصیه می‌کند به‌زنانیکه در نشر این اثر همکاری همه جانبه داشته اند پیروزی مزید می خواهد وهم به مؤلف این‌اثر محترمه نیلوفر که‌کاربزرگی رابرای زنان ما انجام داده است طالب نیروی بیشتر وبهتر در امور محوله است به امید پیروزی های هر چه بیشتر سازمان دموکراتیك زنان افغانستان .

بقیه صفحه ۴۳

فیل در...

هما ن جمعیتی که در مرا سم لیلام شر کت کرد ه و سپس نیچکو ی صابو ن پز را تا پشت‌در زندان مشا یعت کرده بود اکنون به دنبا ل ویستا ی پو لیس که . دوسیه یی زیر بغل و طنا بی‌دردست داشت به راه افتاد ه بود .

به هر حا ل مسا له اینکه‌بالاخره دوسیه به چه شکلی بــه ادار ه قو ماندانی رسیدمهم نیست ، آنچه که اهمیت دارد این است که‌دوسیه واقعا ارسال شد، قلب پا یا آرا م گر فت ، نیچکو ی صابو ن پز توانست . نفس را حتی بکشدو خانم سو یکا نیز را حت شد زیر ا نیچکو و قتی هنوز تو قیف بو د تلگرا می به و ی فرستا ده بودکه : نجا ت یا فتیم زود حر کت کن .

اینکه نیچکو ی صابو ن پـز ا ز دست فیل عا جز شد و پایا نیز به همان بدبختی دچا ر گردید واکنو ن نوبت به اداره قو ماندانی رسیـد ه

است همه نصف‌بدبختی ب
آید . و این ماجرا را چگو
پایا ن رسا نم ، طبیعی اس
توانستم فیل را از یك اد
اداره دیگر سر گر دا ن
بالا خر ه نیز و ی را به ا
رسانم و لی این چار ه اس
نیست وبایدکار دوسیه‌ف
چطور است فیل را به خ
تحویل دهم تا هر چه میخ
باآ ن بکنند : اما ...

زمانی که با این افکا
کشید م و شبها ی متوا
به چشمانم راه نمی یافت
غیر قابل تصور ی رخداد
آرا مش از دست ر فته
باز گردانید میدانید چه ا
افتاد ؟ تمام اورا ق با ض
آرشیف های قو ماندانی

این آرشیف ها چه د
بزرگ و کو چکی را که
موجودیت خودنبلعید ه ا
این به هیچ و جه جا ی
نیست که فیل یعنی مع
ضمیمه هانیز با اورا ق
آرشیف ها مفقود شده ب

بقیه صفحه ۱۵

من هم یک ...

مارتین تیزس دوکتورای خودرا درسال۱۹۵۵
تمیل کرد . اثر مذکور پنجماه بعد قبول‌شد

داکتر در جواب گفت بامید اینکه مساعی وجدانی ما این خاك را اصلاح کند ایستاده خواهم ماند .

بقیه صفحه ۱۳

گردهم آیی

تر تیب کو پرا تیف هــای استهلا کی نیز هریك نقشــی از همین گو نه دارند .

رئیس مواد نفتی و شکر :

برای استقرار قیم و جلو گیری از صعود قیمت ها در بازار و هم چنین پیشگیر ی از کم شــد ن عرضه مواد ضرور ی در برا بر تقاضا ی‌دو لت ضرر های فراوا نی را قبو ل میکند چنانکه مــوا د نفتی که به و سیله دو لت‌دراختیار سکتور های دو لتی و خصو صــی قرارمیگیرد قیمت آ ن در حــد

احصا ئیه ها ی بود
نشا ن میدهد که سا لا
صر ف از بابت فرو ش
نفتی و شکر چهار میلی
ضرر را قبو ل دار میگر
که با تو جه به امکانا
دولت ر قم هنگفتی به
واگر ضرر دو لت را با
دیگر اقلام مورد نیاز مر
وسیله کو پرا تیف ما

...فحه ۴۹

...در آینده ..

.. کتله های حیه اکنو ن
صد انر ژی مورد نیا ز
تشکیل مید هـــد . در
ستا یی مما لك‌روبانکشاف
ونیم حصه نفو ســـس
ن جا ها امرار حیات‌دارد
ع انرژ ی منبع بـزرگـك
سوب می گـردد. دریـن
د مذکور تما م منبع‌انرژی
مید هد که مورد نیان و
ها قرار دارد .
ع انر ژی از تغییر شکل
ب ومواد فا ضله زرا عتی
را ق وتسخین به‌حرار ت
ی برق مبدل می گردد.
ی تخمر نیشکر وحبوبا ت
رو قا ت الکو لی رابوجود
نتیجه تعاملات موادفاضله
توا ن متان وکار بن‌دای
«گاز حیوانی » رابدست
چنین در اثر تغییر شکل
ب ومواد فا صله‌زرا عتی
دار و محروقات جـا مـد
ا ل کرد و به همین‌ترتیب
فرعی رو غن های نبا تی
دیزل رو غنی به کاربردو
تعما ل آنرا بسط وتوسعه

نر ژی کتله های حیه در
ان نسبت به انر ژی‌سا۔
ر جها ن استعمال میشود
بزرگتر است . این منبع
ر ژی تما ما مورد قبو ل
واقع شده است زیرادر
عما ل آن محیط طبیعی‌پاك
ردد وحا صل خیز ی‌خاك
میکند . از جانب دیگـــر
آن به پیما نه زیاد سبب
اراضی ،سیلا ب،رسوب
اك ، واز بین رفتن‌جنگلات
د. از ین لحا ظ غر ســـس
لات در طی یك پروگرا م

در اثر حرار ت کیمیا یی به انرژی
مبد ل میگردد . چو ب محرو قا ت
از هر نو ع اشجا ر استحصـــال
شده میتواند . عامل نها یت مهم‌که
توانا یی بیشتر و قابلیت استعمال
آنرا مو ثر تر میسازد موجود یت
رطوبت دران است . از جا نب‌دیگر
زغا ل وقتی دستیا ب شده میتواند
که سایر کتله های بقایا ی حیه از
قبیل مواد فا ضله زرا عتی ،مواد
فاضلهٔ پنبه ، پو ست ،خسته ،میوه
وغیره در عد م موجود یت‌هواحرارت
داده شود ، در نتیجه بنا برشکستن
فزیکی وکیمیاو ی ، محتو یا ت آن
به یك مخلو ط مغلق (مایع گـاز و
زغال) مبد ل میگردد که عملیه‌مذکور
به اصطلاح پایر ولیس یاد میشود.
انر ژی چو ب محرو قا ت از ان
زما نی مورد استفاده واستعـما ل
قرار دارد که انسا ن ها به کشـف
آتش‌موفق گردیدند .امروز استعمال
چوب به حیث ماده محرو قـا تـی
خیلی زیاد است ، در سا ل ۱۹۷۷
استفاده از چو ب محرو قا ت(۴۷
فیصد) مصار ف انر ژی جها ن را
تشکیل میداد . اکثر یت مستهلکین
چو ب محرو قا تی عبار ت از ممالك

رو به انکشا ف است که در حدود
هشتاد فیصد حصه مصار ف محرو۔
قاتی را از چو ب های دست داشته
شا ن تهیه می کنند ، اما بر عکس
در ممالك انکشا ف یا فته صرف
ده فیصد محرو قا ت از چـــو ب
سوخت و جنگلات صور ت میگیرد.
در مما لك روبانکشا ف تقر یبا
(نودو پنج فیصد) فا میل هـــا ی
روستا یی چو ب سو خت را به‌حیث
منبع او لی انر ژی به کار می برند
که اکثرا به غر ض طبخ ، گر م‌سا۔
ختن منز ل و اندازه کم آن بمنظور
کار ها ی صنا عتی وزرا عتی مورد
استفاده قرار میگیرد .
در جاییکه چو ب سو خت بـــه
استهلاك میرسد ، چگو نگی محیــط
طبیعی وشرایط حیا تی در آنجا ها
بیشتر در خور توجه است ،اکنو ن
سعی ومجاهدت بیشتر مبـــذو ل
گردیده است که طر ز استفا ده و
استهلاك چو ت سوخت را اصلاح
نموده اجاقها ، بخاریها ، ووسایل
طبخ رابهتر سازند و چو ب‌خشك
را استعما ل نمایند ودر پهلو ی‌این
نو ع مصار ف غر س مجدد اشجار
وتولید چو ب رانیز تشو یق‌کنند.
استفاده از زغا ل نظر به چو ب

سوخت منفعت بیشتر دارد ، ...
انتقا ل ، ذخیره کرد ن وتوزیـ...
آسا ن ترمیباشد . اکثرا باین عق...
اند که اگر زغا ل مستقیما است...
شود نظر به چو ب ضایعا ت‌بیش...
دارد ، اما تحت هر نو ع شرا...
در ممالك روبانکشا ف فعلااستع...
چوب سوخت وزغا ل هر دو بق...
مواد حیه راوانمود میسازد که...
وفر ت مورد استفاده قرار میگی...

شیل های تیلی وریگهای قیر...

تحقیقات به منظور تجسس‌م...
متناو ب انر ژی در جها ن بسر ...
کامل ادامه دارد تا زمینهٔ مسا ...
راسرا غ نمایند که از منابع غ...
عنعنوی و جدید بتواند تیل‌یا مـ...
سوخت مورد ضرور ت را دردس...
تهیه بگذارند . این دو منبع انر...
عبار تست از شیل های تیلـ...
ریگها ی قیر دار که البته از ه...
منبع مذکور تیل به حیث منبع‌ا...
انرژی میتوا ن استحصا ل کر...
هر دو منبع سرما یه گذاری ومصا...
زیاد ی راایجا ب مینما ید ونیازم...
زیاد احساس میگردد که دراثنا...
حفر معادن آن مواد زیاد ی ازجا...
گردد تا این منابع انر ژی بخو...
استخرا ج شده بتواند .

بقیه صفحه ۷

شمله‌ورکتون...

**کودکستان فعلا مضامین چون ریاضـی ابتـدائی
تقویهٔ زبان ورسامی رابه شاگردان می آموزیـم
مجسمه سازی که باعث تقویت وانکشاف‌ذهن
اطفال میگردد نیزجزءدروس کودکستان‌می‌باشد
شاگردان برای انکشاف و تقویت جسمی خود
سپورت هایی را چون جمناستیك و غیره نیز
انجام می‌دهند .**

**موصوف راجع‌به‌تفاوت شمله ورکتون باسایر
کودکستان های شهر کابل چنین گفت :**

**از آن جائیکه سازمان دمو کراتیك زنان
افغا نستان بحیث سمبول خوبی درمیان زنان
کشور می باشد توقع می‌رود که این‌کودکستان**

**جانب دیگر سیستم خواب وخوراك اطفــال
بدرستی تنظیم میگردد ودر این زمینه خلایی
بوجود آمده نمی تواند .**

**تفاوت دیگر کود کستان شمله با دیگر
کودکستان هادر قسمت نوعیت غذای آن است
مامی کوشیم تابرای‌اطفال‌شامل این کودکستان
غذا های مقوی و متنوعی بدهیم و در پهلوی
غذاهای روزانه به شاملان آن میوه های مطابق
هر فصل سال را نیز بدهیم وبدین ترتیب
در تقویت جسمی آنان نیز مصدر خدمتی
بشویم.**

**وی درموردارتباط کودکستان‌شمله باریاست
کودکستان ها (ازلحاظ اداری) چنین گفت :**

**کودکستان شمله از لحاظ اداری با ریاست
کودکستان هاارتباط ندارد ولی ازنگاه کار مابه
همکاری ها و مشوره های سود مند کار مندان**

**خارجی تاکنون به این موسسه عام الم...
صورت پذیرفته است چنین گفت :**

**پرسونل فعلی کودکستان شمله راک...
تشکیل می دهند که درمسلك تربیت‌وپر...
اطفال وکار در کودکستان های کشور ت...
چندین ساله ای دارند. بعداز تاسیس‌کودک...
شمله در برج میزان‌سال‌جاری براثر صو...
مقامات مسؤول مـــن بـا نه نفر ا ز معلم...
باتجربه مربوط ریاست کودکستان ها در...
موسسه بکار آغاز نمودیم‌که همه وظایف‌خو...
را بانهایت ذوق و علاقه تاکنون دنبال‌می‌...
وتوقع می‌رود از این طریق بتوانیم کار...
موثری رابه نفع هموطنان خود بخصوص...
کشور که مردان و زنان فردای میهن مامی...
انجام دهیم .**

وامادرموردمساعدت های مالی‌ای که تاکن...

بقیه صفحة (۲۳)

تجلیل از دوصد و بیست ...

(لایسمیك)) وبر لین که از
پرا ها ی کو میك محسو ب
، بانیکو یی یاد کرد .

نس آثار موزار ت که بزبان
تهیه شده ، در اتا ق کوچك
موزیك مسکو ، برا ی هـــر
موزار ت زیاد با ار زش به
ی آید . در ار کســــتر
ب)) در سد ن و در میـــا ن
دو ستدارا ن مو سیقـــی در
در ارکستر سنفو نی کار ـ
شهر کارل مار کس خبرگیو
ی هنر موزار ت به خـو بی
یافته است .

افتخار ۲۲۵ مین سا لروزتولد
ی در اتا ق((ار کسترپراگ))
و سلواکیا مد عو ئین‌خار جی
نر یت آنانرا سو یسی هـــا
ی میداد ودر فستیوا لـــــی
م به ((پر ش ها ی بلند)) از
وزار ت کار گر فته شده‌بود
ی این جشنواره ها ی موسیقی
طر ارجگزار ی به هنر موزارت
ا مور موسیقی ،با خو شی از
، علاقمندا ن موسیقی موا جه
.

وزار ت)) خد مت بزرگی به
موسیقی برا ی بشر یت‌نمود.
قع اغلب از تخلیقا ت وآفر ـ
هنر ی امروز در آلما ن‌دمو ـ
ك بهیچو جه نمیتواند بی‌رابطهٔ
موزار باشد . به افتخـــار

همه ساله از طر ف (ادارهٔمو ـ سیقی در سد ن) مسابقا ت‌کمپوز ـ تیوران شناخته شده به عنوا ن‌تجلیل از سا لروز موزار ت به راه می‌افتد.

در مسابقا ت ۱۹۸۱ که باز هم چند ی قبل بخاطر ارجگزار ی بـه هنر موزار ت زنده سا ختن . یاداو دایر گر دید ه بود. کمپوزیتورهای ورزیده از پانزده کشور جها ن که تاکنون شمار ریکارد های هر کدا م به طور اوسط به (۷۷) ریکـــــارد رسیده وهمه از آثار مـــــوزار ت استفاده کرده‌اند .

به قول کمپوزیتور ها ی متذکره ((انسان منحیث موجود هســـتی آفرین یا آفریده ها ی هنر ی خود بخوبی میتواند حل پروبلم هـــا ی روحی دیگرا ن باشدوبزرگی‌موزارت وچیره دستی او در موسیقی نیـز از همینجا منشا ء میگر فته‌است .

بقیه صفحه ٤٨

بایسکل وسیله ...

وهیجانی و آنچه راکه او اصلا توقع آنهارا ندا شت با خود داشـــــته طوریکه او گفت : ((درروانداشخصی را زیر درختی در امتداد جاده که‌من آنرا عبور میکرد م دید م .زمانیکه به شخص مذ بور نزدیکتر شد م برایم شخص عجیب معلوم شد .

او که یك شخص قو ی هیکـــل وبسیار تنو مند بود لبا سی بر تن داشت که اصلا تا آنروز ند یـــده بودم . من فقط زما نی داستم که‌او یك گوریلا است که در فاصله کمتر از ده متر ی او رسیده بــودم . و تصمیم داشت تا سینهٔ درنده اش‌را بتماس من بیاورد و هما ن بود کـه غر ش کنا ن بسو ی من شتا فـت من سخت ترسیده بودم با چنا ن سرعتی بایسکل راندم که در عمر خود نرانده بودم .))

باید گفت که جا ی مو ندا ل به طور وسطی‌صد تایکصدوسی‌کیلومتر در روز بایسکل میراند .

وضع بهتر جسمی و صحـــی و تمرینا ت منظم فزیکی اورا د
مشقا ت سفر کمك کرده اس
تــاحـال تقر یبا هر گز ا ح
مریضی نکرده :فقط یك مر
کو ها ی یخبندا ن نیپا ل
کرده بود .

جای موندا ل در تابستا
گذشته وارد مسکو گر دید
بازیها ی المپیا ی .۱۹۸ مس
اشترا ك ورزیده و بازیها ی
آنرا که در فضا ی کاملا د
صور ت گرفت تماشا لــــر
مسکو توسط‌کشتی عازم‌سکن
شد بعدا طبق برنا مه اش
عبور از کشور ها ی ارو پا
عازم کشور ها ی اروپا ی
گردید که هم اکنو ن هم در
کشور های اروپا ی عر بی
اوکه طبق برنا مه سفر شر
سا ل ١٩٨٤ به پایان میرس
دارد تادر سا ل ١٩٨٤ به
باز گردد

بقیه صفحه ۱۹

حقایقی چند در ...

چرا ملل متحد به تدویر کنفرانس های جهانی متعدد می پردازد ؟

ملل متحد ازجهتی‌دست به تدویر کنفرانس های‌جهانی‌دست میزندکه‌به‌پرابلم‌های‌عمده جلب توجه نموده وراه توافق عام رادر مورد اهداف وعمل باز سازد .

دردهة ۱۹۷۰ گردهم آیی های جهانی غرض رسیدگی به‌موضوعات محیط زیست ، نفوس ، مواد غذائی ، حقوق زنان ، تجارت وانکشاف واستخدام ، اسکان ، آب، آبارتاید، همکاری

می‌دهد پروبلم هائی را مطالعه وبررسی کنند که در غیر آن خارج حیطهٔ توجه آنی شان می‌ماند در بسا از مواردان‌کنفرانس‌هاهمکاری وسیع‌ترین المللی راسبب می‌شوند .مشکلات محیط زیست دراین زمینه مثال خوبی است. قبل از کنفرانس ملل متحددرباره محیط زیست مسلهٔ بعد جهانی نداشت . چنین پنـداشتـه می‌شد که مسایل مربوط به محیط صرف در کشور های صناعتی قابل توجه اندولی بامطالعهٔ مشکلات مربوط واضح شد که در کشور های

روی ارتباط پالیسی های نفوس
کنفرانس کشور ها را تشویق نمو
مربوط به نفوس رادرپلان های عمو
شان مدغم نمایند اکنون به کم
ملل متحد برای فعالیت‌های نفوس
پروگرام هی وسیع فعالیت‌های‌نف
انداخته اند .

علاوه براین ها طی سه دههٔ اخ
های زیادی دایر گردیده که درآن
اسناد حقوقی تدوین شده واین ه

زندگی‌زن ...

گا ن شورا یعالی
هار صدو هشتاد
اند .
عا ل در کـــار
ین قوا نین،طرح
لی و بودجـــه
م تر ین مسا یل
ار جی شورو ی
.
ی و حقو قی نیز
لاحظه است .
۲ داد رســ در
انست .
ا ی اجتما عی در
را ها روبه افزا-
ن جـوا ن در
ل فـعا لا نـه
ند . پنجاه و دو
فو ف سا زما ن
د شـــورو ی را
ید هند .
اد یه ها ی‌صنفی
شر کت می‌کنند.
سا ی اتحاد یـه
فی را زنا ن می

و نقش آن‌درحل
لۀ زن

متشکله پـــلان
لیز م را انجا م
شکیل مید هد .
ین پلان تو جـــه
اله زن مـبذو ل
ت که به انجا م
لانه مسئلـه زن
عی او شر طعمده
توده ها ی‌هر چه
ید به شر کـت
نیها ی سیاسـی
عی جا معـــه

انقلاب اکتو بر

حل کرد و درسا ل ۱۹۳۹ بیسوادی کاملا محو شده بود .

همین اکنو ن پنجاه و شش‌فیصد زنان در مکاتب مسلکی مصـرو ف تحصیل اند . از جمله محصـلا ن آموز شگاه ها ی عالی پنجاه و یك فیصد آنرا زنا ن تشکیل مید هند.

تعداد زنا ن روشنفکر رو بـه افزایش است واین امر بیانگـر شگوفانی فر هنگ شورو ی مـی باشد .

هفتاد فیصد آموز گارا ن ومعلمین وشصت و نه فیصد دو کتورا ن‌زنان اند . درسا ل ها ی اخیر تعدادزنانی که در بخش ها ی مختلف علـمی مصرو ف کار اند سه مر تبه‌افزایش یافته چهل فیصد کار مندا ن علمی را در اتحاد شورو ی زنا ن تشکیل مید هند . زنا ن در فعا لیت هـا ی اتحاد یه ها ی مبتکر نو یسند گا ن خبر نگارا ن آهنگ سازا ن ، هنر-مندا ن ، معمارا ن و غیره و سیعـا سهم می گیرند . نظم سو سیا لستی همه شرایطی را که به زن اجازه‌سهم مید هد تا نقش اجتما عی خود رابا وجود انجا م مادر ی پیروز مندا نه تلفیق نما یند . تا مین نموده است .

تسهیلات فراوا ن اجتما عی زن را همه جانبه یار ی می رساند .

زن شورو ی در خانواده نیزعضو تام الحقو ق محسو ب می گردد .

زن جامعۀ شورو ی از حق‌مساوی انتخاب همسر ، اشتغا ل ، سکونت انتخا ب ،تخلص بر خور داراست.

جلب فعا ل توده ها ی وسیـع زنان به کار وزند گی اجتما عی ، مرز ها ی کهنه تقسیم کار بین زن و مرد راز میا ن برداشت .

قبلا تنها مرد نا ن آور وتا مین گر مادی در فامیل بود. زن تـنها محافظه خانه مسئوول امور مطبخ و بچه دار ی بشمار میر فت . و لی

برای اطفال از قبیل کود کستا ن‌ها شیر خوار گاه ها ، اردو گاهها ، مراکز اجتما عی اطفا ل به‌زن‌شوروی این امکان را میسر ساخته است که عضو فعا ل جامعه و مادر مهر با ن وباتوجه باشد .

کرا ف توسعه شبکه های جدید خدما ت به اطفا ل حرکت صعود ی دارد . به طور مثال در سا ل ۱۹۷۸ در یکصدو بیست و دو هزار کود -کستا ن سیزده میلیون و یکصد و هفتادو هفت هزار طفل پرور شـ شده‌اند .

همچنان تعداد زیاد مو سسا ت ویژه ای اطفا ل وجود دارند .

در سا ل ۱۹۷۸ تقریبا از پنـج ملیو ن طفل در ین مو ســســا ت مواظبت به عمل آمده اســت . در نگهدار ی اطفا ل مو سسا ت‌ومراجع خار ج از مکتب نقش با اهمیتی را ایفا می کنند . به طور مثال کاخهای پیش آهنگا ن ، مراکز تخنیکی کودکی ستا دیو م ها کتابخانه ها ی اطفال بنگاهها ی توریستی و گــرو پ های روز ها ی تمدید شده و غیره.

در خطو طاساسی انکشـــا ف اقتصادی واجتما عی اتحاد شورو ی که در کنگره (بیست‌و شش) حز ب کمونست اتحاد شورو ی تصو یب یکی از مسایل محور ی این پلا ن را بهبود بخشید ن شرا یط کار و زندگی زنا ن زحمتکش تشکیل مـی دهد .

در ماه مار چ ۱۹۸۱ بلا فا صلـه بعد از ختم کار کنگره مصو بـۀ شورا ی وزیرا ن اتحاد شـــورو ی پاس شد که به تاسی ازآن زنـان از مر خصی یك ساله بعـد از وضع حمل با حفظ دستمزد و ترفیع استفاده کرده می توانند . همچنا ن با بدنیا آمد ن طفل مقدار پنجـــاه روبل از جانب دو لت به فا میـــل کود ك مدد میرسد .

همه این واقعیت ها و فا کت ها، مظهر زنده مواظبت خستگی ناپذیر حزب ودو لت شورو ی از زنا ن‌به مشابه انسا ن زحمتکش و ما درمی باشد .

شرکت زنا ن شورو ی در جنبش دمو کرا تیك بین‌المللی :

زنان شورو ی در فعا لیت فدرا-سیون دمو کراتیك بین‌المللی زنا ن به طور فعا لانه اشترا ك می‌ورزد.

کمیته زنا ن شورو ی با (۲۵۰) سازما ن ملی زنا ن (۲۱۳) کشور مختلف باسازما ن ها ی منطقو ی‌و بین‌المللی روابط دوستا نه دارد .

با تبادله هیئا ت ها ی نمایندگی اطلاعا ت و تجربۀ کار این روا بــط تحکیم متداو م می یابد و همچنا ن در تبلیغ سیا ست حز ب و دو لت شورو ی به جها ن نقش ار زنده را ایفاء می کند .

بقیه صفحه ۲۷

درود به‌تو ...

برای ایما ن والاتر به این حماسه پرشور با هم زما ن رادر می‌نوردیم ورهسپاری یاد هاو خاطره ها ی از دوران های دیگر میشو یم -دوران هایی که مارا به عمق فا جعه مـی کشاند و دوران تراژ د ی ا یکـه اشك وآه در بیشمار سا ل هـــای آن تنها ار مغا ن رنجبرا ن وزحمت کشا ن آن است وباشد ت بیشتری شانه زن رامی خما ند .

آری ای زن .

زن از یکسو در زیر فشا رها یـی سالار منشی جامعه واز سو ی‌دیگر زیر سلطه جویی ها ی پدر سالاری ومرد سالاری بیشتر از هر قشـــر دیگر رنج برده است در این سـده هابیمار ی وگرسنگی - فقر و بی دانشی وکار برا ی دیگرا ن به‌عنوان یك سر نوشت محکوم به پیشا نی مردم ما مهر خورده بوده است و چه افسوس که زن این نیمه پیکـر جا معه که در خانۀ ، کودك گرسنۀ اش رابا سینه های خشکیده ازشیر خود تغذیه کرده ودر بیرو ن دوش به دوش پدر و شو هر بیل به‌دست

بقیه صفحه ٤

خاطره سوم عقرب را...

حادثه سوم عقرب در زمانی بوقوع پیو ست که رژیم اختناق سلطنتی ظاهر شاهی درکشور سایه شومش را گستر انیده بود و دو سال قبل ازآن قانون اساسی وشاهی مشروطه در اثرمبارزات پیگیروبی امان ومحصول قربانیهای فراوان اسلاف قهرمان ما رویکار آمده بود به موجب‌قانون اساسی‌جدید حکومت وقت‌یکسلسله آزادی هـــای نیم بند را به مـــردم قایـــل گردیده بود : آزادی بیان ، گفتار ، عقیـــده ، مطبو عات ، آزادی میتنگ ها ، مظاهرات و اجتماعات ...

بتاریخ سوم عقرب ١٣٤٤ روشنفکران جوان کشور اعم از متعلمین محصلین ، کارگران و پیشه‌وران واهالی‌شریف شهرکابل خواستندتا با استفاده از ارزش های دمو کراسی قانون اساسی وقت ، به خاطر مشاهده جریان علنی رای اعتماد به مقر ولسی جرگه وقت بروند تا ببینند که از حرف تا عمل چقدر فاصله یی وجود دارد آیا حکومت وقت آنچه را که در قانون اساسی به مردم وعده داده است در عمل پیاده می کند یا خیر و بدین ترتیب آیا نمایند گانی که درخانه مردم جمع گردیده و به حکومت رای اعتماد میدهد واقعا از توده های میلیونی مردم زحمتکش رانمایندگی کرده می‌توانند ؟

از آنجا ییکه حکومت ها و دولت های غیر مردمی هیچگاهی نمی خواهند به نفع ملت‌گامی بردارند و همیشه حافـــظ منافع طبقات حاکم و استثمار گر جامعه اند بنا هر عملی را که انجام میدهند منافع خود آنها در آن مضمر است مگر ظاهرا خود را خدمتگذار مردم‌جلوه داده‌و توده ها را می فریبند دادن حقوق و آزادی های دمو کراتیک به مردم افغا نستان فقط و فقط بروی کاغذ بود و ارتجاع سلطنتی وابسته به فیود الیزم و امپر الیزم از عملی نمود ن آن هراس داشت از جانب دیگر مشاهـــده جریان علنی رای اعتماد جعلیات و فریبکاری دستگاه سلطنت را در جهت تعیین سرنوشت مردم افغانستان افشاء می کرد زیرا اکثـــر نمایند گانی که در خانه مردم (ولسی جرگه)

هنگ طبقه کارگر و توده زحمتکشان کشورکه تازه یکسال قبل از آن تاسیس گردیده بـود منظما رهبری می شد جوانان وطنپر ست و روشنفکر با شهامت ما مصمم بودند تا درجهت بدست آوردن آزادی و دمـوکراسی و طـرد استبداد سلطنتی تا آخرین رمق برزمند ایـن سر سپردگی و مقاومت جوانان ما کاخ استبداد را بلرزه‌در آورد که با دستپا چگی و سرگیچی تمام تصمیم گرفت تا این خواست کامـــــلا قانونی و اصولی مردم و این ظاهرات مسالـ لمت آمیز جوانان مترقی کشور را با سر نیزه جواب دهد قوای ژاندارم رژیم استبـــدادی ظاهر شاه در مقابل جوانان غیور کشور شاـ گردان و محصلین و همهٔ روشنفکران‌ها که جز کتاب و قلم و علم و دانش سلاحی نداشتنـــد صف بستند و ناجوا نمردانه بسوی آنها آتش گشودند که در نتیجه خون صد ها جوان ـ آزادی خواه ما بروی سرك های اسفالت شده ریخت و در راه آرمان های مقدس خو یشس که جز خدمت به مردم و میهن شان چیـــزی دیگری نمی توانست باشد شهیدان گلگون کفن گردیدند و ترازیدی سوم عقرب بوجود آمد...

جنبش سوم عقرب‌سرآغازنضج واو جگیری، تشکل وتحرك جوانان ما بوده‌سهم شایسته جوانان در مبارزات بی امان و انقلابی در آوانی که رژیم های اختناق وترور در کشور بیداد می‌کرد ودر اثر آن فقرو خواری ،ظلم وبیعدالتی در دو مرض دامنگیر مردم عذاب دیدهٔ مابود بی نهایت بر جسته است.

خاطرهٔ شهدای سوم عقرب و قهرمانی جوانان ووطنپرستانی که در راه آرمان های پاك ومقدس شان بخـــاطـــر نجات مـــردم از زنجیر اسارت وبردگی وطرد ومحو کاخ استبداد رژیـــم هــــای وابسته به فیودالیزم وارتجاع تاپای جان‌رزمیدند تابناك و فراموش ناشدنی است و بیانگر این حقیقت است که مردم ماتوانست دراستبداد رابه لـرزه درآورد وبه او بفهماند که دیگر نمی‌تواند به شیوه قرون وسطایی حکمروایی کنند .

جنبش سوم عقرب به تجارب انقلابـــی در

ودر گوش جان همه جوانان وطنپرست کشور طنین گردید .

گور خونین شهیدان بتو آوا دهد
آتشی را که فروزان شده خاموش مکن
مابه امید وفی توگذشتیم زجـــان
دوستان را مبر ازیاد وفراموش‌مکن

آری ، خاطره سوم عقـرب قبل از انقـلاب ثور همه ساله از طرف ح.د.خ. افغـانستان در تحت شرایط استبداد و اختناق حکومت وقت چنان باشکوه تجلیل میگردید که قلب ارتجاع رابلرزه می آورد .

جنبش سوم عقرب برای جوانان پیکار جوی ماچنان الهام بخش بود که باعث تشکل و همبستگی هر چه بیشتر آنان گردیده و همچون سیل توفنده بر دژ ارتجاع واستبـــداد یورش میبردند و روز تا روز پایه هـــای آنرا لرزان نموده و بطرف زوال و نابودی حتمی سوق میدادند .

انقلاب‌شکوهمندثور که در نتیجه مبارزات

طولانی اصولی و منط
تحت رهبری ح.د.خ
رسید وبه تسلط نیم
سلطنت خاتمه داددر
وپاك شهدای سوم عق
به آن جان های شیری
تحقق یافت ویکباز د
شد گردانید .

خاطرهٔ سوم عقرب
ثور بخصوص مرحله
ساله طی مراسم و
نسبت بگذشته تجلیل
این روز تاریخی گرامی
روز سوم عقرب یا
کشور در سر تاسر اف
ویاد قربانیان این رو
شد .

جاویدباد خاطرهٔ س
درود پر شور بر
عقرب

بقیه صفحه ٢٥

اطفال و...

برای جلوگیر ی از این خطر ها بسیار سود مند خوا هد بود کـــه مقررات ترافیکی به اطفال در ست تفهیم شود وعملی‌به آنها یاد آور شود که چطو ر میتوا نیم از خطـر جانی در اما ن باشیم ـ مثلا برای اطفا ل عملی یاد داده شود که از نقاطی که خط‌کشی نشده باشدنباید عبور کرد.

ودیگر رنگ چراغها ی ترا فیکی که عبار ت از سه رنگ است یعنی سرخ ـ سبزوزرد به اطفال‌آموزانده شود .

چرا غ سر خ برای تو قف است چرا غ زرد برای احتیا ط وآماد گی وچراغ سبز ـ اجازه است بـــرای عابرین، البته در صو ر تیکه علامه پیاده رو را نشا ن بد هد و اگربدون علامه پیاده روباشد برا ی راننـــده

خانه است که فر
حقیقت این خانوا
بردن و آوردن ا
ندارند و لی وظیف
مراقبت فرزندا ن
چه اگر اطفا ل را
واگذار شوند که
خواست برو ند و
برگردند دچار اش
اند که در حقیقت
اطفا ل خودرا به
اند .

وآن عده اطفا
مادرا ن شا ن با
حوادثی آنهارا در
اما این پدرا ن و
باید در نظر داشت
معین بردن و آور
مادرا ن ویا پدرا
دارند وبرا ی آ

محل کار و مکتب‌اطفال
ند که بعد از رخصتی
ب انتظا ر آمد ن پدررا
طول مدت یعنی‌زودتـر
ا ودیر آمد ن عصر ها
ر نظر روا نی خسته و
سازد این اطفـــا ل
خانه میر سند فکرشان
یکند و عصبی میشوند
ی معلم که‌برا یش‌وظیفه
ست اصلا متو جه نمی

نظر ما یگانه راه چاره
ذب که به محل سکونت
برای تحصیل وفراگرتی
استفاده شود .

که توجه‌ورعا یـــت
یکی ازطرف‌اطفال‌هیچگا
میتواند جا ن آنها رااز
ز ناگو ن دراما ن‌نگهدارد
ی کلیه رانند گا ن امری
یر است تا اطفا ل‌آینده
از نند گا ن فـر دا ی
در سنین طفلی و نو ـ
تصادف یا و سایـل
لی ، پژ مرده نکردند.
نکه بگـویم : زندگـی
نا دیگرا ن هم زند گی

که هر یك از ما نمـی
رزندان ما گـزنـدی

برسد و خطر ی آنها را تهدیدنماید باید این فکر را در مورد فر زندا ن دیگر نیز داشته باشیم .

باید بدانیم که هر یك از ایـــن کودکا ن مایهٔ پیو ند خانوا ده‌های دیگر هستند وکانو ن این خانواده از حرار ت وجود آنها نیرو میگیرند وکانو ن خانواده هارا گر م نگـــاه میکنند .

هر خنده وگر یه ای ، سخنی ، پرسش ازسو ی اطفا ل که سا یر اعضا ی خانواده را به تلاش و امید وار میدارد وایشا ن رابرا ی آینده آماده‌میکند .نگذاریم که دراثرلحظه‌ای غفلت این شمع ها ی فروزا ن بـه خاموشی روند ، چرا باید به خود اجازه بد هیم که بدو ن احسا ســ مسوو لیت اشتر نك موتر را در دست بگیریم و یکباره حادثه راخلق نکنیم که گر می خانواده را به‌سردی مبد ل سازد ؟

این جمله را هر باره تکرار مـی کنم که رانند گی هر شخصی معرفی شخصیت اوست .

این همه و همه نقا ط ضعفی‌است که متاسفا نه بر خی از مشکلا ت را خلق میکند ، هنگا می کـــه پیا ده هستیم اجرا ی مقررا ت را از سوار ها میخوا هیم ووقتیکه سوارهستیم برعکس آن .



گذشتا ندن کودکان از جاده‌های‌مزدحم وظیفه والدین است

سفی

نا مه‌یی ازسنگر



منی
تو میداند .
باران آید
پیش تومیایم
آب شود برف سپید
د .
پیش تو میایم

• • •

من درین جا ،
همه شب خواب ترا می‌بینم
خواب زیبایی چشمان ترا

اندرین زورق زیبایی امید
راه می‌پیمایم .
راه دوریکه من وهمسفران
بهر خوشبختی مردم رفتیم .
گرچه راهیست دراز
ولی ما خوشبختم ،
که دگر خارو خسی در رهٔ ما
به سر آب نخواهد رسید .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد ز مـان نیکرای
آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاوی واټ جوارریاست
مطابع دولتی ـ کابل
تیلفون مدیر مسوول : ۲٦٨٤٩
تیلفون توزیع و شکایات ۲٦٨٥٩
سوچبورد مطابع دولتی ۲٦٨٥١
تیلفون ارتباطی ژوندون ۲۱

